

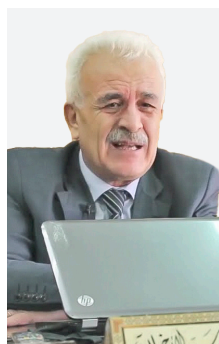




۷

سیاست تثبیت نرخ ارز باید با قدرت اجرا شود

دکتر محمد جواد ایروانی، عضو مجمع
تشخیص مصلحت نظام و وزیر اسبق
اقتصاد در تحلیلی ارائه کرد



۲۱

سیگنال مثبت بانک مرکزی ایران به کشورهای منطقه

دکتر "حیان احمد سلمان"، معاون
پیشین وزیر اقتصاد سوریه و استاد
برجسته اقتصاد دانشگاه "تشرین"
در گفتگو با تازه‌های اقتصاد



۱۲

تورم‌های بالا را در دنیا با اجرای سیاست تثبیت درمان می‌کنند

دکتر احسان قمری، اقتصاددان و مدیرکل سابق دفتر
توسعه خدمات بازرگانی سازمان توسعه تجارت

۳۹

سرویس استعلام «چک‌های در راه» فعال می‌شود

دکتر آمنه نادعلی زاده، سخنگوی اجرای
قانون چک بانک مرکزی
در گفتگو با تازه‌های اقتصاد



۱۸

توقف چرخه تورمی با اجرای سیاست تثبیت اقتصادی

دکتر عباسعلی ابونوری، اقتصاددان
و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد
اسلامی در گفتگو با تازه‌های اقتصاد



۵۰

سیاست‌های جدید بانک مرکزی تورم را کاهش داد

دکتر یعقوب زراعت کیش، استاد اقتصاد و عضو هیات علمی
دانشگاه علوم و تحقیقات در گفتگو با تازه‌های اقتصاد

۵۵

ترمز استقراض دولت از بانک مرکزی کشیده شد

۵۹

منتظر کاهش نرخ تورم باشیم

۶۳

دوگانه کاهش رشد نقدینگی و افزایش پایه پولی

۶۷

مهار نقدینگی فراتر از هدف

• صاحب امتیاز:

موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز

• رئیس شورای سیاستگذاری:

مهدی مهرپور

• شورای سیاستگذاری:

اصغر بالاسینی، حسین لطفی

سید فرهاد موحدی و حسین میرزایی

• سردبیر:

علی احمد قاسمی

• ناظر محتوایی و مشاور سردبیر:

فاطمه محمدی

• همکاران این شماره:

پوریا صادقی، محمدرضا مقامی فرد، امیرحسین موسوی

محمدعلی تخت رنده، جواد حیران نیا، مرتضی کریمی

مژگان فرجی، زهرا طهماسبی، مرتضی عبدالحسینی

حمید کمار و سعید رشیدی نوپندگانی

• مدیر اجرایی:

محمود مهدوی

• گرافیکست و طراح جلد:

سید احسان نوری نجفی

• صفحه آرایی:

مهدی بخشی

• عکاس:

مبین صدیقی

• نشانی:

تهران، نرسیده به چهارراه استانبول

بانک مرکزی، ساختمان شماره یک

• تلفن:

۰۲۱-۶۴۴۶۴۹۶۰

• نمابر:

۰۲۱-۶۴۴۶۴۹۶۱

• لیتوگرافی و صحافی:

نگار نقش

• چاپ و توزیع:

احمد شیرازیان

سرمقاله

به آینده امیدواریم

۴

۷

سیاست تثبیت نرخ ارز باید با قدرت اجرا شود

۱۲

تورم های بالا را در دنیا با اجرای سیاست تثبیت درمان می کنند

۱۸

توقف چرخه تورمی با اجرای سیاست تثبیت اقتصادی

۲۱

سیگنال مثبت بانک مرکزی ایران به کشورهای منطقه

۲۶

بریکس مسیر ورود سرمایه گذاران خارجی به کشور را باز کرد

۲۷

رسانه ها چگونه انتظارات تورمی را شکل می دهند؟

۳۰

جنت یلن نخستین سکندر زن در تاریخ فدرال رزرو

۳۹

سرویس استعلام «چک های در راه» فعال می شود

۴۴

هشدارهای حقوقی به گیرندگان چک

۴۸

مخاطرات چک های کاغذی رفع شد

۵۰

سیاست های جدید بانک مرکزی تورم را کاهش داد

۵۵

ترمز استقراض دولت از بانک مرکزی کشیده شد

۵۹

منتظر کاهش نرخ تورم باشیم

۶۳

دوگانه کاهش رشد نقدینگی و افزایش پایه پولی

۶۷

مهار نقدینگی فراتر از هدف

۷۲

اقدامات ارزی بانک مرکزی بازار را آرام کرد

۷۹

پیشنهاد تشکیل شورای بانک های مرکزی کشورهای عضو بریکس

به آینده امیدواریم

دکتر محمد رضا فرزین /

رئیس کل بانک مرکزی

بود و در برخی حوزه‌های دیگر نیز نرخ رشد بالا بود.

به ویژه در حوزه نفت مایک نرخ رشد بالایی داشتیم و در حوزه صنعت نیز نرخ رشد دورقمی بود، اما نرخ رشد بخش‌های کشاورزی و خدمات پایین بود و راضی کننده نبود، اما مشخصه دیگر رشد در سال ۱۴۰۱ این بود که ما برای اولین بار پس از سال‌ها تجربه نرخ رشد منفی در تشکیل سرمایه، از یک نرخ رشد ۶۰۷ درصدی برخوردار شدیم و این نرخ در بخش ماشین‌آلات حدوداً ۱۵۰۴ درصد بود. یکی از دلایل بسیار مهم آن هم این بود که تراز تجاری ما در سال گذشته مثبت شد و ما حدوداً ۲۰ میلیارد دلار نیز تراز تجاری مثبت داشتیم و این باعث شد که درآمدهای ارزی ما نیز افزایش پیدا کرد.

همچنین سیاست‌های ارزی بانک مرکزی در جهت حمایت از واردات کالاهای سرمایه‌ای بود و با توجه به اینکه از منابع ارزی مطمئنی نیز برخوردار بودیم، کالاهای سرمایه‌ای زیادی را توانستیم وارد کنیم و سیاست‌های وزارت صمت نیز در این حوزه تسهیل کننده بود و نهایتاً توانستیم یک نرخ رشد بسیار خوبی را در حوزه تشکیل سرمایه، به ویژه در ماشین‌آلات داشته باشیم.

این نرخ رشد ما را به آینده امیدوار کرد که می‌توانیم با توجه به ظرفیت‌سازی مناسبی که اتفاق افتاده، در سال‌های آینده وضعیت

با توجه به اینکه در روزهای اخیر آخرین آمار مربوط به رشد بهار سال ۱۴۰۲ توسط بانک مرکزی منتشر شد، یک جمع‌بندی از وضعیت رشد اقتصادی در این فصل ارائه خواهم کرد. سال ۱۴۰۱ را در حوزه اقتصاد کلان، با تکان‌های مغایر و مساعد زیادی طی کردیم، اما اگر بخواهیم یک جمع‌بندی خیلی مختصر و سریعی از وضعیت متغیرهای اقتصاد کلان داشته باشیم، می‌توان گفت سال ۱۴۰۱ را در بخش متغیرهای پولی، خوب شروع کردیم، سطح تورم پایین بود و البته نرخ رشد پایین نیز داشتیم، ولی با توجه به افزایش نرخ ارزی که در نیمه دوم سال اتفاق افتاد، تورم هم افزایش پیدا کرد و نهایتاً سال را با تورم نامناسب و نسبتاً بالا به اتمام رسانیدیم، اگرچه پیش‌بینی‌های غیرمتعارف در خصوص نرخ تورم نیز محقق نشد.

در حوزه رشد متغیرهای حقیقی یا غیرپولی، بالعکس اقتصاد ایران بهار سال ۱۴۰۱ را به خوبی شروع نکرد و نرخ‌های رشد پایین بود، ولی هرچه زمان گذشت و به سمت پایان سال رفتیم، نرخ‌ها بهتر شد و نهایتاً به نرخ رشد ۴ درصدی رسیدیم که نسبتاً راضی کننده بود و نشان داد که ما همچنان برای تحقق رشد‌های بهتر نیازمند سوخت بالاتری هستیم. اما رشد سال ۱۴۰۱، سه مشخصه داشت. اولاً اینکه رشد در حوزه‌های مختلف نامتوازن و ناموزون بود، به عبارتی در برخی بخش‌ها نرخ رشد پایین



رشد بخش ها نسبت به سال قبل افزایش پیدا کرده است.

رشد بخش کشاورزی در بهار سال قبل ۱۰۹ درصد بوده که در فصل بهار امسال به ۲۰۲ درصد رسیده است. گروه نفت و اقمارشد خیره کننده ای داشته و به ۱۶۰۴ درصد رسیده و در فصل تابستان نیز به رشد خود ادامه داده است. گروه صنایع و معادن، سال گذشته را بد شروع کرد و در بهار سال ۱۴۰۱ وضعیت خوبی نداشت، ولی در بقیه فصول وضعیت بهتر شده بود، با این حال در بهار امسال توانست رشد ۳۰۷ درصدی داشته باشد. در بخش ساختمان نرخ رشد بهار ۱۴۰۱ منهای ۸ درصد بود و در بهار سال جاری به ۱۰۶ درصد رسیده است. از سویی، در بخش تشکیل سرمایه بخش ساختمان نیز نرخ رشد مثبت شده و رو به افزایش است.

در گروه خدمات که نزدیک ۵۰ درصد GDP کشور را تشکیل می دهد، اگر نرخ رشد خوبی را نداشته باشد، عدد کلی نرخ رشد را پایین خواهد آورد، ولی نرخ رشد این گروه از ۲۰۳ درصد به ۶۰۲ درصد افزایش یافته و این باعث شده که مجموع نرخ رشد ما یک عددی بالاتر از چیزی که در چند سال اخیر بود، محقق شود و باید گفت نرخ رشد ۶۰۲ درصدی برای بخش خدمات، یک نرخ قابل توجه است که حاصل شد.

اما در بخش تشکیل سرمایه نیز باید گفت

بهتری را در حوزه رشد داشته باشیم. اما برگردیم به سال ۱۴۰۲ که گزارش آن اخیرا منتشر شد، من قبل از آنکه به رشد در سال ۱۴۰۲ بپردازم، نظرم را درباره متغیرهای پولی عرض می کنم.

به دلیل افزایش نرخ ارزی که در نیمه دوم سال ۱۴۰۱ داشتیم، نرخ تورم هم افزایش یافت و این افزایش نرخ تورم، به فروردین و اردیبهشت ماه سال جاری نیز کشیده شد به طوری که ما در این دو ماه نیز با یک عدد تورمی بالایی روبرو بودیم، ولی بعد از آن با سیاست تثبیت اقتصادی و اثربخشی این سیاست ها، تورم شروع به کاهش کرد و تاکنون ۱۴ واحد درصد نرخ تورم نقطه به نقطه هم کاهش یافته و ما را امیدوار کرده به اینکه با ادامه سیاست های تثبیت، بتوانیم در ماه های آینده این نرخ را بیشتر کاهش دهیم. در خصوص متغیرهای رشد، آمار اداره حساب های اقتصادی بانک مرکزی جدیدا منتشر شد. در بهار ۱۴۰۲ رشد اقتصادی با نفت به ۶۰۲ درصد و رشد اقتصادی بدون نفت نیز به ۵۰۲ درصد رسید. ملاحظه می کنید که تقریبا هم در رشد با نفت و هم بدون نفت، میزان رشد اقتصادی تقریبا ۳ برابر شده است.

درباره ویژگی های نرخ رشد حاصل شده باید عرض کنم که در حال حاضر تمام بخش ها نسبت به سال قبل با رشد مواجه شده اند و رشد هم موزون شده است. به صورت کلی،

که درست است که در پایان سال گذشته نرخ رشد مثبت شد، اما در فصل بهار سال گذشته نرخ رشد منهای ۱۰۴ درصد بود، با این حال، در فصل بهار امسال به نرخ رشد ۲ درصدی رسیده که ما را امیدوار کرد که در ماه‌های بعدی نیز این رشد با توجه به روندی که در گذشته داشته است، ادامه پیدا کند. این تصویری که ارائه شد، تصویری است که مربوط به فصل بهار است و چون ما در حال حاضر در پایان نیمه اول سال هستیم، سوال این است که در تابستان چه وضعیتی داشتیم؟ آیا در تابستان وضعیت مناسب بوده و یا نامناسب؟ چون آمار بانک مرکزی با یک وقفه فصلی منتشر می‌شود و ما باید آمارهای تابستان را در پایان فصل پاییز منتشر کنیم، ولی با توجه به متغیرها می‌خواهم تحلیل خودم را بگویم، البته این تحلیل و قضاوت زود هنگامی است، ولی به نظر می‌رسد که به واقعیت نزدیک باشد.

یک گزارشی را بورس در خصوص متغیرهای پولی و تولیدی شرکت‌های بورسی منتشر می‌کند. چون این شرکت‌ها حدوداً ۵۹ درصد شرکت‌های بزرگ کشور را تشکیل می‌دهند، بنابراین انکا به آمارهای این بخش می‌تواند وضعیت بخش صنعت را به خوبی ترسیم کند.

البته بخش‌های خدماتی و کشاورزی کمتر در بورس هستند و ما باید به آمارهای دیگر در این بخش‌ها انکا کنیم. براساس آخرین داده‌های منتشر شده در مردادماه امسال، در تیرماه رشد شرکت‌های بورسی ۶۰۷ درصد بود که در مردادماه برابر ۹۰۲ درصد شد و این نشان می‌دهد که وضعیت تولید بهتر شده است.

یک نکته دیگر اینکه موجودی انبار در مردادماه ۸ درصد کاهش پیدا کرده و این کاهش موجودی انبار در کنار افزایش تولید نشان می‌دهد که رشد از منظر عرضه و تقاضا از وضعیت مناسبی برخوردار است، چون کاهش موجودی انبار نشان می‌دهد که تقاضا رشد پیدا کرده و محصولات تولیدی به فروش رفته است. اما نکته دیگر در این گزارش، رشد تولید کالاهای سرمایه‌ای است که دورقمی شده است.

البته از سال گذشته، رشد تولید کالاهای سرمایه‌ای از رشد تولید کالاهای مصرفی و خدماتی بهتر بوده و یکی از دلایلی هم که

تشکیل سرمایه در حوزه ماشین‌آلات رشد بالا داشته، به این دلیل است که تولید کالاهای سرمایه‌ای توانسته است رشد بالایی داشته باشد و همچنین نیز این نرخ رشد حدود ۱۵۰۹ درصد مثبت است و این یکی از نقاط مثبت رشد در سال ۱۴۰۲ محسوب می‌شود. اما در خصوص سایر بخش‌ها ما نمی‌توانیم به آمار بورس اتکا کنیم.

یکی از این بخش‌ها، بخش کشاورزی است. در این بخش با توجه به شواهدی که داریم، در فصل تابستان به ویژه در گندم، بالای ۱۰ میلیون تن خریداری صورت گرفت که نسبت به سال گذشته نرخ رشد بسیار بالایی را داشته است و سایر شواهد نیز نشان می‌دهد که بخش کشاورزی در فصل تابستان وضعیت بسیار خوبی را داشته است.

معمولاً وقتی می‌خواهیم درباره خدمات قضاوت کنیم، این بخش می‌تواند یک همراهی با بخش صنعت را با یک وقفه نشان بدهد. البته قضاوت نهایی زود است، ولی تکانه مغایر اساسی در بخش خدمات در سال ۱۴۰۲ مشاهده نکردیم. بنابراین می‌توانیم جمع‌بندی کنیم که ما در تابستان هم یک روند بسیار مناسبی را داشته باشیم.

اگر من بخواهم تحلیل‌ها را جمع‌بندی کنم، می‌توانم بگویم ما با توجه به وضعیت نرخ رشد چند سال اخیر، در حال بازگشت به شرایط بلندمدت متغیرهای اقتصاد کلان که در شرایط معمول داشتیم، هستیم.

نکته دیگر که از مشخصه‌های متغیرهای اقتصاد کلان است، اینکه وضعیت متغیرهای حقیقی از وضعیت متغیرهای اسمی بهتر بوده که دلیل اصلی آن نیز حباب است.

یعنی حباب ناشی از انتظارات تورمی که متأسفانه در جامعه و در ذهن فعالان اقتصادی به وجود آمده، باعث شده که متغیرهای اسمی نتواند پا به پای متغیرهای حقیقی حرکت کند، اگرچه تورم نیز کاهش پیدا کرده و نرخ عرضه پول هم کاهش یافته است.

با توجه به توسعه در روابط خارجی و همبستگی سیاست‌های بسیار خوبی که در بانک مرکزی در حوزه کنترل نقدینگی اتفاق افتاده و با اجرای سیاست تثبیت اقتصادی در کنار آرامشی هم که بازار ارز داریم، ما به آینده امیدواریم و انشاءالله تا پایان سال بتوانیم در جهت تحقق اهداف سال که مهر تورم و رشد تولید است، گام برداریم.

دکتر محمد جواد ایروانی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و وزیر اسبق اقتصاد در تحلیلی ارائه کرد:

سیاست تثبیت نرخ ارز باید با قدرت اجرا شود



- نرخ دستوری ارز به اسم رمز تخریب منافع ملی تبدیل شده است
- جای تامل دارد که آیا راهسازی نرخ ارز تحت عنوان رژیم شناور مدیریت شده ارز توجیه دارد؟
- اگر سیاست شناوری نرخ ارز در سقوط ارزش پول ملی تعریف پیدا کند، روز به روز مردم را در اعماق فقر و نابرابری گرفتار می کند
- فاکتور غیر اقتصادی نرخ سازی مراجع نامعتبر و ناشناخته ای چون انبوه کانال های تلگرامی، باعث تضعیف منافع ملی شده است
- هریک درصد افزایش نرخ ارز، ۴.۸ درصد تقاضا برای پول ملی را کاهش می دهد

واقعیت‌های میدانی در چند ماهه اخیر نشان می‌دهد که چنانچه تثبیت نرخ ارز با جدیت پیاده و مقوله ارز مدیریت شود شاهد ثبات بازارها، کاهش ادراک ریسک کاهش انتظارات تورمی، کاهش جذابیت سفته‌بازی و فروکش کردن فضای سوداگری خواهیم بود

ارز موتور اصلی تورم در اقتصاد ایران

دیدگاه متعارف، تورم را ناشی از کشش تقاضا و نقدینگی را عامل تورم می‌داند و صرفاً کنترل نقدینگی را راه چاره مهار تورم عنوان می‌کند. این در حالی است که نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ایران ۷۵ درصد است که از نسبت‌های پایین در دنیا محسوب می‌شود و همزمان در بخش واقعی اقتصاد نیز با کمبود شدید تامین مالی در اقتصاد بانک محور ایران روبرو هستیم. بنابراین مجموع این شرایط، این دیدگاه متعارف را به چالش می‌کشد.

از سوی دیگر، تحلیل کمی سری‌های زمانی متغیرهای اقتصادی در ۱۹ سال گذشته نشان می‌دهد که متغیر نرخ ارز غیررسمی، بیشترین اثر را نسبت به سایر متغیرها نظیر نقدینگی، کسری بودجه و ترانزنامه بانک‌ها بر افزایش نرخ تورم دارد و با تغییرات نرخ ارز غیررسمی، می‌توان تغییرات تورم را تحلیل و پیش‌بینی کرد.

همچنین از سال ۹۲ تا سال ۹۶ نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی در ایران افزایشی بوده، اما شاهد کاهش نرخ تورم بودیم و از سال ۱۳۹۶ به بعد، نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی کاهش یافته، اما نرخ تورم افزایش یافته است. نتیجه می‌گیریم که نمی‌توان با قطعیت گفت فقط نقدینگی موجب تورم می‌شود، بلکه متغیر نرخ ارز نقش بالاتری نسبت به نقدینگی در افزایش تورم داشته است.

تأثیر نرخ ارز بر تورم عمدتاً از جانب فعال‌سازی سازوکارهای مخرب مانند فشار هزینه در طرف عرضه است، وابستگی بالای تولید داخلی به واردات مواد اولیه، مواد واسطه‌ای و ماشین‌آلات باعث شده که تغییرات نرخ ارز، اثر معناداری بر هزینه‌های تولید و قیمت تمام شده کالاها و خدمات داشته باشد.

همچنین افزایش نرخ ارز تحریک مستقیم انتظارات تورمی را به دنبال داشته و رهاسازی و جهشی شدن قیمت کالاها و خدمات داخلی در امتداد رهاسازی نرخ ارز و شوک‌های آن، این اثر مخرب را تشدید کرده است.

کاهش مداوم ارزش پول ملی به نوبه خود موجب افزایش تقاضا برای کالاهای جایگزین پول نظیر ارز، سکه و طلا شده و رقیب‌تراشی برای پول ملی با تقویت ارز خارجی علاوه بر تقاضای معاملاتی ارز، موجب ایجاد تقاضای جدید ارز برای ذخیره ارزش و دارایی و ایجاد تقاضای فزاینده ارز برای سفته‌بازی شده که بسیار ویرانگر است. بررسی سه مطالعه‌ای که در این رابطه انجام شده، نشان می‌دهد که هر یک درصد افزایش نرخ ارز، ۴.۸

درصد تقاضا برای پول ملی را کاهش می‌دهد. علاوه بر آن پیش‌بینی ناپذیر کردن محیط کسب و کار موجب کاهش سرمایه‌گذاری و رونق فعالیت‌های سوداگرانه شده است. عوامل دیگر شامل خروج سرمایه و شکل‌گیری چرخه افزایش تورم و دستمزد است که بی‌نظمی‌هایی را در بازار کار نیز ایجاد کرده است.

در بحث کلان اقتصاد نیز ممکن است که افزایش ناترازی‌های بودجه‌ای و بانکی به صورت موقت یک تراز را ایجاد کند، اما مقطعی است و در نهایت افزایش ناترازی بودجه‌ای و بانکی را شاهد خواهیم بود و در نتیجه آن تشدید افزایش پایه پولی و نقدینگی را خواهیم داشت.

نظام ارزی شناور مدیریت شده در خدمت تقویت یا تضعیف پول ملی؟

اگر سیاست شناوری نرخ ارز در سقوط ارزش پول ملی تعریف پیدا کند، روز به روز مردم را در اعماق فقر و نابرابری گرفتار می‌کند.

مسلط کردن نرخ بازار سیاه تحت عنوان رژیم ارزی شناور مدیریت شده در شرایطی است که حتی با لحاظ خروج سرمایه، تراز حساب جاری کشور در پایان سال ۱۴۰۱ معادل ۱۵ میلیارد دلار مثبت بوده است. بنابراین جای تامل دارد که آیا رهاسازی نرخ ارز تحت عنوان رژیم شناور مدیریت شده ارز توجیه دارد؟

مشخص است که یک فاکتور غیراقتصادی حاکم است که موجب شده در این شرایط مثبت ما شاهد کاهش‌های بی‌رویه ارزش پول ملی باشیم که آن هم نرخ‌سازی توسط مراجع نامعتبر و ناشناخته‌ای چون انبوه کانال‌های تلگرامی است که پایگاه صدها مورد از آنها در خارج از کشور است، بد نیست بدانید که بعضی از آنها با سرویس‌های بیگانه هم بی‌ارتباط نیستند و فقط منافع فردی دلیل فعالیت این کانال‌ها نیست. همچنین باید به بی‌توجهی و بی‌تفاوتی نسبت به استمرار پدیده قاچاق و اثر آن بر ایجاد بازار سیاه و کمبود ارز و ایجاد بازار غیررسمی نیز اشاره کرد.

بنابراین اگر ما تفسیر رژیم ارزی شناور مدیریت شده را تسلیم و پذیرش نرخ‌سازی این بازارهای سیاه بدانیم، نگاهی کاملاً خطاست و این نگاه منجر به بی‌تفاوتی و رهاسازی بی‌منطق نرخ ارز، بی‌ثباتی اقتصادی و تورم افسارگسیخته در بازارهای داخلی می‌شود. تجربه حذف ارز ۴۲۰۰ توانمی نیز نشان می‌دهد که با توجیه شناور بودن نرخ ارز متأثر از بازار غیررسمی و بازار سیاه تلگرامی، شوک‌های پی‌درپی به نرخ ارز تحمیل شد.

گزارش ۲۰۲۰
صندوق
بین‌المللی پول
نشان می‌دهد
که سیاست
تثبیت نرخ
ارز در بسیاری
از کشورهای
توسعه‌یافته
از جمله در
حوزه یورو مورد
استفاده قرار
می‌گیرد

است و منافع ملی برپایه اجرای کامل و جامع سیاست‌های معطوف به رونق تولید، رونق صادرات و جهش صادراتی است. اما در دنیا کشورها برای تقویت تولید و ساخت اقتصادی خود، تعرفه‌ها را برقرار کرده‌اند و به شدت یارانه‌های صادراتی داده‌اند. بحث یارانه‌های صادراتی دستور کار تمام ادوار WTO و GAP بوده است، آنها صرفاً با کاهش نرخ ارز، صادرات را تشویق نکردند، بلکه حتی سیاست‌های تثبیت ارزی را پیگیری می‌کردند و صادرات را از طریق جوایز و یارانه‌های صادراتی تشویق می‌کردند، اما ما از این مسئله غفلت کرده‌ایم. بنابراین سیاست‌های تجاری معطوف به تشویق صادرات باید کانون اصلی باشد و تشویق انگیزه‌های صادراتی باید بر مبنای ارزش افزوده ایجاد شده و خالص ارزش‌آوری باشد که یکی از فرازهای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است.

پایداری و رشد اقتصاد و تداوم رشد صادرات منوط به پایداری تولید و تشکیل و تکمیل زنجیره‌های ارزش و عدم خام‌فروشی است. اگر به افزایش نرخ ارز بی‌تفاوت باشیم، هیچ‌گاه خام‌فروشی تعطیل نمی‌شود، بلکه تشویق هم می‌شود. راه رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته این بوده که برای کالاهای نهایی تشویق و یارانه، برای کالاهای نیم‌ساخته عوارض اندک و برای کالاهای خام عوارض بسیار سنگین صادراتی قرار داده‌اند. شرایطی که در حال حاضر داریم مانند برنامه‌های راهبردی ۲۰ ساله با کشورهای مختلف و شرکای راهبردی خودمان و روابط وسیعی که با همسایگان برقرار شده، زمینه رشد صادرات را فراهم می‌کند، به شرط آنکه از ابزارهای صادراتی تجربه شده در جهان بهره بگیریم و از همان نردبانی بالا برویم که توسعه‌یافته‌ها از آن بالا رفته‌اند، نه اینکه به توصیه‌هایی عمل کنیم که آنها برای دیگران می‌کنند تا بازارهای صادراتی خودشان محدود نشود.

بنابراین رژیم ارزی شناور مدیریت شده، هم در بعد نظری و هم در بعد عملیاتی، اقتضای خاص خود را دارد و به معنی سقوط پول ملی و رهاسازی مدیریت ارز نیست که باعث فشار روزافزون بر مردم و فعالان اقتصادی کشور شود.

اما متأسفانه برخی اوقات برخی رسانه‌ها طبق برداشت‌های غیرعلمی از مفهوم شناور مدیریت شده به طور مستمر به تضعیف پول ملی دامن می‌زنند، البته با زیرکی اسم تضعیف پول ملی را نمی‌آورند، اما به شدت آن را در دستور کار قرار داده‌اند و هر نوع مدیریتی برای این کار و پیگیری منافع ملی توسط بانک مرکزی در دستور کار باشد، آنها با کلیدواژه نرخ دستوری زیر سوال می‌برند.

نرخ دستوری تبدیل به اسم رمز تخریب منافع ملی شده است. اگر کانال‌های تلگرامی دستوری عمل کنند هیچ ایرادی ندارد اما اگر مقام پولی بنا بر وظایف ذاتی خود و مقررات قانونی، این منافع ملی را پیگیری و مراقبت کند، تحت این عنوان در برخی رسانه‌ها دامن زده می‌شود که آثار منفی فراوانی بر صاحبان کسب و کارها و خرده‌فروشی‌ها و مردم می‌گذارد و باعث پیش‌بینی ناپذیری اقتصاد و کاهش سرمایه‌گذاری و خروج ارز از کشور می‌شود.

نرخ ارز شناور مدیریت شده باید از معرفه‌های اصلی وفادارانتال اقتصاد مثل صادرات، واردات، تولید، تراز تجاری و تراز پرداخت‌ها تبعیت کند و نه تفسیرهای سوداگرانه و نرخ‌سازی‌های کانال‌های تلگرامی و منافع پانگرفته غیرقانونی برخی افراد و گروه‌ها که نفع خودشان را در تضاد با منافع ملی می‌بینند.

رونق صادرات با مشوق‌ها نه با تضعیف پول ملی

مهم‌ترین استدلال یا توجیهی که در رابطه با کاهش و تضعیف ارزش پول ملی مطرح می‌شود این است که قصد حمایت از صادرات را داریم. رونق و جهش صادرات سیاست کلیدی کشور



ردپای سرویس‌های بیگانه در نرخ‌سازی‌های ارزی

مشخص است که یک فاکتور غیراقتصادی حاکم است که موجب شده در این شرایط مثبت ما شاهد کاهش‌های بی‌رویه ارزش پول ملی باشیم که آن هم نرخ‌سازی توسط مراجع نامعتبر و ناشناخته‌ای چون انبوه کانال‌های تلگرامی است که پایگاه صدها مورد از آنها در خارج از کشور است، بد نیست بدانید که بعضی از آنها با سرویس‌های بیگانه هم بی‌ارتباط نیستند و فقط منافع فردی دلیل فعالیت این کانال‌ها نیست.

مسلط کردن
نرخ بازار سیاه
تحت عنوان
رژیم ارزی شناور
مدیریت شده
در شرایطی
است که حتی
بالحاظ خروج
سرمایه، تراز
حساب جاری
کشور در پایان
سال ۱۴۰۱ معادل
۱۵ میلیارد دلار
مثبت بوده
است. بنابراین
جای تامل دارد
که آیارهاسازی
نرخ ارز تحت
عنوان رژیم
شناور مدیریت
شده ارز توجیه
دارد؟

۱۰



اقتصاد

• شماره ۱۲ - مهر ۱۴۰۲ •

در این حالت است که با بازگشت ارزهای صادراتی، بانک مرکزی قادر خواهد بود سیاست‌های کلی خود را اجرا و بازار را رصد و کنترل کند و در جهت حفظ ارزش پول ملی گام بردارد. مهم‌ترین مسئله، تعامل و هماهنگ‌سازی سیاست تجاری با سیاست پولی و ارزی است. سیاست‌های تجاری نمی‌تواند اقتصاد ملی را به گروگان بگیرد، بلکه سیاست‌های تجاری در کشورهای پیشرفته در خدمت تولید ملی است و پیوند وسیعی با تراز پرداخت‌ها و ارزش پول ملی دارد. اما این هماهنگی بین سیاست‌های ارزی و تجاری چگونه محقق می‌شود؟ راهکار و سازوکار آن تاسیس کمیته تجهیز و تخصیص منابع ارزی است که تجربه موفقی هم در ایران در گذشته داشته و اکنون هم اگر وجود دارد، باید تقویت شود.

تثبیت نرخ ارز نیاز انکارناپذیر برای مهار تورم و رونق تولید

نکته دیگر اینکه باوری وجود دارد که نظام‌های ارزی ثابت عموماً به کشورهای کم‌درآمد و توسعه‌نیافته و رژیم‌های شناور عموماً به کشورهای توسعه‌یافته تعلق دارد، اما گزارش ۲۰۲۰ صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که سیاست تثبیت نرخ ارز در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته از جمله در حوزه یورو مورد استفاده قرار می‌گیرد.

هدف‌گذاری دقیق و مبنایی رونق تولید در اقتصاد ایران مستلزم محیط با ثبات و سالم اقتصادی است که انگیزه‌ها را از سفته‌بازی به کار و تولید مفید و دانش‌بنیان سوق دهد. حتماً برای تأمین نیازهای سرمایه‌گذاری و عمرانی کشور در حوزه‌های مختلف، تأمین مواد اولیه، تأمین کالاهای اساسی و دارو و فروکش کردن انتظارات تورمی باید نرخ ارز از شوک‌های مداوم و نوسانات هیجانی و کاذب مصون بماند. تأثیرپذیری و تطبیق قیمت‌های داخلی با ارز دستوری تلگرامی منجر به افزایش قیمت‌ها و سرپوش نهادن بر ناکارآمدی بنگاه‌ها و دولت می‌شود و به عدم ثبات در بازار ارز و بی‌ثباتی اقتصاد دامن می‌زند.

تفکر رهاسازی ارزی را کسانی تجویز می‌کنند که همزمان رهاسازی قیمت‌گذاری کالاهای داخلی را هم دنبال می‌کنند، نتیجه این تفکر مسابقه بی‌رحمانه افزایش قیمت کالاها و خدمات گوناگون است.

در سالیان گذشته شاهد بی‌نظمی فراوان در قیمت‌گذاری کالاها بوده‌ایم، بنابراین قیمت کالاهای اساسی قطعاً باید تثبیت شود. نمی‌شود هر روز قیمت چند قلم کالای حداقلی از کالاهای

اساسی را دچار نوسان کنیم و مردم را در التهاب قرار دهیم. بنابراین سازوکار آن، تثبیت قیمت‌ها در این کالاهاست و مجلس هم در این رابطه مصوبه‌ای داشته که باید به صورت کامل در کشور اجرایی شود. این مسئله همه دستگاه‌هاست و مسئله یک دستگاه یا وزارتخانه نیست، معیشت مردم نباید به گروگان گرفته شود.

در کنار نیاز به تثبیت نرخ ارز برای کنترل تورم، راه حل‌های کوتاه مدت دیگری مانند مدیریت و کنترل وجوه دولت و بانک‌ها و محدود کردن بانک‌ها به ویژه برخی بانک‌های خصوصی در زمینه خلق پول باید انجام شود. هدایت تسهیلات بانکی به فعالیت‌های سوداگرانه ضربه‌ای به اقتصاد است که باید جلوی آن گرفته شود.

بنابراین ثبات اقتصاد باید از طریق تثبیت نرخ ارز، حفظ و تقویت ارزش پول ملی و سیاست‌های اعتباری تولید محور در دستور کار قرار گیرد و بانک مرکزی باید بر این مسئله اهتمام ویژه داشته باشد.

واقعیت‌های میدانی در چند ماهه اخیر نیز نشان می‌دهد که چنانچه تثبیت نرخ ارز با جدیت پیاده و مقوله ارز مدیریت شود، شاهد ثبات



سیاست‌های
تجاری نمی‌تواند
اقتصاد ملی
را به گروگان
بگیرد، بلکه
سیاست‌های
تجاری در
کشورهای
پیشرفته در
خدمت تولید
ملی است



تامین مالی زنجیره‌ای پشتیبانی شود، موجب کاهش رکود و رونق تولید خواهد شد. صرفاً در این صورت است که مردم با اصلاحات همراهی خواهند کرد. بسیار مهم است که برنامه‌های اقتصادی نهادینه شود و به مرحله اجرا برسند، اگر شاهد این بی‌ثباتی‌ها باشیم همراهی مردم را به دنبال نخواهد داشت و برنامه‌ها ابر می‌ماند. بنابراین باید بپذیریم که ارز، مولفه مهمی در اقتصاد ماست و مدیریت آن برای اقتصاد ایران واجد اهمیت است.

بازارها، کاهش ادراک ریسک، کاهش انتظارات تورمی، کاهش جذابیت سفته‌بازی و فروکش کردن فضای سوداگری خواهیم بود. در این صورت است که چنانچه مهار تورم هدف‌گذاری شود، راه برای دیگر اصلاحات در اقتصاد کشور باز خواهد شد، همچنین برنامه‌ریزی زمان‌دار برای رفع ناترازی‌ها میسر خواهد شد و این شرایط رو به ثبات، کاهش فشار هزینه در طرف عرضه را در پی خواهد داشت. همچنین اگر بخش تولید با اقداماتی چون هدایت اعتبار و



زیر سوال بردن مقام پولی کشور

نرخ دستوری، تبدیل به اسم رمز تخریب منافع ملی شده است. اگر کانال‌های تلگرامی دستوری عمل کنند هیچ ایرادی ندارد! اما اگر مقام پولی بنا بر وظایف ذاتی خود و مقررات قانونی، این منافع ملی را پیگیری و مراقبت کند، تحت این عنوان در برخی رسانه‌ها دامن زده می‌شود که آثار منفی فراوانی بر صاحبان کسب و کارها، خرده‌فروشی‌ها و مردم می‌گذارد و باعث پیش‌بینی ناپذیری اقتصاد، کاهش سرمایه‌گذاری و خروج ارز از کشور می‌شود.

تورم‌های بالا را در دنیا با اجرای سیاست تثبیت درمان می‌کنند

دکتر احسان قمری /

اقتصاددان و مدیرکل سابق دفتر توسعه خدمات بازرگانی سازمان توسعه تجارت



- اگر تثبیت با سیاست منسجم همراه باشد، در میان مدت حتما رشد به همراه خواهد داشت و در بلندمدت نیز رشد را تقویت خواهد کرد
- مهم‌ترین شاخص در اجرای سیاست تثبیت این است که مردم به دولت اعتماد داشته باشند
- سیاست تثبیت در نهایت منجر به افزایش پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد و به تبع آن کاهش ریسک فعالیت‌های اقتصادی می‌شود
- سیاست‌های تثبیت اقتصادی باید در سه محور ثبات بخشی پیش‌بینی‌پذیری بازار ارز و کنترل نقدینگی در کنار تقویت نظام رگولاتوری در بازارهای مالی دنبال شود

با هدف حمایت از سیستم مبتنی بر بازار پیشنهاد شده‌اند، در عمل با مشکلاتی روبه‌رو بوده‌اند.

در برخی موارد، عدم موفقیت در دستیابی به اهداف برنامه‌های تثبیت ناشی از الگوهای به

در تمامی برنامه‌های تثبیت به اجرا درآمده در کشورهای در حال توسعه، صرفه‌جویی در بخش عمومی، کاهش کسری بودجه، استقرار از بانک مرکزی، افزایش مالیات‌ها و سیاست‌هایی از این نوع که اغلب توسط صندوق بین‌المللی پول و



کاررفته و در مواردی نیز به کارگیری ناقص و عدم رعایت تمامی بسته‌های پیشنهادی نهادهای بین‌المللی است. بر پایه مطالعات کارشناسان صندوق بین‌المللی پول، به منظور اصلاح نظام اقتصادی، اصلاح دستگاه دولتی، مهم‌ترین اقدام است، حتی اگر سایر اقدامات با جدیت دنبال شود، اما اصلاح دستگاه دولتی صورت نگیرد، نتیجه‌بخش نخواهد بود.

در ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، عامل مشکلات عمده اقتصادی، عدم تناسب دستگاه دولتی با سیستم اقتصادی کشور و مداخله وسیع دولت در اقتصاد عنوان می‌شود. قوانین و برنامه‌های مختلف میان‌مدت توسعه در کشور، اصلاح بخش عمومی را در سه بُعد اصلاح سیستم مالی عمومی، کاهش حجم دولت و اصلاح نظام تشکیلاتی و مدیریتی دولت پیش‌بینی کرده که اگر به دقت مورد بررسی قرار گیرد، ترکیبی از سیاست‌های تعدیل و تثبیت را هدف قرار خواهد داد. همچنین بسیاری از اهداف تعیین‌شده در بازارهای مالی به ویژه کنترل کسری بودجه دولت و به دنبال آن کاهش تورم، در گروه سیاست‌های تثبیت طبقه‌بندی می‌شود.

تثبیت اقتصادی چیست

اصولاً تثبیت به تصحیح عدم تعادل‌های به وجود آمده در اقتصاد کلان یک کشور، در دو بُعد داخلی و خارجی اطلاق می‌شود. از جمله مهم‌ترین وظایف اقتصادی دولت که به مداخله در عرصه اقتصاد منجر می‌شود، وظایف تثبیتی است که چون مکانیسم بازار، لزوماً منجر به فعالیت در سطح اشتغال کامل عناصر تولید، ثبات قیمت‌ها و تعیین نرخ مناسب رشد اقتصادی نمی‌شود، لازم است دولت از این طریق در عرصه اقتصادی مداخله کند.

در برخی از مراحل ادوار تجاری که شاخص‌های اقتصادی، ثن‌دتر یا گندتر از حد طبیعی رشد می‌کنند، دولت در راستای وظیفه تثبیتی خود و با اعمال سیاست‌های مختلف اقتصادی، وارد عمل می‌شود. هنگامی که تعادل اقتصادی در سطحی از اشتغال کامل است، دولت با استفاده از ابزارهای مالی و با اعمال سیاست‌هایی همچون افزایش مخارج عمومی یا اتخاذ سیاست کسری بودجه، تقاضای کل را افزایش می‌دهد و گاهی نیز در شرایط تورمی حاکم بر جامعه از طریق افزایش مالیات‌ها، کاهش مخارج عمومی، یا تغییر در سایر ابزارهای مالی در پی کاهش سطح

تقاضای کل خواهد بود.

بعد از جنگ جهانی دوم، در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته دیدگاهی رایج شد که بر طبق آن افزایش مخارج دولتی و در کل دخالت دولت به منظور دستیابی به برخی اهداف اقتصادی، به عنوان بهترین راه‌حل عنوان شد. این فکر که ناشی از دیدگاه‌های کینز و موفقیت‌های بعدی آن در عرصه اقتصاد بود، تا اواخر سال‌های دهه ۱۹۶۰ میلادی مورد توجه کشورهای قرار گرفت.

میزان مداخله بخش خصوصی در اقتصاد

از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد، شاهد پدیده رکود تورمی و بحران اقتصادی در بسیاری از کشورها بودیم و نظریه کینز دچار تردید شد و مهم‌ترین دلیلی که این تردید را ایجاد کرد، این بود که به تامین مالی مخارج عمومی دولت، توجه چندانی صورت نگرفته بود. در این زمان بود که دلایلی برای کاهش دخالت دولت در اقتصاد به عنوان یک راه‌حل در راستای برون‌رفت از بحران‌ها مطرح شد.

یکی از این دلایل، عدم کارایی دولت در زمینه رشد اقتصادی و کاهش انگیزه فعالیت بخش خصوصی بود. سوالی که اینجا مطرح می‌شود، این است که آیا می‌توان در همه کشورهای در حال توسعه وظیفه سازماندهی مجدد ساختار اقتصادی و دستیابی به رشد سریع‌تر را به بخش خصوصی واگذار کرد و آیا مداخله دولت ضروری است یا خیر؟

اجرای سیاست تثبیت اقتصادی زمانی رخ می‌دهد که یا اقتصاد بیش از حد ملتهب است، یا اقتصاد افت سریعی را تجربه می‌کند و یا زمانی که شاخص‌های مهم اقتصادی مانند تورم و بیکاری دچار مشکل می‌شوند. بنابراین به طور کلی اجرای سیاست تثبیت اقتصادی زمانی صورت می‌گیرد که شاخص‌های مهم اقتصاد یا حرکت سریع رو به بالا، یا رو به پایین داشته باشند.

حدود ۴۰ سال پیش در ایالات متحده آمریکا برای کاهش تورم از سیاست تثبیت نرخ ارز استفاده شد، اما امروز شاهدیم که در همین کشور برای کنترل نرخ تورم، نرخ بهره را افزایش یا کاهش می‌دهند، ولی غالباً زمانی که کشورها با مشکلاتی همچون تورم بالا، بیکاری بیش از حد، افزایش قیمت ارز، خروج سریع ارز خارجی، کسری بودجه ناپایدار و مشکلات تراز پرداخت‌ها مواجه باشند، از سیاست‌های تثبیتی استفاده می‌کنند.

غالباً زمانی
که کشورها
بامشکلاتی
همچون تورم
بالا، بیکاری
بیش از حد
افزایش قیمت
ارز، خروج سریع
ارز خارجی
کسری بودجه
ناپایدار و
مشکلات تراز
پرداخت‌ها
مواجه باشند
از سیاست‌های
تثبیتی استفاده
می‌کنند



تثبیت مستلزم
فداکاری، کاهش
هزینه‌ها، کنترل
کسری‌های
دولت و کاهش
گردش پول
است، بنابراین
یکی از مهم‌ترین
چالش‌ها برای
دولت این است
که برای مردم
توضیح دهد
چرا این کار
انجام می‌شود؟

تشریح سیاست‌های تثبیت اقتصادی برای مردم

البته لزوماً این‌گونه نیست که همواره سیاست‌های تثبیت با موفقیت همراه باشد، گاهی با موفقیت و گاهی نیز با شکست مواجه می‌شود و هزینه‌هایی را نیز به دنبال دارد. اصولاً سیاست‌های تثبیت همواره دشواری‌هایی را به همراه دارد و همانطور که از نامش نیز مشخص است، تثبیت مستلزم فداکاری، کاهش هزینه‌ها، کنترل کسری‌های دولت و کاهش گردش پول است. بنابراین یکی از مهم‌ترین چالش‌ها برای دولت این است که برای مردم توضیح دهد چرا این کار انجام می‌شود.

در کوتاه‌مدت هم امکان دارد رشد اقتصادی تعدیل شود، اما اگر تثبیت با سیاست منسجم همراه باشد، در میان‌مدت حتماً رشد به همراه خواهد داشت و در بلندمدت نیز رشد را تقویت خواهد کرد. بنابراین از آنجایی که تورم اغلب باعث کاهش رشد اقتصادی شده و رشد اقتصادی نیز با تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری می‌شود، دولت‌ها همواره از این سیاست استفاده می‌کنند.

به اعتقاد بنده، مهم‌ترین شاخص در اجرای سیاست تثبیت این است که مردم به دولت اعتماد داشته باشند. اگر دولتی نتواند اعتماد ایجاد کند، کار بسیار دشوار خواهد بود و دلیل مهم آن نیز انتظارات است.

چنانچه مردم اقدامات قابل اعتمادی را شاهد نباشند، عکس‌العمل‌شان به شرایط تورمی دامن خواهد زد و کنترل شرایط را برای دولت سخت خواهد کرد. از سویی، اگر حس اعتماد میان مردم، دولت و بانک مرکزی شکل بگیرد، احتمال اینکه سیاست‌های بانک مرکزی جواب بدهد بالا خواهد رفت. لازم است همواره سه عنصر کلیدی را مورد توجه قرار داد، عنصر اول اینکه آیا سیاست‌های بانک مرکزی

جواب خواهد داد؟ عنصر دوم مربوط به مبارزه با فساد است و موضوع سوم این است که این سیاست‌ها برای مردم به صورت کامل تبیین شود.

دلایل اجرای سیاست ارزی

دکتر فرزین طی مدتی که ریاست بانک مرکزی را بر عهده گرفته است، ثبات ارزی را به عنوان یکی از محورهای سیاست تثبیت اقتصادی عنوان کرده است. اما باید پرسید که چرا باید از سیاست ثبات ارزی استفاده کرد؟ زیرا جهش‌های ارزی که در طول یک دهه گذشته در اقتصاد ایران رخ داده، یکی از علل بی‌ثباتی در اقتصاد ایران است و برای تضمین موفقیت سیاست ثبات ارزی، در درجه اول نباید جهش‌های قیمتی در اقتصاد رخ دهد، زیرا هرگاه جهش قیمت ارز رخ می‌دهد، نوعی انرژی آزاد شده که منجر به تورم و بالا رفتن قیمت‌ها می‌شود.

باید تأکید کرد که تثبیت اقتصادی چیزی نیست که ما ابداع کرده باشیم، بلکه مجموعه‌ای از سیاست‌های پولی و مالی است که با هدف رشد اقتصادی صورت می‌گیرد و زمانی کارایی دارد که متغیرها یا به سرعت رشد می‌کنند، یا به سرعت دچار افت می‌شوند. در نهایت هدف این است که میزان رشد تورم، کاهش و اشتغال افزایش پیدا کند.

همانطور که مطرح شد، سیاست‌های تثبیت در گذشته نیز اجرا شده و حدود ۴۵ سال پیش آمریکایی‌ها برای مهار تورم از سیاست تثبیت اقتصادی استفاده کردند. همچنین کشورهایمانند شیلی و آرژانتین که با کسری بودجه و تورم بالا مواجه بودند سیاست تثبیت را اجرا کردند که تا حدودی منجر به کاهش انتظارات تورمی شد. شاید بتوان سیاست‌هایی که آلمان بعد از جنگ جهانی

ب‌رش



شرط تحقق اهداف سیاست تثبیت اقتصادی

برای اینکه سیاست‌های تثبیتی که بانک مرکزی اتخاذ می‌کند، موفق باشد ضروری است چند نکته رعایت شود، نکته اول این است که سیاست تثبیت در نهایت منجر به افزایش پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد و به تبع آن کاهش ریسک فعالیت‌های اقتصادی می‌شود، در نتیجه افزایش تولید و رشد اقتصادی را به همراه خواهد داشت. اجرای سیاست‌های تثبیت در میان‌مدت کاهش تورم و افزایش تولید را در پی خواهد داشت.





دوم یا کشور یونان ورشکسته اجرا کرد را نیز سیاست تثبیت دانست.

شاید گاهی مجبور باشیم در شرایط تورم بالا و نوسانات اقتصادی از سیاست‌های تثبیت استفاده کنیم، اما برای اینکه سیاست‌های تثبیتی که بانک مرکزی اتخاذ می‌کند، موفق باشد ضروری است چند نکته رعایت شود، نکته اول این است که سیاست تثبیت در نهایت منجر به افزایش پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد و به تبع آن کاهش ریسک فعالیت‌های اقتصادی می‌شود، در نتیجه افزایش تولید و رشد اقتصادی را به همراه خواهد داشت. اجرای سیاست‌های تثبیت در میان مدت کاهش تورم و افزایش تولید را در پی دارد.

مهار انتظارات تورمی

نکته دوم در حوزه انتظارات تورمی و مهار آن است که نقش مهمی در سیاست‌های تثبیت دارد. به عنوان مثال در شیلی سیاست‌های تثبیت موفقیت‌آمیز بوده و پس از یک سال و نیم تا دو سال که کاهش نرخ تورم صورت

گرفت، نرخ ارز در این کشور ثابت شد و حدود سه سال نیز ثابت ماند. اما همین سیاست تثبیت در آرژانتین از ابتدا موفقیت کمتری را به دنبال داشت. شاید یکی از دلایل آن، این بود که اطلاعاتی به مردم داده بودند که برای اقناع افکار عمومی کارساز نبود و این عدم اقناع باعث شد اعتماد به سیاست‌های تثبیت اقتصادی از سوی دولت در میان مردم به وجود نیاید و انتظارات تورمی شکل بگیرد.

نکته دیگر در مورد سیاست‌های تثبیت اقتصادی، این است که همواره نمی‌توان سیاست‌های تثبیت را اجرا کرد، بلکه باید هم شرایط زمانی و هم شرایط مکانی را در نظر گرفت. سیاست تثبیت از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کند و باید متناسب با شرایط موجود اقتصاد تبیین شود، بنابراین شاید نتوان از سیاست‌های پولی که در کشور به عنوان سیاست تثبیت اقتصادی اجرا می‌شود، در سال‌های آینده استفاده کرد. به منظور موفقیت سیاست‌های تثبیت لازم است این سیاست‌ها متناسب با نیاز اقتصاد



در دهه گذشته شاهد بحران‌های پی‌درپی در اقتصاد ایران بودیم که باعث شده بی‌ثباتی در نرخ ارز به عنوان مهم‌ترین عامل بی‌ثباتی در اقتصاد ایران شناخته شود. بر این اساس لزوم برپایی سیاست‌های تثبیت اقتصادی مشخص می‌شود.

کشور اجرا شود. باید توجه داشت سیاست تثبیت اقتصادی، یک سیاست دائمی نیست که بتوان همیشه از آن استفاده کرد، بلکه در شرایط خاص اقتصاد، این سیاست تجویز می‌شود.

همچنین موفقیت هر سیاست اصلاحی یا اقتصادی نیازمند ثبات و شرایط پایدار اقتصادی و همچنین در نظر گرفتن شوک‌هایی است که به اقتصاد وارد می‌شود. در غیر این صورت جهش‌هایی اتفاق می‌افتد که در آن صورت سیاست‌های ما قابل دفاع نخواهد بود. اجرای سیاست‌های تثبیت علاوه بر کارهایی که انجام می‌دهد، باید فضایی را نیز برای اجرای سیاست‌های اصلاحی فراهم کند.

لزوم هماهنگی سیاست مالی با سیاست پولی

به منظور قضاوت در مورد موفقیت‌های بانک مرکزی در اجرای سیاست‌های تثبیت، به نکاتی که آقای فرزین مطرح کردند می‌پردازم. بانک مرکزی معتقد است هر سیاست تثبیتی با نرخ ارز انجام می‌شود. اما باید به این نکته توجه کرد که به منظور موفقیت سیاست‌های تثبیت لازم است سیاست‌های مالی نیز با سیاست‌های ارزی هماهنگی داشته باشند، همانگونه که ما نیز اعتقاد داریم سیاست‌های تجاری و سیاست‌های ارزی باید با هم هماهنگ باشند.

در واقع بانک مرکزی اعتقاد دارد باید شرایطی فراهم شود که فعالان اقتصادی نسبت به آینده پیش‌بینی دقیقی داشته باشند، به این معنا که باید شرایطی وجود داشته باشد که سیاست‌های تثبیت مثل سیاست‌های پولی و مالی، انتظارات را مدیریت کند. چنانچه این اتفاق رخ ندهد بالطبع نتیجه ملموسی گرفته نخواهد شد.

به طور کلی، مسیری که بانک مرکزی در آن حرکت و دولت هم آن را اجرامی کند، این است که با اجرای سیاست تثبیت اقتصادی، دامنه نوسان اقتصادی کنترل شود.

ایران و جهان طی سال‌های گذشته لحظات پرفراز و نشیبی را در اقتصاد تجربه کرده‌اند. تحریم‌ها، کرونا و جنگ اوکراین شوک‌هایی بوده که به اقتصاد ایران وارد شده و مهم‌ترین آنها نیز تحریم‌های ناجوانمردانه بود که لازم است در برابر این تحریم‌ها سیاست‌های درستی اتخاذ شود.

سکان بازار ارز در دستان بانک مرکزی

تبیین وضعیت موجود و به دنبال آن، ارائه راهکار مستلزم این است که رشد اقتصادی کشور دامنه وسیعی داشته باشد. طی سال‌های اخیر رشد اقتصادی کشور از منفی ۴ درصد تا مثبت ۹ درصد را تجربه کرده است.

تحریم‌ها نیز به عنوان یک شوک برون‌زای اقتصاد، فروش نفت و رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده و به تبع آن رشد سرمایه‌گذاری نیز پایین بوده است. در این سال‌ها شاهد رشد سرمایه‌گذاری مثبت ۷ درصد تا منفی ۲۴ درصد در کشور بودیم.

بانک مرکزی نیز به عنوان حکمران و سیاست‌گذار می‌تواند با سیاست‌هایی که اجرا می‌کند، قیمت ارز را کنترل کرده و فضای کسب و کار را بهبود بخشد. تغییر در شیوه حکمرانی در راستای سیاست‌های پولی و مالی، از مهم‌ترین متغیرهایی است که بانک مرکزی به منظور اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌های تثبیت، باید به این متغیرها توجه ویژه داشته باشد.

باید توجه داشت عامل اصلی تورم، افزایش نقدینگی و کسری بودجه دولت، عامل اصلی افزایش نقدینگی است. بنابراین سه عامل تورم، نقدینگی و کسری بودجه موارد مهمی تلقی می‌شوند که لازم است مورد توجه باشند. کسری بودجه به دولت که باید نیازهای اساسی را تامین کند و فعالیت‌های عمرانی را نیز انجام دهد، بر می‌گردد. حکمرانی بانک مرکزی به معنای استقلال بانک مرکزی است و استقلال بانک مرکزی باعث می‌شود شاهد سرکوبگری مالی نباشیم. در صورت وجود استقلال، سیاست‌گذاری‌های عمومی و سیاست‌گذاری در بحث نرخ سود نیز با حوزه تخصیص بودجه هماهنگ می‌شود. بنابراین می‌توان گفت شرط اول بانک مرکزی در سیاست‌های تثبیت، تقویت استقلال است و بانک مرکزی نیز باید سیاست تثبیت اقتصادی را به عنوان یک هدف میان‌مدت و یک ضرورت در نظر داشته باشد.

با توجه به اینکه نسبت نقدینگی به GDP در کشور ما ۷۵ درصد است، شاید بتوان گفت نرخ ارز غیررسمی هم بیشترین تأثیر را نسبت به عوامل دیگر بر تورم دارد. از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶، نسبت تورم به GDP در حال افزایش بوده، اما شاهد کاهش تورم نیز بوده‌ایم. از سال ۱۳۹۶ به بعد با اینکه نسبت تورم به GDP کاهش یافته، شاهد افزایش تورم بودیم. در نتیجه اینکه

گفته شود عامل تورم ما نقدینگی یا ارز است، شاید معضلی را حل نکند. اگر بپذیریم نرخ ارز بر تورم اثرگذار است، باید بدانیم که نرخ ارز به وسیله عواملی مثل فشار هزینه در طرف عرضه اقتصاد، تحریک انتظارات تورمی، رهاسازی و جهانی شدن قیمت‌های داخلی، کاهش ارزش پول ملی و تقاضای جدید برای حفظ ارزش و تقاضا برای سفته‌بازی بالا می‌رود.

افزایش پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد

باید در نظر داشت که هر یک درصد رشد در نرخ ارز، موجب کاهش ۰.۸۴ درصد از ارزش پول ملی می‌شود، بنابراین شرایط، چنانچه نظام نرخ ارز شناور به کار گرفته شود، در راستای تضعیف پول ملی خواهد بود و دوباره در بحران‌ها شاهد افزایش نرخ ارز خواهیم بود. در نتیجه رها کردن نرخ ارز هیچ توجیهی ندارد. در تابستان سال ۱۴۰۱ تراز تجاری کشور حدود ۱۵ میلیارد دلار مثبت بود، اما افزایش نرخ ارز وجود داشت. ایجاد بازار سیاه، نرخ ارز را بالا می‌برد، بنابراین در شرایط فعلی، نرخ ارز شناور شده در اختیار سوداگران و سفته‌بازان قرار می‌گیرد.

باید تاکید کرد که سیاست تجاری و سیاست ارزی باید با هم تعامل داشته باشند. سیاست‌های تجاری در راستای افزایش تولید ملی است، لذا هدف افزایش تراز پرداخت‌ها یک هدف بسیار مهم تلقی شده که داخل این هدف، تولید ملی شکل می‌گیرد.

بر اساس گزارشی که صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۲۰ میلادی ارائه داده است، بسیاری از کشورها از سیاست تثبیت نرخ ارز استفاده و تلاش می‌کنند با ایجاد ثبات در نرخ ارز، توان مهار تورم و رونق تولید را داشته باشند. در این مسیر نیز با کمک رشد صادرات نفتی و غیرنفتی و همسویی و هماهنگی سیاست‌های پولی

و ارزی برای افزایش تولید، می‌توان صادرات را افزایش و تراز تجاری و به دنبال آن تراز پرداخت‌ها را نیز رشد داد. همانطور که مطرح شد، بانک مرکزی در دوره جدید فعالیتش، رویکرد تثبیت را انتخاب کرده است و در مسیری حرکت می‌کند که اقتصاد قابل پیش‌بینی باشد و فعال اقتصادی بتواند پیش‌بینی‌های درستی انجام دهد، این به معنای هموار کردن سیاست‌های پولی و مالی است.

در دهه گذشته شاهد بحران‌های پی‌درپی در اقتصاد ایران بودیم که باعث شده، بی‌ثباتی در نرخ ارز به عنوان مهم‌ترین عامل بی‌ثباتی در اقتصاد ایران شناخته شود. بر این اساس لزوم برپایی سیاست‌های تثبیت اقتصادی مشخص می‌شود، چرا که تثبیت اقتصادی لازمه اجرای سیاست‌های اصلاحی است و زمانی می‌توان از سیاست‌های اصلاحی سخن گفت که کشور در حالت ثبات باشد.

در نتیجه می‌توان گفت سیاست‌های تثبیت اقتصادی باید در سه محور فعالیت‌های خود را انجام دهد، محور اول ثبات بخشی و پیش‌بینی‌پذیری بازار ارز، سپس کنترل نقدینگی و بعد تقویت نظام رگولاتوری در بازارهای مالی است.

بانک مرکزی به عنوان بزرگترین نهاد پولی و ارزی کشور، با توجه به اختیاراتی که در نقش یک سیاست‌گذار دارد می‌تواند به منظور نقدینگی و بازگشت ثبات به اقتصاد، اقدامات لازم را انجام دهد. در شرایط فعلی این بی‌ثباتی در متغیرهای کلان اقتصادی ریسک را در فعالیت‌های اقتصادی افزایش داده است. در واقع سمت عرضه اقتصاد ضعیف شده است، بنابراین رسیدن به یک محیط باثبات و پیش‌بینی‌پذیر نیازمند تقویت سمت عرضه اقتصاد است.

سیاست‌های
تثبیت اقتصادی
باید در سه محور
فعالیت‌های
خود را انجام
دهد، محور اول
ثبات بخشی و
پیش‌بینی‌پذیری
بازار ارز، سپس
کنترل
نقدینگی و بعد
تقویت نظام
رگولاتوری در
بازارهای مالی
است



بـرش



تجربه کشورها در اجرای سیاست تثبیت اقتصادی

سیاست‌های تثبیت در گذشته نیز اجرا شده و حدود ۴۵ سال پیش آمریکایی‌ها برای مهار تورم از سیاست تثبیت اقتصادی استفاده کردند. همچنین کشورهایی مانند شیلی و آرژانتین که با کسری بودجه و تورم بالا مواجه بودند نیز سیاست تثبیت را اجرا کردند که تا حدودی منجر به کاهش انتظارات تورمی شد. شاید بتوان سیاست‌هایی که آلمان بعد از جنگ جهانی دوم یا کشور یونان ورشکسته اجرا کرد، را نیز سیاست تثبیت دانست.



دکتر عباسعلی ابونوری، اقتصاددان و عضو هیات علمی
دانشگاه آزاد اسلامی در گفتگو با تازه‌های اقتصاد:

توقف چرخه تورمی با اجرای سیاست تثبیت اقتصادی

- تورم انتظاری عامل پُررنگ‌تری در افزایش قیمت‌ها بوده و انتظارات منفی بیشتر و زودتر از عوامل حقیقی در قیمت‌ها تأثیرگذار است
- اگر تورم ایران را پولی بدانیم، یعنی اینکه دولت مجبور می‌شود هر سال نقدینگی را بیش از رشد اقتصادی افزایش دهد
- علت اصلی تورم را در عامل افزایش دهنده حجم پول که همان کسری بودجه دولت است، باید جستجو کرد

۱۸



افق‌های اقتصادی

• شماره ۱۲ - مهر ۱۴۰۲ •

انتظارات، از
جمله عوامل
مهمی است
که در بروز
تقاضای بالا و
افزایش سطح
عمومی قیمت‌ها
تأثیرگذار است

کسری بودجه خود را پوشش دهد؟ واژه‌ها و مباحثی است که در مورد آنها به اندازه کافی بحث شده و احساس می‌کنم دیگر چیز جدیدی برای گفتن وجود نداشته باشد، زیرا که ریشه اصلی تورم در ایران، نه تورم بر مبنای اقتصاد متعارفی که در دنیا وجود دارد، مشخص است. حالا اینکه دولت و بانک مرکزی نمی‌توانند با این علت یا علل روشن مواجه شوند، مشخصاً می‌توان آن را به عوامل ساختاری نسبت داد.

اگر بخواهم به سوال شما بپردازم و عوامل حقیقی و غیر حقیقی تورم را از یکدیگر جدا کنم، باید گفت که وقتی علت تورم را افزایش تقاضا بدانیم، در کنار شاخص‌ها و عوامل حقیقی مانند حجم پول، می‌توان بخشی از این افزایش تقاضا را به تجمل‌گرایی و تجددگرایی مردم نسبت داد و بخشی نیز می‌تواند از رفتار و قواعدی باشد که انتظارات تورمی را شکل می‌دهد.

بنابراین می‌توان گفت که انتظارات، از جمله عوامل مهمی است که در بروز تقاضای بالا و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها تأثیرگذار می‌شود. پس اگر ریشه‌های حقیقی و غیر حقیقی تورم را به این صورت تفکیک کنیم، می‌توان عامل انتظارات و عوامل ایجادکننده انتظارات در بروز تورم را مشاهده کرد.

شاید این موضوع که انتظارات و رفتارهای افراد در بروز تورم تأثیر دارد، از طرف عامه مردم درک و پذیرفته نشود. اما می‌توان مشاهده کرد در برخی از کالاها با وجود اینکه به اندازه کافی تولید وجود دارد، رشد قیمت اتفاق می‌افتد.

در اینجا مشاهده می‌شود که تورم انتظاری عامل پُررنگ‌تری در افزایش قیمت‌ها بوده و انتظارات منفی حتی بیشتر و زودتر از عوامل حقیقی در قیمت‌ها تأثیرگذار شده است.

البته موضوع دیگری که در بروز افزایش قیمت‌ها (در مورد کالاهایی که تولید بیشتر از تقاضا است) موثر است، افزایش هزینه‌های تولید است و این افزایش هزینه‌های تولیدی گاهی از سیاست‌های دولت تأثیر می‌پذیرد. سیاست‌هایی که بر تورم انتظاری و شکل‌گیری ساختارهای تداوم‌دهنده تورم تأثیرگذار می‌شود.

مثلاً وقتی دولت هر سال دستمزدها را افزایش می‌دهد و همه مردم انتظار دارند که در ابتدای سال دستمزدها ۳۰، ۲۰ درصد افزایش یابد، این افزایش دستمزدها یک حالت چسبندگی قیمت را به وجود می‌آورد، یعنی تولیدکننده پیش‌بینی می‌کند که وقتی دستمزدها افزایش یابد، قدرت خرید افراد بالا می‌رود و این موضوع قیمت‌ها را حتی زودتر از ورود تقاضا به بازار افزایش می‌دهد.

در بروز تورم‌های طولانی مدت در اقتصاد ایران، ساختارهای نهادی، تجمل‌گرایی و انتظارات تورمی نقش غیرقابل انکاری دارند. عواملی که در سال‌های اخیر باعث شدند حتی در کالاهایی که تولید بالاتر از تقاضا بود، نیز قیمت‌ها افزایش یابند.

با این وجود، ریشه شکل‌گیری رفتارها و انتظارات تورمی را نیز می‌توان در ساختارها و سیاست‌ها جستجو کرد. ساختارها و سیاست‌هایی که تورم‌های بخشی را به وجود می‌آورند و قیمت‌ها را حتی قبل از ورود تقاضای واقعی به بازار افزایش می‌دهند. درباره تأثیر انتظارات منفی بر رشد تورم در اقتصادهای مختلف جهان، مطالعات و بررسی‌های زیادی صورت گرفته است، اما آنچه که خط مشترک همه این مطالعات است، به اثر داشتن انتظارات در شکل‌گیری تورم باز می‌گردد، با این وجود، میزان اثرگذاری عوامل در اقتصادهای مختلف، متفاوت است. به عنوان نمونه در برخی کشورها رسانه‌ها نقش بسیار پُررنگی در شکل‌دهی به انتظارات منفی دارند و در کشورهای دیگری نیز نقش سیاست‌گذار پولی، تحولات بین‌المللی، بروز نوسانات یکباره، تحولات بازار ارز و ... دارای اثر بیشتری است.

برای شناخت ریشه‌ها و عوامل موثر بر بروز تورم در اقتصاد ایران، با دکتر عباسعلی ابونوری، عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی، به گفتگو نشستیم که شرح آن از نظر می‌گذرد:

به نظر می‌رسد در کنار عوامل حقیقی مثل رشد نقدینگی و کسری بودجه، بخشی از تورم به انتظارات باز می‌گردد. ریشه‌های تورمی اقتصاد ایران چیست و نقش انتظارات در بروز تورم تا چه میزان پررنگ است؟

در مورد تورم و ریشه‌های رفتاری تورم در ایران، بحث‌های مشخصی صورت گرفته و بسیاری از صاحب‌نظران، ریشه‌ها و عوامل را به صورت واضح، شرح داده‌اند، لذا شاید آنچه در اینجا گفته می‌شود، خارج از صحبت‌های دیگر صاحب‌نظران نباشد.

پرداختن به موضوعاتی از قبیل اینکه چرا تورم در ایران به وجود آمده و آیا تورم یک حالت عمدی است و دولت می‌خواهد از طریق مالیات مخفی،



اگر ریشه‌های
حقیقی و
غیرحقیقی
تورم را تفکیک
کنیم، می‌توان
عوامل انتظارات
و عوامل
ایجادکننده
انتظارات در
بروز تورم را
مشاهده کرد



• شماره ۱۲ - مهر ۱۴۰۲ •

زیرا که هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده انتظار دارند در ابتدای سال جدید دستمزدها افزایش یابد و افزایش دستمزدها قبل از عملی شدن، تورم انتظاری را تقویت می‌کند. تولیدکننده قبل از اینکه مصرف‌کنندگان این افزایش دستمزد را لمس کنند قیمت‌ها را افزایش می‌دهد، چون می‌داند به زودی توان خرید مردم افزایش پیدا می‌کند.

از نگاهی دیگر، مسئله تورم در ایران در کنار اثرپذیری از انتظارات و قواعد و رفتارها، به صورت ساختاری نیز در حال افزایش است و این تورم ساختاری نیز به طور نسبی از کهنگی تکنولوژی تولید و یا بی‌نظمی و بی‌قاعدگی در نظام اقتصادی ایران بیرون می‌آید.

اما از نگاهی دیگر، گفته می‌شود که تورم ایران یک تورم پولی است، یعنی دولت مجبور می‌شود هر سال نقدینگی را بیش از رشد اقتصادی افزایش دهد که این نیز مسلماً باعث افزایش تورم می‌شود.

از نظر من اگر بخواهیم عوامل تورمی را دسته‌بندی کنیم، این موضوع حتی از بحث انتظارات و سایر بحث‌ها مهم‌تر و اثرگذارتر است و می‌توان علت اصلی تورم را در عامل افزایش حجم پول که همان کسری بودجه دولت است، جستجو کرد. دولت، به خصوص در سال‌های اخیر، با کسری بودجه بسیار سنگینی روبه‌رو بوده و وقتی بودجه را با کسری شدید می‌بندد، تورم را به طور مستمر به دوره‌ها و نسل‌های بعد منتقل می‌کند. موضوع ناراحت‌کننده‌ترین است که وقتی دولت بودجه را با کسری به مجلس می‌فرستد، مجلس نیز به جای کنترل مخارج و هزینه‌ها، کسری را افزایش می‌دهد و بودجه را متورم‌تر می‌کند.

مثلاً اگر بگوییم دولت با کسری ۱۰ درصد بودجه را به مجلس ارائه می‌دهد، این بودجه با کسری ۲۰ درصد در مرحله عملیاتی از مجلس بیرون می‌آید. نهایتاً می‌بینیم که دولت برای تأمین کسری خود مجبور می‌شود حجم پول را افزایش دهد و تولیدکنندگان نیز مجبور می‌شوند قیمت‌ها را افزایش دهند.

بنابراین اگر بخواهیم مطالب را جمع‌بندی کنیم، باید گفت قطعاً در بروز تورم ایران می‌توان ریشه‌های تجمّل‌گرایی یا انتظارات را مشاهده کرد و انتظارات در بروز تورم‌های بخشی تأثیرگذار است. اما همین رفتارها و یا انتظارات نیز عواملی دارد که به سیاست‌گذار باز می‌گردد. در کنار این موضوع، شاید بحث انتظارات در ایران به اندازه کسری بودجه دولت و عوامل افزایش‌دهنده حجم پول، مهم نباشد و نیاز است توجه بیشتری

به ریشه‌های حقیقی بروز و تداوم شرایط تورمی داشته باشیم.

بانک مرکزی اقدام به اتخاذ سیاست‌های تثبیت اقتصادی کرده و همزمان سعی دارد در کنار اصلاحات ساختاری با استفاده از لنگر انتظارات و ایجاد ثبات در نرخ ارز، تورم را کنترل کند. از نظر شما این سیاست‌ها چقدر می‌تواند موثر باشد؟

در مورد سیاست تثبیت اقتصادی باید توجه داشت که ایران بعد از جنگ جهانی دوم یعنی سال ۱۳۴۵، عضو صندوق بین‌المللی پول شد و کشورهایی که عضو صندوق بین‌المللی پول می‌شوند، تعهد می‌کنند که سیاست‌هایی را در راستای ایجاد ثبات در نرخ برابری ارز، در پیش گیرند و اجازه ندهند نرخ برابری ارزشان نوسان زیادی داشته باشد. بنابراین سیاست‌های تثبیت اقتصادی یک موضوع شناخته شده در ادبیات اقتصادی جهان است و در شرایط خاص و مشخص، توصیه می‌شود برای متوقف کردن چرخه‌های تورمی، از مجموعه سیاست‌های موسوم به تثبیت اقتصادی استفاده شود. عمده‌ترین سیاست بانک مرکزی نیز در حال حاضر، تثبیت نرخ ارز است. به عبارتی، یعنی مجبور است این کار را انجام بدهد.

در مورد سیاست‌گذاری‌ها و اینکه اجرای سیاست تثبیت اقتصادی چقدر موثر است؟ نمی‌توانم یک موضوع خاص را پیش بکشم و تنها این موضوع را عامل رفع تمام مشکلات بدانم، زیرا که اقتصاد ما با عوامل مختلفی درگیر است. یعنی خود اقتصاد مستقلاً در مسیری حرکت نمی‌کند که بخواهیم آینده مشخصی را از آن انتظار داشته باشیم.

اما در مورد اینکه بانک مرکزی چه کار می‌تواند انجام دهد، باید توجه داشت که سیاست‌گذار پولی تنها ابزارهای سیاست پولی را در دست دارد. در اقتصاد متعارف، ابزارهایی مانند نرخ تنزیل مجدد، تغییر نرخ ذخیره قانونی و نرخ بهره به عنوان ابزارهای در دست بانک مرکزی شناخته می‌شود که می‌بینیم از نظر ساختاری، قوانین بالادستی و سیاست‌گذاری، عملاً این ابزارها غیرقابل استفاده شده‌اند. همچنین از آنجا که شرایط برای انجام مبادلات بین‌المللی به صورت کامل مهیا نشده است، تثبیت نرخ ارز حداقل کاری است که سیاست‌گذار پولی باید انجام دهند تا بتوانیم با کشورهای دیگر مبادلات تجاری داشته باشیم.

دکتر "حیان احمد سلمان"، معاون پیشین وزیر اقتصاد سوریه و استاد برجسته اقتصاد دانشگاه "تشرین" در گفتگو با تازه‌های اقتصاد:

سیگنال مثبت بانک مرکزی ایران به کشورهای منطقه

- روابط ایران و کشورهای عربی در حال توسعه و پیشرفت است
- برای افزایش تعاملات اقتصادی بین ایران و کشورهای عربی، تأسیس بانک‌های مشترک و تقویت معاملات تهاتری، کمک کننده است
- ایران و سوریه برای ایجاد بانک‌های مشترک به توافق رسیده‌اند
- می‌توان تسویه حساب‌ها را از طریق طلا یا پول‌های محلی انجام داد

۲۱



اقتصاد تازه‌ها

شماره ۱۲ - مهر ۱۴۰۲





تمام تحلیل‌ها
تایید می‌کند
که روابط ایران و
کشورهای عربی
در حال توسعه
و پیشرفت
است و به دنبال
از سرگیری روابط
میان ایران
و عربستان
سعودی، قوت
بیشتری گرفته
است

روابط ایران و سوریه از زمان پیروزی
انقلاب اسلامی ایران وارد صفحه
جدیدی شد و ابعاد تازه‌ای به خود گرفت.
پس از جنگ تحمیلی جهانی علیه سوریه
و تشکیل هسته‌های تروریستی در این
کشور با حمایت غرب و برخی طرف‌های
منطقه‌ای، تهران همواره در کنار سایر
متحندان از دمشق حمایت کرده و
آن را در بازپس‌گیری اراضی از دست
رفته و نابودی سلول‌های تروریستی
حمایت کرده است. در حال حاضر و با
بازگشت تدریجی سیطره دولت سوریه
بر بیشتر اراضی این کشور، بازسازی و
احیای پروژه‌های اقتصادی، به یکی از
ضرورت‌های اصلی در سوریه تبدیل شده
است و این موضوع فرصت خوبی را برای
ایران جهت سرمایه‌گذاری و استفاده از
موقعیت‌های مهم موجود، در راستای
منافع دو طرف فراهم کرده است.

ایران و سوریه تحت تحریم‌های اقتصادی
و ناعادلانه آمریکا قرار دارند، اما با
استفاده از سازوکارهای مناسب اقتصادی
و مالی، می‌توان از این محدودیت‌ها
برای رشد همکاری‌های دو جانبه با
استفاده از مکانیسم‌های محلی بهره
جست. به طور کلی، می‌توان گفت که
پویایی دیپلماسی اقتصادی که اخیراً در
روابط ایران با کشورهای عربی رخ داده
است، می‌تواند نقش سوریه را بیش از
پیش پررنگ‌تر و جایگاه آن را برای تحقق
چشم‌اندازهای اقتصادی ایران در منطقه
محوری‌تر کند.

بر همین اساس و در راستای تقویت
روابط و همکاری‌های اقتصادی ایران و
سوریه بر پایه مناسبات سیاسی، وظیفه
دو کشور شناسایی فرصت‌ها و ایجاد
سازوکارهای مناسب برای بهره‌مندی دو
جانبه از این فرصت‌هاست.

دکتر "حیان احمد سلمان"، استاد
برجسته دانشگاه در حوزه اقتصاد
و برنامه‌ریزی در دانشکده اقتصاد
دانشگاه "تشرین" و تحلیلگر ارشد
اقتصادی سوریه است. او پیش‌تر در
سمت معاون وزیر اقتصاد سوریه و
همچنین سفیر کشورش در مجارستان
فعالیت داشته است. این تحلیلگر ارشد
سوری به پرسش‌های مطرح شده از سوی
هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد پاسخ داد:

روابط اقتصادی بین ایران و کشورهای عرب در مناطق مختلف همواره روبه توسعه بوده و مناسبات اقتصادی خوبی بین ایران و برخی کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس برقرار است. تا چه میزان این ظرفیت‌ها قابل توسعه است و چه اقداماتی باید در این خصوص صورت گیرد؟

بله. تمام تحلیل‌ها تایید می‌کند که روابط ایران
و کشورهای عربی در حال توسعه و پیشرفت است
و به ویژه پس از، از سرگیری روابط میان ایران و
عربستان سعودی با میانجیگری چین و افتتاح
سفارتخانه‌های هر دو کشور، قوت بیشتری به
خود گرفته است. روابط ایران با عمان و عراق
هم تقویت شده است، به ویژه اینکه می‌دانیم
گفتگوها در چین پس از ۵ دور مذاکره و رایزنی
در عراق به نتایج مثبت رسید. به طور کلی شرایط
در حال بهبود است. روابط بین ایران و مصر و
ایران واردن نیز تا حدی در حال احیاست. به نظر
من کشورهای عربی در حال حاضر دریافته‌اند
که ایران برخلاف غرب که همیشه به دنبال
منافع یک جانبه بوده است، به دنبال تامین



و مزایای تبادلات اقتصادی با ارزهای محلی چیست؟

درباره تعامل براساس ارزهای محلی بین کشورهای منطقه و ایران، باید بگویم که من در بسیاری از مقاله‌های خود درباره لزوم تقویت معامله‌ها و مبادله‌ها از طریق ارزهای محلی مانند پول عربستان، پول ایران، امارات، سوریه و کشورهای دیگر صحبت کرده‌ام که در این مسیر تأسیس بانک‌های مشترک و تقویت معاملات تهاتری کمک کننده است و از این طریق می‌توانیم خلاصی از مکانیسم استثماری سوئیفت آمریکایی را تضمین کنیم، به ویژه اینکه این ساز و کار دیگر قدرت گذشته را ندارد و علاوه بر ایران، عربستان و امارات که اعضای جدید بریکس از منطقه ما هستند، الجزایر و سوریه نیز برای پیوستن به گروه بریکس درخواست داده‌اند و پنج کشور اصلی این گروه اعم از روسیه، چین، برزیل، هند و آفریقای جنوبی نیز خواهان معامله بر اساس ارزهای جایگزین هستند. بنابراین من پیش‌بینی می‌کنم که پس از نشست آتی سران بریکس در آفریقای جنوبی، زمینه برای توسعه معاملات بر اساس ارزهای محلی تقویت شده و این فرصت اکنون بیش از هر زمان دیگری فراهم است.

منافع مشترک است و می‌خواهد پروژه‌های سرمایه‌گذاری را براساس معادله برد - برد راه‌اندازی کند، هر چند که آمریکا در ابتدا تلاش کرد موضعی مخالف در قبال بهبود روابط ایران و کشورهای عربی اتخاذ کرده و بر کشورهایی که سلطه دارد، اراده خود را تحمیل کند، اما به نتیجه‌ای نرسید و روابط ایران در منطقه از طریق دیدارهای متقابلی که انجام می‌شود و سفرهایی که وزیر خارجه ایران به عربستان و کشورهای منطقه از جمله لبنان، عراق، سوریه و الجزایر برای توسعه روابط داشته، رو به بهبود است. امیدواریم منطقه از این دیدگاه نادرست که می‌گوید ایران به دنبال تحمیل نظرات خود است، عبور کند چرا که این دیدگاه در واقع ترجمان عملی شعارهای آمریکا و صهیونیسم است و ما امیدواریم که شرایط بهتر شود.

**ایجاد زمینه‌های همکاری‌های
پولی براساس ارزهای محلی به
جای دلار، یکی از راهبردهای
دیپلماسی منطقه‌ای ایران
است. تا چه میزان این آمادگی
در کشورهای عربی وجود دارد**

۲۳



اقتصادنا

• شماره ۱۲ - مهر ۱۴۰۲ •

پیش بینی
می کنم که پس
از نشست آتی
سران بریکس
در آفریقای
جنوبی، زمینه
برای توسعه
معاملات
براساس ارزهای
محلی تقویت
شده و این
فرصت اکنون
بیش از هر زمان
دیگری فراهم
است

**ظرفیت ایجاد بانک های
مشترک و همچنین ایجاد شعب
بانک های ایرانی در کشورهای
عربی و بالعکس، همواره وجود
دارد. چقدر ایجاد این ساختارها
و تقویت اینگونه همکاری ها
می تواند در تقویت مناسبات
اقتصادی سازنده و موثر باشد؟**

شرایط برای ایجاد بانک های مشترک فراهم
است و ایران و سوریه درباره این موضوع به توافق
رسیده اند و می تواند به سایر کشورهای عربی
نیز گسترش یابد، به ویژه اینکه درخواست ها
برای توسعه گروه بریکس افزایش پیدا کرده
است و این گروه بیش از ۴۰ درصد از جمعیت
جهان را تشکیل می دهند و بیش از ۳۰ درصد
تولید ناخالص داخلی را هم به خود اختصاص
داده اند. همچنین می توان به قاعده معامله
بر مبنای طلا در تعاملات اقتصادی بازگشت. از
سویی نیز می توان تسویه حساب ها را از طریق
طلای پول های محلی انجام داد و این فرصت در
حال حاضر فراهم است. دلار تا قبل از سال ۱۹۴۵
میلادی ارز غالب دنیا نبود و پوند استرلینگ
انگلیس ارز برتر بود. معامله با دلار از این تاریخ
به بعد، ۸۰ درصد معاملات را به خود اختصاص
داده بود، اما در حال حاضر این مقدار کاهش
یافته و فقط ۵۸ درصد حجم معاملات
تجاری جهان با این ارز انجام می شود. بر این
اساس، دلار رو به افول است و ایجاد بانک ها و
شرکت های مشترک و اجرای پروژه های سرمایه
گذاری مشترک، به روند کاهش ارزش دلار و
معامله براساس ارزهای محلی کمک می کند.

**رئیس کل بانک مرکزی
ایران به تازگی دور جدیدی
از توسعه همکاری ها را با**

**کشورهای عربی مانند قطر
و عراق آغاز کرده است. این
همکاری ها تا چه میزان می
تواند بر توسعه روابط همه
جانبه کشورهای منطقه و ایران
تأثیرگذار باشد؟ حضور شخص
نخست بانک مرکزی ایران چه
بیامی برای تقویت همکاری
های بانکی و پولی بین ایران و
کشورهای عربی دارد؟**

در ارتباط با سفر رئیس کل بانک مرکزی ایران به
کشورهای منطقه باید بگویم که سفر او به عراق و
قطر سیگنال خیلی خوبی برای این است که باید
به مرحله تقویت تعامل در زمینه های اقتصادی،
معاملات نفتی و پولی برسیم و از تروریسم
اقتصادی آمریکا که باعث بسیاری از تحریم ها
و محاصره کشورها شده است، عبور کرد. ایران
یک کشور قوی، فرا منطقه ای و حتی ابر قدرت
است و همکاری با چین، روسیه و کشورهای
عربی در حقیقت منجر به تقویت ذخایر ارزی
ایران و توسعه دایره تعاملات با ذخایر می شود
و من فکر می کنم که این موضوع را رئیس کل
بانک مرکزی ایران به همراه همتایان قطری و
عراقی خود بررسی کرده است. امیدوارم که این
روند به دیگر کشورهای عربی نیز تعمیم یابد.

**ایران ظرفیت بالایی در
تأمین کالاها و ملزومات
مورد نیاز کشورهای عربی
دارد و این ارتباطات در حال
حاضر به نوعی برقرار است.
این ظرفیت ها چگونه قابل
شناسایی و تقویت است؟**

بله. این امکان وجود دارد و ما نیازمند
بررسی های دقیق برای شناخت بازارهای

برش



تقویت تعاملات تجاری و اقتصادی منطقه

بشار اسد در سال ۲۰۰۴ پیشنهاد تشکیل ائتلاف پنج دریا، یعنی دریای سیاه، دریای خزر،
مدیترانه، خلیج فارس و دریای سرخ را مطرح کرد. به نظر من همه چیز در حال حاضر
برای تقویت این مسئله در راستای بی نیاز شدن از غرب و تقویت تبادل تجاری و همکاری
اقتصادی میان این کشورها فراهم است، به ویژه اینکه اقتصادهای این کشورها مکمل
یکدیگر هستند و اقتصاد ایران با کشورهای عربی و اقتصاد این کشورها در کنار ایران،
کامل می شود.

۲۴



اقتصاد

• شماره ۱۲ - مهر ۱۴۰۲ •

فشار تحریم‌های آمریکا بر بانک‌های سوریه

می‌دانیم که بانک‌های سوریه تحت تحریم‌های آمریکا و خارج از چرخه معاملات جهانی قرار دارند. این مسئله معاملات با ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما اگر کشورهای گروه بریکس بتوانند ارز جایگزینی برای دلار معرفی و مکانیسمی جدا از سوئیفت تعریف کنند، ما و ایران می‌توانیم تمام این تحریم‌ها را پشت سر بگذاریم. ما باید سیاست‌های پولی را در این مسیر وضع کنیم. این همان چیزی است که کشورهایی چون چین و روسیه هم خواستار آن هستند.

سفر رئیس
کل بانک
مرکزی ایران به
کشورهای منطقه
مانند عراق و
قطر، سیگنال
خیلی خوبی
است که نشان
می‌دهد باید به
مرحله تعامل
در زمینه‌های
اقتصادی
معاملات نفتی و
پولی برسیم

درصد اقتصاد سوریه را ویران کرده‌اند و حجم اقتصادمان به ۱۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ کاهش پیدا کرده است. تلاش برای این است که شرکت‌های ایرانی و سوری و به ویژه پس از تشکیل کمیته بازرگانی ایران و سوریه و تشکیل اتاق مشترک تجاری بین دو طرف، به حجم تبادلات خود اضافه کنند. ایران باید به دریای مدیترانه نفوذ داشته باشد، این کشور حامی سوریه و محور مقاومت است و ما معتقدیم که فرصت سرمایه‌گذاری در همه ابعاد و عرصه‌ها بین ایران و سوریه فراهم است و امیدواریم نتیجه آن را خیلی زود مشاهده کنیم.

سطح بانک‌های سوریه و

جایگاه آنها از نظر بین‌المللی

را چگونه ارزیابی می‌کنید و

آیا امکان گسترش همکاری

با ایران در زمینه‌های بانکی

وجود دارد؟

می‌دانیم که بانک‌های سوریه تحت تحریم‌های آمریکا و خارج از چرخه معاملات جهانی قرار دارند. بله، این مسئله معاملات با ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما اگر کشورهای گروه بریکس بتوانند ارز جایگزینی برای دلار معرفی و مکانیسمی جدا از سوئیفت تعریف کنند، ما و ایران می‌توانیم تمام این تحریم‌ها را پشت سر بگذاریم. ما باید سیاست‌های پولی را در این مسیر وضع کنیم. این همان چیزی است که کشورهایی چون چین و روسیه هم خواهان آن هستند. ما به تصمیمات کشورهای عضو بریکس چشم دوخته‌ایم، ایران هم عضو گروه بریکس و هم عضو سازمان شانگهای است و امیدوارم که این تعاملات جدید به شکل‌گیری نظام جهانی جدید منجر شود و از جهان تک قطبی به جهان چند قطبی منتقل شویم.

اقتصادی در کشورهای مختلف هستیم. کشورهای عربی و ایران می‌توانند در این زمینه همکاری داشته باشند. دکتر بشار اسد در سال ۲۰۰۴ پیشنهاد تشکیل ائتلاف پنج دریا، یعنی دریای سیاه، دریای خزر، مدیترانه، خلیج فارس و دریای سرخ را مطرح کرد. به نظر من همه چیز در حال حاضر برای تقویت این مسئله در راستای بی‌نیاز شدن از غرب و تقویت تبادل تجاری و همکاری اقتصادی میان این کشورها فراهم است، به ویژه اینکه اقتصادهای این کشورها مکمل یکدیگر هستند و اقتصاد ایران با کشورهای عربی و اقتصاد این کشورها در کنار ایران، کامل می‌شود. امیدواریم که به زودی شاهد این وضعیت باشیم.

روابط اقتصادی ایران و سوریه

را چگونه ارزیابی می‌کنید و

ایران در چه زمینه‌هایی امکان

سرمایه‌گذاری در سوریه، به

ویژه پس از جنگ تحمیلی

جهانی علیه این کشور را برای

بازسازی و سایر زمینه‌های

اقتصادی دارد؟

در حقیقت روابط ایران و سوریه در همه ابعاد اعم از نظامی، سیاسی و اقتصادی نوعی روابط استراتژیک است. زمانی که من در امور اقتصادی سوریه مسئولیت داشتم، به یاد دارم که یک مسئول ایرانی گفت که منافع کشور ما با شما در هم تنیده و یکی است. ایران و سوریه می‌توانند در همه پروژه‌های سرمایه‌گذاری با یکدیگر همکاری کنند، به ویژه در پروژه‌های استراتژیک مانند نفت، استخراج فسفات، کشاورزی و صنعت و شرکت‌هایی که اکنون در زمینه تولید برق به طور گسترده فعال هستند. ما می‌دانیم که گروه‌های تروریستی بیش از ۶۰



بریکس مسیر ورود سرمایه‌گذاران خارجی به کشور را باز کرد

- برای توسعه بخش‌های مختلف نیاز به سرمایه‌گذار خارجی داریم و منابع بانک توسعه بریکس می‌تواند نقش این سرمایه را برای رشد و توسعه صنایع ایفا کند
- اعضای بریکس به شدت به دنبال همکاری‌های متقابل هستند و منافع اعضا در خروج از محاصره دلار است

دکتر محمد صادق مفتاح /

قائم مقام اسبق وزیر صمت



با توجه به اینکه ایران صادرکننده انرژی است و مصرف‌کننده‌های بزرگ انرژی همچون چین و هند از اعضای اصلی بریکس هستند، ایران می‌تواند از این فرصت استفاده کند و وجه مشترک همکاری در حوزه انرژی میان ایران عربستان امارات و روسیه با چین و هند تقویت شود

بزرگی همچون چین و هند در دنیا تقاضای بالای انرژی دارند که از اعضای اصلی بریکس هستند، ایران می‌تواند از این فرصت استفاده کند و وجه مشترک همکاری در حوزه انرژی میان ایران، عربستان، امارات و روسیه با چین و هند توسعه داده و تقویت شود. این اقدام، سیاست‌های تحریمی ایالات متحده آمریکا را نیز شکست می‌دهد و نهایتاً منجر به انزوای آمریکایی می‌شود. همچنین باید بتوانیم از ظرفیت‌های بانک توسعه بریکس به منظور سرمایه‌گذاری و توسعه صنایع مختلف در کشور استفاده کنیم. ما برای توسعه بخش‌های مختلف نیاز به سرمایه‌گذار خارجی داریم و منابع بانک توسعه بریکس می‌تواند نقش این سرمایه را برای رشد و توسعه صنایع ایفا کند. به عبارت دیگر بانک توسعه بریکس می‌تواند زمینه ورود سرمایه‌گذار خارجی به کشور را همیاری کند. هر چقدر ارتباطات مالی و تجاری میان اعضای بریکس افزایش یابد، قدرت گروه بریکس بیشتر می‌شود و این گروه از لحاظ اقتصادی تقویت خواهد شد. همچنین افزایش قدرت اقتصادی گروه بریکس نهایتاً منجر به افزایش قدرت سیاسی می‌شود. بنابراین اعضای بریکس باید ارتباط تنگاتنگی در بخش‌های مختلف اقتصادی با یکدیگر داشته باشند. اعضای بریکس به شدت به دنبال همکاری‌های متقابل هستند و منافع اعضا در خروج از محاصره دلار است.

دشمن از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، جنگی را آغاز کرده که تاکنون ادامه دارد و همواره به دنبال منزوی کردن ایران بوده است. یکی از مهم‌ترین اقداماتی که باید در سال‌های گذشته پیگیری می‌شد و از آن در دولت گذشته غفلت شد، توسعه روابط با کشورهای همسایه و همسایه است. پیوستن به سازمان همکاری‌های شانگهای و گروه بریکس، نقش قابل توجهی در شکستن تحریم اقتصادی ایران دارد.

هنگامی که معاملات دلار کاهش یابد و دلار محوریت خود را از دست بدهد، خنثی‌سازی تحریم‌ها برای ایران تسهیل می‌شود، چرا که با وجود محوریت دلار در مبادلات تجاری، بانک مرکزی و خزانه‌داری آمریکایی توانمند بر معاملات اشراف داشته باشند و تعاملات مالی کشورها را رصد کنند و این موضوع تحریم اقتصادی ایران را تشدید می‌کند که با کنار گذاشتن دلار در مبادلات تجاری و مالی اعضای بریکس، فضا برای معاملات تجاری ایران نیز بازتر خواهد شد. کنار گذاشتن دلار از مبادلات مالی و تجاری اعضای بریکس، علاوه بر اینکه روی حجم معاملات تجاری میان کشورها تأثیر مثبت قابل توجهی خواهد گذاشت، با توجه به اینکه ایران صادرکننده انرژی است و مصرف‌کننده‌های





رسانه‌ها چگونه انتظارات تورمی را شکل می‌دهند؟

وگارد اچ. لارسن، لیف آندرس ثوررود و جولیا ژولانوا/

پژوهشگران ارشد دانشکده تجارت نروژ

۲۷



اقتصاد

• شماره ۱۲ - مهر ۱۴۰۲ •

- انتظارات، تحت تاثیر اطلاعات قرار می‌گیرند و رسانه‌ها این اطلاعات را جذب و فیلتر می‌کنند و برجستگی می‌بخشند
- چسبندگی اطلاعات به معنای اخبار و اطلاعاتی است که برای فهم و درک آنها نیاز به سطح بالاتری از دانش، جهت تفسیر پیچیدگی آنها داریم
- منبع خبری کامل و جامع که تمامی اخبار مرتبط و موثر بر تصمیمات و انتظارات را پوشش دهد، وجود ندارد

وقتی رسانه‌ها به طور گسترده در مورد موضوعاتی مانند، فناوری یا سلامت می‌نویسند حتی بدون ذکر صریح اصطلاحات مربوط به تورم، حاکی از آن است که اتفاقی حول این موضوعات در حال رخ دادن است که به طور بالقوه می‌تواند اثراتی در کل اقتصاد داشته باشد و بنابراین ممکن است انتظارات تورمی را نیز تحت تأثیر قرار دهد

۲۸



اقتصاد

• شماره ۱۲ - مهر ۱۴۰۲ •

رسانه‌های خبری نقش مهمی در جامعه دارند و برای بیشتر مردم منبع اصلی اطلاعات هستند. همچنین، در اقتصاد کلان نیز توجه زیادی به انتظارات متمرکز است. اما انتظارات، تحت تأثیر اطلاعات قرار می‌گیرند و رسانه‌ها این اطلاعات را جذب و فیلتر می‌کنند و برجستگی می‌بخشند. با این حال، عجیب است که نقش مستقل بالقوه رسانه‌ها در فرآیند شکل‌گیری انتظارات، به طور نسبتاً کمی، در اقتصاد کلان مورد توجه قرار گرفته است. این مطالعه بر اساس ادبیات رو به رشد، به جای توجه به انتظارات منطقی اطلاعات کامل، شواهدی در راستای چسبندگی اطلاعات ارائه می‌دهد. چسبندگی اطلاعات به معنای اخبار و اطلاعاتی است که برای فهم و درک آنها نیاز به سطح بالاتری از دانش، جهت تفسیر پیچیدگی آنها داریم.

رسانه‌ها به عنوان «واسطه اطلاعات» بین افراد و وضعیت جهان عمل می‌کنند. این مطالعه به طور خاص این دیدگاه را در پیش گرفته است که عاملان اقتصادی، اطلاعات درون را انتخاب می‌کنند. این دیدگاه دو پیامد دارد، اولاً، پوشش رسانه‌ای باید انتظارات تورمی خانوارها را پیش‌بینی کند. دوماً، درجه چسبندگی اطلاعات، به مرور زمان و به عنوان نتیجه‌ای از پوشش رسانه‌ای، تغییر می‌کند. اما منبع خبری کامل و جامع که تمامی اخبار مرتبط و موثر بر تصمیمات و انتظارات را پوشش دهد، وجود ندارد. بنابراین، برای این مطالعه، انتخاب اطلاعات از خبرگزاری‌های تخصصی صورت می‌گیرد که فقط یک مجموعه محدود از رویدادهای مهم را گزارش می‌دهند.

ابتدا برای این منظور، فرض می‌کنیم که وقتی رسانه‌ها به طور گسترده در مورد موضوعاتی مانند، فناوری یا سلامت می‌نویسند، حتی بدون ذکر صریح اصطلاحات مربوط به تورم، حاکی از آن است که اتفاقی حول این موضوعات در حال رخ دادن است که به طور بالقوه می‌تواند اثراتی در کل اقتصاد داشته باشد و بنابراین ممکن است انتظارات تورمی را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

بسیاری از موضوعات خبری که در رسانه‌ها مورد بحث قرار می‌گیرند، قدرت پیش‌بینی بالایی را هم برای تورم و هم برای انتظارات تورمی دارند. با توجه به فرضیه مطالعه، که پوشش خبری

مرتبط، به خانوارها کمک می‌کند تا انتظارات دقیق‌تری داشته باشند، می‌توان نتیجه گرفت که رسانه‌ها منبع اطلاعاتی مهمی برای خانواده‌ها هستند. این فرضیه با مطالعاتی که در گذشته نیز صورت گرفته، تأیید شده است. به عنوان مثال، موضوعاتی نظیر فناوری (IT) و سلامت به طور قابل توجهی بر انتظارات تورمی خانوارها تأثیر می‌گذارند. در واقع، رابطه پیش‌بینی‌کننده بین موضوعات خبری و انتظارات خانوارها با کلیشه‌های مرسوم و آنچه درباره الگوهای هزینه‌ها و عادات مصرف رسانه‌های ما، سازگار است.

هنگامی که یک رویداد مهم رخ می‌دهد، پوشش رسانه‌ای به طور بالقوه پایدارتر می‌شود و نوسانات کمتری دارد، که در نتیجه فیلتر کردن آن برای خانوارها آسان‌تر می‌شود. به این ترتیب، چسبندگی اطلاعات کاهش می‌یابد، زیرا خانوارها نسبت به پیش‌بینی‌های قبلی خود، وزن بیشتری را بر اطلاعات جدید قرار می‌دهند. آزمایش‌های تجربی نیز از نمای کانال رسانه، این پیش‌بینی را تأیید می‌کنند. همچنین، در یک آزمایش ساختگی که بعید است این نتیجه به صورت تصادفی به دست آید، و لذا استفاده از ویژگی‌های تورم یا سایر شاخص‌های اقتصادی با قدرت پیش‌بینی برای انتظارات خانوارها، نمی‌تواند نتایج تئوری سازگار را ارائه دهد.

تحلیل ارائه شده در این مطالعه سه ویژگی مهم دارد. اولاً، با تحلیل نقش رسانه‌ها در فرآیند شکل‌گیری انتظارات، مطالعه به طور مستقیم با مطالعات پیشین سازگار است. ثانیاً، ما به عنوان محققان، ادعا می‌کنیم که برای اولین بار، رابطه بین چسبندگی اطلاعات و اخبار را در چارچوب آزمایشی مبتنی بر تئوری بررسی می‌کنیم. سوماً، ما به شواهد مستقیمی از تغییرات زمانی با فرکانس بالا در درجه چسبندگی اطلاعات در خانوارهای ایالات متحده دست یافته‌ایم.

روش انجام این تحقیق و گردآوری اطلاعات به این صورت است که آرشیو اخبار داو جونز به عنوان منبع اصلی مورد استفاده قرار گرفته است. این آرشیو شامل زیرمجموعه‌ای از اخبار مصرفی خانوارهاست. با این حال، بدون شک اخبار مرتبط با تورم به طور کامل توسط این نوع اخبار تجاری پوشش داده نمی‌شوند. شرکت داو جونز و نشریه اصلی آن، وال استریت ژورنال، در میان روزنامه‌های بزرگ ایالات متحده قرار دارند. این بدان معناست که این رسانه‌ها در چشم‌انداز رسانه‌ای ایالات متحده نقش مهمی

رسانه‌ها منبع
اطلاعاتی مهمی
برای خانواده‌ها
هستند و
این فرضیه با
مطالعاتی که
در گذشته نیز
صورت گرفته
تأیید شده است



طبقه‌بندی مشابه انسان‌ها است، که باعث محبوبیت بالای این روش می‌شود. به این ترتیب، مدل LDA باعث تبدیل یک مجموعه بزرگ و پیچیده، به یک مدل نسبتاً کوچک، فشرده و قابل تفسیر می‌شود.

به طور خلاصه، بررسی‌های این مطالعه نشان می‌دهد که با توجه به داده‌های مربوط به الگوهای مصرف رسانه، تفاوت واضحی در بُعد سنی وجود دارد. انتظارات سالمندان بیشتر با اخبار مرتبط با سلامت و سیاست مرتبط است. در حالی که انتظارات جوانان بیشتر با اخبار مرتبط با تحصیل و سبک زندگی مرتبط است. سالمندان از نظر جنسیت یک گروه نسبتاً همگن هستند، در حالی که در بین جوانان، مردان بیشتر با اخبار مرتبط با حمل و نقل و فناوری ارتباط دارند و زنان بیشتر با اخبار مرتبط با آموزش و سبک زندگی ارتباط دارند.

ایفا می‌کنند و احتمالاً پوشش خبری آنها به منابع خبری که خانواده‌ها به طور مستقیم دنبال می‌کنند مثل تلویزیون یا رسانه‌های خبری کوچکتر، منتقل می‌شود. به این معنی که ممکن است رویدادهای خبری جزئی توسط این منبع پوشش داده نشوند، اما رویدادهای مهم اقتصادی یا سیاسی به طور قطع توسط آرشیو اخبار داو جونز و سایر رسانه‌ها که خانواده‌ها ممکن است دنبال کنند، پوشش داده می‌شوند.

برای عملیاتی کردن فرضیه مبتنی بر موضوع خبری، از مدل تخصیص دیریکله پنهان (LDA) استفاده می‌کنیم. در این مدل، هر مقاله به عنوان یک ترکیب از موضوعات و هر موضوع به عنوان یک ترکیب از کلمات در نظر گرفته می‌شود. استفاده از مدل LDA در این تحقیق به دلیل سادگی آن و همچنین قابلیت



تفاوت انتظارات در سالمندان و جوانان

انتظارات سالمندان بیشتر با اخبار مرتبط با سلامت و سیاست مرتبط است. در حالی که انتظارات جوانان بیشتر با اخبار مرتبط با تحصیل و سبک زندگی مرتبط است. سالمندان از نظر جنسیت یک گروه نسبتاً همگن هستند، در حالی که در بین جوانان، مردان بیشتر با اخبار مرتبط با حمل و نقل و فناوری ارتباط دارند و زنان بیشتر با اخبار مرتبط با آموزش و سبک زندگی ارتباط دارند.



روسای بانک‌های مرکزی جهان در آئینه تاریخ (۴)

جنت یلن نخستین سکندار زن در تاریخ فدرال رزرو

- جنت یلن، اولین و تنها زن در تاریخ ایالات متحده است که به ریاست فدرال رزور رسید
- یلن از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ به عنوان مدیر اجرایی بانک فدرال رزرو سانفرانسیسکو فعالیت کرد
- در دوره مدیریت یلن بر فدرال رزرو، نرخ بیکاری در آمریکا تا ۳،۱ درصد کاهش یافت

۳۰



اقتصاد

● شماره ۱۲ - مهر ۱۴۰۲ ●

تولد و کودکی خانم معلم کوچک در خانواده‌ای تحصیل کرده و فرهنگ دوست

جنت یلن، در یکی از روزهای گرم نیمه آگوست ۱۹۴۶ در خانواده‌ای یهودی-لهستانی در خلیج ریچ محله بروکلین در شهر نیویورک متولد شد. مادر جنت، آناروت، معلم مدرسه ابتدایی بود که شغل خود را پس از به دنیا آمدن آخرین فرزندش، جنت، رها کرد تا بتواند در خانه به تربیت بهتر او بپردازد. پدرش جولیوس یلن، پزشک خانواده بود که در طبقه همکف خانه خود، یک مطب کوچک داشت و به دلیل خوشنامی و مردم‌داری، مراجعین بسیاری از قشر ضعیف و متوسط شهر نیویورک را به خود اختصاص داده بود. خاندان یلن، در خلال جنگ جهانی از منطقه سوکولو پولاسکی در ۷۰ کیلومتری ورشو، به ایالات متحده مهاجرت کرده بودند.

یکی از عادات‌های جذاب جنت در کودکی، علاقه وافر او به معلمی بود. این حس که برگرفته از رویکرد شغلی مادر، به وی منتقل شده بود، تا به امروز نیز در وجود او موج می‌زند. همین علاقه باعث شد که جنت یلن، بیشتر وقت دوران کودکی خود را به جای بازی با هم‌نوعان و دوستانش در کوچه و خیابان، در اتاق کوچک خود و به درس دادن به عروسک‌هایش، صرف کند. مادر و تنها برادر بزرگتر جنت که متوجه تمایل دختر خانواده به تدریس شده بودند، همواره با او بازی معلم و شاگردی می‌کردند و جنت را "خانم معلم کوچک" صدا می‌زدند (موزه ملی تاریخ زنان آمریکا، ۲۰۲۳).

حضور پررنگ و فعال جنت یلن با استعداد در دوران دبیرستان

جنت یلن در سال ۱۹۶۱، وارد دبیرستان فورت همپلتون شد. جنت حضور فعال و موثری هم در زمینه درسی و هم در زمینه فعالیت‌های جانبی در دبیرستان داشت. وی عضو ثابت و اصلی انجمن ریاضیات، انجمن ادبی، انجمن روان‌شناسی و انجمن تاریخ دبیرستان فورت بود. جنت یلن به عنوان سردبیر روزنامه مدرسه همپلتون، رتبه اول مسابقه معتبر انجمن مطبوعات دانشگاه کلمبیا را کسب کرد. وی تنها دختری بود که توانست صاحب "کرسی مطالعات ریاضی دانش‌آموزان با استعداد دانشگاه کلمبیا" در سال ۱۹۶۳ شود (بریتانیکا، ۲۰۲۳).

همچنین جنت یکی از ۳۰ دانش‌آموزی بود که واجد دریافت بورسیه تحصیلی شهردار نیویورک برای حضور در ۱۵ کالج برتر ایالات متحده در سال ۱۹۶۴ شد (موزه ملی تاریخ زنان آمریکا، ۲۰۲۳).

دوره شکوفایی تحصیلات آکادمیک جنت یلن در براون و ییل

جنت یلن با توجه به بورسیه تحصیلی بسیار خوبی که دریافت کرده بود، حق انتخاب برای حضور در بهترین کالج‌های آمریکا را به دست آورد. به همین دلیل، در بهار ۱۹۶۴، در کالج پمبروک در دانشگاه براون ثبت نام کرد. وی در ابتدا قصد داشت در رشته فلسفه تحصیل کند، اما پس از گذراندن سال اول کالج، تحت تأثیر اساتیدی نظیر جورج هربرت بورتر و هرشل گروسمن، از فلسفه به اقتصاد تغییر رشته داد (بریتانیکا، ۲۰۲۳).

یلن در سال ۱۹۶۷ از دانشگاه براون با مدرک لیسانس اقتصاد فارغ التحصیل شد. پایان‌نامه او با عنوان "اشتغال، تولید و انباشت سرمایه در یک اقتصاد باز: رویکرد عدم تعادل" تحت راهنمایی جیمز توبین، برجسته‌ترین اقتصاددان کینزی جهان و برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۸۱، به عنوان بهترین پایان‌نامه دانشجویی سال دانشگاه براون انتخاب شد. پس از گذراندن دوره لیسانس، به دلیل استعداد درخشان تحصیلی، مورد توجه ویژه اساتید و هیات علمی دپارتمان اقتصاد این دانشگاه قرار گرفت و در همان سال ۱۹۶۷، به عنوان دستیار تدریس در درس اقتصادکلان جیمز توبین انتخاب شد. یادداشت‌برداری‌های جنت یلن از کلاس درس توبین آنچنان دقیق و کامل بود که جزوه او به کتاب غیررسمی درس اقتصادکلان دانشگاه براون تبدیل شد و با نام "یادداشت‌های اقتصادکلان یلن"، هنوز هم مورد استفاده دانشجویان این رشته قرار می‌گیرد (موزه ملی تاریخ زنان آمریکا، ۲۰۲۳).

جنت یلن در کنار فعالیت آکادمیک خود در دانشگاه براون، به دعوت جوزف استیگلیتز و ویلیام برینارد، با دریافت بورسیه تحصیلی کامل، برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری رشته علوم اقتصادی، وارد دانشگاه ییل شد و در سال ۱۹۷۱، به عنوان تنها زن ورودی خود، با درجه عالی، فارغ التحصیل شد (بریتانیکا، ۲۰۲۳).

استاد سابق او و برنده جایزه نوبل اقتصاد، جوزف استیگلیتز، جنت یلن را یکی از درخشان‌ترین و بااستعدادترین شاگردان خود نامیده است. همچنین یلن، جیمز توبین و ویلیام برینارد را به عنوان "معلمان مادام‌العمر" خود توصیف می‌کند و آنها را منشأ و زمینه‌ساز بنیان‌های فکری و دیدگاه‌های اقتصادی خود می‌داند (فوربس، ۲۰۲۳).

آغاز دوران تدریس و پژوهش در دانشگاه و حضور درخشان در جایگاه‌های علمی

جنت یلن پس از دریافت مدرک دکترای خود

یکی از ویژگی‌های مهم کاراکتر شغلی جنت یلن، پیشگامی او در انتصاب به عنوان اولین زن و تنها زن در بالاترین سطوح مدیریت اقتصادی و مالی در ایالات متحده بوده است



از منظر مشاوران
اقتصادی
دموکرات
انتصاب
جنت یلن به
عنوان اولین
زن در مسند
بالا ترین مقام
تصمیم ساز
در امپراطوری
فدرال رزرو
جسورانه ترین
اقدام یک رئیس
جمهوری در
تاریخ ایالات
متحده بوده
است

۳۲



شماره ۱۲ - مهر ۱۴۰۲

از دانشگاه ییل، سمت استادیار اقتصاد در دانشگاه هاروارد را به دست آورد و از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۶ در آنجا تدریس کرد. در آن زمان، او یکی از دو عضو هیات علمی زن در بخش اقتصاد هاروارد بود. زن دیگر راشل مک کالوچ بود که این زوج دوستی نزدیکی با هم داشتند و چندین مقاله علمی در حوزه اقتصاد کلان و مکانیسم های بیکاری را به رشته تحریر درآوردند (بریتانیکا، ۲۰۲۳).

در سال ۱۹۷۸، جنت یلن با جورج آکرلوف، اقتصاددان و برنده جایزه نوبل اقتصاد ازدواج کرد. در همین سال، یلن و آکرلوف، به عنوان استاد اقتصاد برای همکاری پژوهشی و تدریس به مدرسه اقتصاد لندن (LSE) دعوت شده و به مدت دو سال در آن دانشگاه، به فعالیت خود ادامه دادند (فدرال رزرو هیستوری، ۲۰۲۳).

در سال ۱۹۸۰، جنت یلن به عنوان عضو رسمی هیات علمی در دانشگاه برکلی کالیفرنیا استخدام شد. وی در مدرسه بازرگانی هاس در برکلی، بیش از دو دهه به انجام تحقیقات در حوزه اقتصاد کلان، چرخه های بیکاری و سیاست های پولی و همچنین آموزش دانشجویان رشته اقتصاد و مدیریت کسب و کار در مقاطع مختلف پرداخت. او دو بار در سال های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۸ جایزه برجسته بهترین آموزگار و بهترین محقق مدرسه بازرگانی هاس را از آن خود کرد. جنت یلن دومین زن در مدرسه بازرگانی دانشگاه برکلی شد که در سال ۱۹۸۵، به جایگاه استاد تمام (پروفسور) رشته اقتصاد ارتقا یافت. وی همچنین در سال ۱۹۹۲، کرسی استاد تمامی رشته تجارت بین الملل این دانشگاه را نیز به دست آورد (بانک تسویه بین المللی، ۲۰۱۷).

از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹، جنت یلن از دانشگاه برکلی مرخصی گرفت تا در دولت ایالات متحده، به خدمات خود ادامه دهد. پس از بازگشت به دانشگاه، او کار تدریس خود را در مدرسه بازرگانی هاس از سر گرفت. جنت در سال ۱۹۹۹، به عنوان استاد هیات علمی در هر دو دپارتمان اقتصاد و مدیریت بازرگانی این دانشگاه منصوب شد و تا زمانی که در سال ۲۰۰۴ به عنوان رئیس و مدیر اجرایی بانک فدرال رزرو سانفرانسیسکو مشغول به کار شد، در این سمت باقی ماند. سرانجام جنت یلن در سال ۲۰۰۶، طی یک مراسم باشکوه و ماندگار، از دانشگاه برکلی بازنشسته شد (بریتانیکا، ۲۰۲۳).

جنت یلن در طول زندگی حرفه ای آکادمیک خود، علاوه بر تدریس، پژوهش، نگارش

یادداشت، مقالات علمی و کتب مختلف در شاخه های "اقتصاد کلان"، "مکانیسم های بیکاری و بازاریار"، "سیاست های پولی و مالی"، "بحران های مالی"، "بحران های بیکاری"، "مدل سازی کارآمد دستمزد" و "تجارت بین الملل"، به عنوان مشاور پژوهشی در دفتر بودجه کنگره (CBO)، مشاور پژوهشی در موسسه بروکینگز و هیات علمی بنیاد ملی علوم ایالات متحده خدمت کرده است. او همچنین از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۰ همکار افتخاری پژوهشی در دفتر ملی تحقیقات اقتصادی آمریکا بوده است. جنت اغلب در تحقیقات خود، با همسرش، پروفسور جورج آکرلوف، همکاری مشترک می کند (بانک تسویه بین المللی، ۲۰۱۷). همچنین دو کتاب معروف جنت یلن در حوزه اقتصاد، به شرح زیر است:

- کتاب "مدل های دستمزد کارآمدی بازارکار"، همراه با پروفسور جورج آکرلوف، در سال ۱۹۸۶ در انتشارات دانشگاه کمبریج به چاپ رسید
- کتاب "دهه شگفت انگیز: درس های اقتصاد کلان از دهه ۱۹۹۰" که با همراهی دکتر بلایندر در سال ۲۰۰۱ به چاپ رسید. (فوربس، ۲۰۲۳).

افتخارات آکادمیک و جوایز ملی و بین المللی جنت یلن در علم و سیاست

- تنها واجد شرایط دریافت بورس تحصیلی و کمک هزینه بنیاد یادبود جان سیمون گوگنهایم در سال ۱۹۸۷
- دریافت دکترای افتخاری رشته حقوق از دانشگاه براون در سال ۱۹۹۸
- عضو اصلی دفتر ملی تحقیقات اقتصادی پژوهشی (اقتصاد پولی) از سال ۱۹۹۹
- دریافت دکترای افتخاری رشته علوم انسانی از کالج بارد نیویورک در سال ۲۰۰۰
- رئیس انجمن بین المللی اقتصاد کلان از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۱
- عضویت در آکادمی علوم و هنر آمریکا از سال ۲۰۰۱
- عضویت در نهاد اقتصاد دانان صلح و امنیت از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰
- نایب رئیس انجمن اقتصادی ایالات متحده در سال ۲۰۰۵
- عضویت در شورای روابط خارجی آمریکا در سال ۲۰۰۵
- عضو ارشد "گروه C" در منطقه آمریکای لاتین از سال ۲۰۰۹
- عضو ارشد انجمن ملی اقتصاد بازرگانی آمریکا از سال ۲۰۱۰

کاهش و تثبیت
نرخ بیکاری
ایالات متحده در
پایین ترین حد
خود پس از رکود
بزرگ
مهم ترین
دستاوردها
جنت یلن در
دوره ریاست
وی بر فدرال
رزرو محسوب
می شود

جنت یلن، پیشگام و سردمدار اولین ها و تنها ترین ها در تاریخ اقتصادی آمریکا

یکی از ویژگی های مهم کاراکتر شغلی جنت یلن، پیشگامی او در انتصاب به عنوان اولین زن و تنها زن در بالاترین سطوح مدیریت اقتصادی و مالی در ایالات متحده بوده است (موزه ملی تاریخ زنان آمریکا، ۲۰۲۳).

- تنها زن فارغ التحصیل دوره دکتری اقتصاد سال ۱۹۷۱ دانشگاه ییل
- اولین زن هیات علمی دیارتمان اقتصاد دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۷۱
- اولین و تنها رئیس زن شورای مشاوران اقتصادی رئیس جمهور ایالات متحده که در دوره ریاست جمهوری بیل کلینتون از سال ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۹، در این سمت حضور داشته است
- اولین مدیر اجرایی زن منصوب شده در شعب اصلی منطقه ای فدرال رزرو
- اولین و تنها زن در تاریخ ایالات متحده که به ریاست فدرال رزور رسیده است
- اولین و تنها زن در تاریخ ایالات متحده که به عنوان وزیر خزانه داری این کشور منصوب شده است (فوربس، ۲۰۲۳)

دوران حرفه ای شغلی جنت یلن قبل از ریاست بر فدرال رزرو

به عنوان اولین فرصت کاری و شغلی، جنت یلن در سال ۱۹۷۷، در جایگاه کارشناس اقتصادی هیات مدیره، توسط ادوین ام ترومن، استاد جوان دانشگاه ییل به نهاد مالی فدرال رزرو وارد شد. پس از گذشت حدود یک سال، در اکتبر ۱۹۷۸، تصدی بخش مالی بین الملل بانک مرکزی ایالات متحده را عهده دار شد و تا زمان عضویت به عنوان استاد هیات علمی دیارتمان اقتصاد دانشگاه برکلی کالیفرنیا، در این سمت باقی ماند. همین حضور او در فدرال رزرو موجب شد جایگاه نسبتاً مناسبی در ساختار پیچیده

- عضو ممتاز انجمن اقتصاد مالی آمریکا از سال ۲۰۱۲
- عضو انجمن اقتصادسنجی آمریکا از سال ۲۰۱۴
- دریافت دکترای افتخاری علوم بازرگانی از دانشگاه نیویورک در سال ۲۰۱۴
- دریافت دکترای افتخاری اقتصاد از مدرسه اقتصاد لندن در سال ۲۰۱۵
- دریافت دکترای افتخاری علوم اجتماعی از دانشگاه ییل در سال ۲۰۱۵
- دریافت دکترای افتخاری حقوق عمومی از دانشگاه وارویک در سال ۲۰۱۵
- دریافت دکترای افتخاری حقوق از دانشگاه بالتیمور در سال ۲۰۱۶
- عضویت به عنوان همکار افتخاری آکادمی اقتصاد بریتانیا در سال ۲۰۱۶
- دریافت دکترای افتخاری حقوق از دانشگاه میشیگان در سال ۲۰۱۹
- دریافت دکترای افتخاری حقوق از دانشگاه پنسیلوانیا در سال ۲۰۲۱
- چهارم رتبه انتخاب به عنوان یکی از ۱۰۰ فرد تاثیرگذار جهان توسط مجله تایم در سال های ۲۰۱۴، ۲۰۱۵، ۲۰۱۷ و ۲۰۲۳
- جنت یلن بارها در فهرست ۱۰۰ زن قدرتمند جهان مجله فوربس قرار گرفته است. او در سال ۲۰۱۴ به عنوان دومین زن قدرتمند جهان انتخاب شد.
- در مارس ۲۰۱۸، کرسی پژوهشی جنت یلن در دانشکده مدیریت ییل، بنا نهاده شد.
- در دسامبر ۲۰۲۲، شورای حکام فدرال رزرو، "جایزه سالانه جنت یلن برای تعالی در توسعه جامعه" به منظور قدردانی از کارکنان سیستم فدرال رزرو به پاس خدمات ارزنده یلن، بنا نهاده شد. آریل سیسنروس از بانک فدرال رزرو شهر کانزاس به عنوان اولین دریافت کننده این جایزه انتخاب شد. (بانک تسویه بین المللی، ۲۰۱۷/ بریتانیکا، ۲۰۲۳)



اقدامات خارق العاده فدرال رزرو در رکود بزرگ آمریکا

فدرال رزرو در دوره ریاست جنت یلن، اقدامات سیاستی خارق العاده ای را انجام داد تا به بهبود سریع تر و کامل از میراث به جامانده از رکود بزرگ کمک کند. رکود بزرگ یک بحران اقتصادی و مالی فوق العاده ناشی از ترکیدن حباب ۷ تریلیون دلاری در بازار مسکن آمریکا بود که در سال های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ آغاز شد و در سپتامبر ۲۰۰۸ منجر به یک بحران مالی تمام عیار گشت که آثار آن همچنان باقی است.



شخصی از این شورا کناره‌گیری می‌کند و به تدریس در دانشگاه کالیفرنیا و برکلی باز خواهد گشت (فدرال رزرو هیستوری، ۲۰۲۳).
جنت یلن در سال ۱۹۹۹ به برکلی بازگشت و تا سال ۲۰۰۴ در این دانشگاه مشغول به تدریس و پژوهش شد. در ۱۲ آوریل ۲۰۰۴، رئیس وقت بانک مرکزی آمریکا از یلن دعوت کرد تا به عنوان مدیر اجرایی بانک فدرال رزرو سانفرانسیسکو، جایگزین رابرت تی پری شود. وی در ۱۴ ژوئن ۲۰۰۴ کار خود را آغاز کرد و تا سال ۲۰۱۰ در این سمت باقی ماند. یلن همزمان با این پست، در کمیته بازار باز فدرال (FOMC) نیز عضویت داشت (بریتانیکا، ۲۰۲۳).

جنت یلن در مارس ۲۰۱۰ به عنوان گزینه اصلی نایب رئیسی هیأت فدرال رزرو معرفی شد و پس از تایید سنا، در اکتبر ۲۰۱۰ از فدرال رزرو سانفرانسیسکو استعفا داده و به عنوان معاون و جانشین رئیس فدرال رزرو تا سال ۲۰۱۴ مشغول به فعالیت شد (فدرال رزرو هیستوری، ۲۰۲۳).

آغاز به کار اولین رئیس زن در تاریخ شورای حکام فدرال رزرو

از منظر مشاوران اقتصادی دموکرات، انتصاب جنت یلن به عنوان اولین زن در مسند بالاترین مقام تصمیم‌ساز در امپراطوری فدرال رزرو،

قدرتمندترین نهاد مالی جهان پیدا کند (فدرال رزرو هیستوری، ۲۰۲۳).

در ۲۲ آوریل ۱۹۹۴، بیل کلینتون رئیس جمهور وقت اعلام کرد که قصد دارد یلن را به عنوان یکی از اعضای هیأت حکام فدرال رزرو، معرفی کند. به همین دلیل جنت یلن از فعالیت آکادمیک در دانشگاه برکلی در قالب یک مرخصی بلندمدت، فارغ شد و به عنوان عضوی از هیأت حاکمه فدرال رزرو، مشغول به کار شد و این سمت را تا سال ۱۹۹۷ حفظ کرد. در بیانیه این انتصاب، رئیس جمهور آمریکا از او به عنوان "یکی از برجسته‌ترین اقتصاددانان نسل خود در حوزه اقتصاد کلان و بازار کار" تمجید کرد (بریتانیکا، ۲۰۲۳).

در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۶، جنت یلن به عنوان گزینه اصلی ریاست شورای مشاوران اقتصادی بیل کلینتون (CEA) و جانشین جوزف استیگلیتز، معرفی شد. وی پس از تایید صلاحیت در کنگره و مجلس سنای آمریکا، برای انتصاب در این پست، در ۱۷ فوریه ۱۹۹۷ از عضویت در شورای حکام فدرال رزرو استعفا داده و در سمت جدید خود در دولت آمریکا تا سال ۱۹۹۹، مشغول به خدمت شد. یلن در بازه زمانی مذکور، همزمان ریاست کمیته سیاست اقتصادی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) را نیز بر عهده داشت. در ژوئن ۱۹۹۹، جنت یلن اعلام کرد که به دلایل

۳۴



اقتصاد

• شماره ۱۲ - مهر ۱۴۰۲ •

جسورانه‌ترین اقدام یک رئیس جمهوری در تاریخ ایالات متحده بوده است که توسط باراک اوباما، رقم خورد و توسط دونالد ترامپ به پایان رسید (فدرال رزرو هیستوری، ۲۰۲۳).

ریاست جنت یلن بر بانک مرکزی آمریکا در تاریخ ۳ فوریه ۲۰۱۴ آغاز و در تاریخ ۳ فوریه ۲۰۱۸، دقیقاً پس از مدت ۴ سال، به پایان رسید. در سال سوم انتخاب مجدد باراک اوباما به عنوان اولین رئیس جمهور سیاه‌پوست ایالات متحده (دور دوم ریاست جمهوری اوباما)، اولین رئیس زن شورای حکام فدرال رزرو، با جلب حمایت و اعتماد دموکرات‌های کنگره و مجلس سنا، هدایت این نهاد مهم پولی و مالی را بر عهده گرفت و پس از انتخاب دونالد ترامپ نیز حضور یلن در این جایگاه تا اواسط دوره ریاست جمهوری این سیاست‌مدار جمهوری خواه، ادامه یافت (فوربس، ۲۰۲۳).

کاهش و تثبیت نرخ بیکاری ایالات متحده در پایین‌ترین حد خود پس از رکود بزرگ، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین دستاورد جنت یلن در دوره ریاست وی بر فدرال رزرو محسوب می‌شود.

اولین اقدام جنت یلن، بهبود ترازنامه خانوار با کاهش خرید دارایی‌ها و مدیریت تسهیلات کمی

جنت یلن در بدو انتصاب به عنوان رئیس فدرال رزرو، به سراغ تنظیم و بهبود ترازنامه خانوارها از طریق کاهش دارایی‌های اوراق بهادار و مدیریت تسهیلات کمی (QE) رفت. وی در اولین نشست رسمی خود با کمیته بازار آزاد فدرال در اواخر ۲۰۱۳ اعلام کرد که در فوریه ۲۰۱۴، سومین و جدیدترین دور خرید دارایی‌های اوراق بهادار فدرال رزرو (رویه‌ای که به عنوان تسهیل کمی (QE) شناخته می‌شود) با روندی به تدریج کاهش و در کمترین حجم ممکن انجام خواهد شد تا بتوان این فرآیند را در آینده‌ای نزدیک متوقف کرد (واشنگتن پست، ۲۰۱۷).

بدین ترتیب از ابتدای سال ۲۰۱۴، حجم خرید دارایی‌های اوراق بهادار از ۸۵ میلیارد دلار در ماه به ۷۵ میلیارد دلار در ماه کاهش پیدا کرد. این کاهش خرید دارایی‌ها با افزایش نشانه‌هایی مبنی بر شتاب گرفتن فعالیت‌های اقتصادی همراه با کاهش فشار مالی قابل‌توجه بر اقتصاد آمریکا در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ همراه شد. علاوه بر این، با کاهش تدریجی حجم خرید دارایی‌های اوراق بهادار فدرال رزرو، فشار نزولی بر بازده بلندمدت سرمایه در طول زمان کاهش یافت، زیرا فعالان و بازیگران بازارهای مالی انتظار داشتند که شروع عادی‌سازی و بهبود وضعیت ترازنامه

خانوارها نزدیک باشد و این کاهش تدریجی، در شکل‌گیری بهینه و کم‌هزینه‌تر انتظارات فعالان و صاحبان کسب و کارها، به شدت موثر بوده است (اکنومیک پالیسی، ۲۰۱۷).

همچنین تلاش‌های جنت یلن در فدرال رزرو برای پایین آوردن نرخ‌های بهره بلندمدت از طریق برنامه QE، هزینه‌های حساس به نرخ بهره، به ویژه در حوزه مسکن، مواد غذایی و وسایل نقلیه موتوری را در مدت زمان نسبتاً کوتاهی کاهش داد. علت وقوع چنین مسئله‌ای این بود که بهبود مستمر ترازنامه خانوارها از طریق کاهش خرید دارایی‌های اوراق بهادار فدرال رزرو و مدیریت تسهیلات کمی، امکان‌اتی را برای مصرف‌کنندگان فراهم کرد تا هزینه‌های خود را کاهش داده و بدین ترتیب، فشار تقاضا از اقتصاد آمریکا برداشته شود (زاسناکتون، ۲۰۱۹).

مسئله مهم دیگر، تأثیر کاهش خرید دارایی‌های اوراق بهادار فدرال رزرو و بهبود ترازنامه خانوار بر وضعیت حق بیمه‌های مدت‌دار بود. جنت یلن از ابتدای آغاز فرآیند مدیریت تسهیلات کمی، اعلام کرده بود که یکی از مقاصد مهم ما برای تنظیم بهینه وضعیت ترازنامه از طریق کاهش سرمایه‌گذاری مجدد بازپرداخت اصل سرمایه در دارایی‌هایمان (به جای فروش دارایی‌ها)، بهبود وضعیت حق بیمه مدت‌دار خواهد بود. در نتیجه، با شروع و ادامه طرح کاهش خرید دارایی‌ها، جهش محسوسی در حق بیمه مدت‌دار دیده نشد. زیرا در رویکرد جدید فدرال رزرو، توزیع سررسید دارایی‌های اوراق بهادار به گونه‌ای بود که تنظیم و تعادل حجم دارایی‌ها، در کوتاه مدت انجام می‌شد. به همین دلیل، این انتظار که فشار نزولی بر حق بیمه‌های مدت‌دار، به تدریج کاهش یابد، به حقیقت پیوست. همچنین مدیریت ترازنامه خانوار و کاهش خرید دارایی‌ها، علاوه بر اینکه حق بیمه‌های مدت‌دار را کاهش داده و بازدهی بلندمدت آنها را پایین‌تر نگه داشت، سرعت انتظاری افزایش نرخ بهره کوتاه مدت را نیز کنترل کرد (یلن، ۲۰۱۷).

پیکار مستمر و همه جانبه جنت یلن با میراث به جامانده از رکود بزرگ

فدرال رزرو در دوره ریاست جنت یلن، اقدامات سیاستی خارق‌العاده‌ای را انجام داد تا به بهبود سریع‌تر و کامل از میراث به جامانده از رکود بزرگ کمک کند. رکود بزرگ یک بحران اقتصادی و مالی فوق‌العاده ناشی از ترکیب بحاب ۷ تریلیون دلاری در بازار مسکن کشور بود که در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ آغاز شد و در سپتامبر ۲۰۰۸

جنت یلن
اولین وزیر زن
خزانهداری و
اولین فردی در
تاریخ آمریکا
است که سه
نهادهای اقتصادی
قدرتمند در
دولت فدرال
ایالات متحده
یعنی وزارت
خزانهداری
فدرال رزرو
شورای مشاوران
اقتصادی کاخ
سفید راهبری
کرد

به لطف
اقدامات یلن
اقتصاد آمریکا
بار دیگر نرخ
بیکاری نزدیک
به معیار و
استاندارد
بلندمدت، عدم
پایداری رکود
منابع انسانی در
بازارهای مالی
و بازگشت به
اشتغال کامل را
تجربه کرد

۳۶



● شماره ۱۲-مهر ۱۴۰۲ ●

منجر به یک بحران مالی تمام عیار گشت که آثار آن همچنان باقی است. تولید ناخالص داخلی واقعی آمریکا (RGDP) از اوج خود در سال ۲۰۰۷ تا پایین‌ترین سطح آن در سال ۲۰۰۹، ۴۰٫۳ درصد کاهش یافت و دارایی خالص خانوارهای ایالات متحده و سازمان‌های غیرانتفاعی ۱۴ تریلیون دلار کاهش را تجربه کرد. نرخ بیکاری که در دسامبر ۲۰۰۷ به میزان ۵٫۰ درصد بود، در ژوئن ۲۰۰۹ به ۹٫۵ درصد افزایش یافت و در اکتبر ۲۰۰۹ به ۱۰۰ درصد رسیده بود و اثرات آن حتی تا ابتدای سال ۲۰۱۳ نیز باقی ماند. با حضور جنت یلن به عنوان سکندار بانک مرکزی آمریکا، کنگره با تصویب برنامه‌های محرک مالی، به این شرایط پاسخ داد (زاستاکتون، ۲۰۱۹).

جنت یلن ابتدا برای تثبیت وضعیت اقتصاد آمریکا در مواجهه با آثار باقیمانده از بحران مالی ۲۰۰۸ اقدام موثری انجام داد و نرخ‌های بهره کوتاه‌مدت را از ۳٫۵ درصد در جولای ۲۰۱۴ به ۱۰٫۵ در فوریه ۲۰۱۸ کاهش داد. از آنجایی که اقتصاد آمریکا حتی پس از کاهش شدید نرخ‌های کوتاه‌مدت متعارف فدرال رزرو همچنان به انقباض ادامه داد، جنت یلن به ابزارهای جدیدی برای پایان دادن به رکود و بهبود شرایط متوسل شد. به عنوان مثال، تلاش کرد با ارائه تسهیلات و وام دهی جدید، از وحشت مالی فعالان بازار جلوگیری کند و با تغییر در برنامه‌های خرید دارایی در مقیاس بزرگ (LSAP) نرخ استقراض عمومی و خصوصی بلندمدت را کاهش داد. وی همچنین با اقدامات خود، سیگنال‌های روشنی ارائه کرد که نشان می‌داد نرخ پایین وجوه فدرال، در بلندمدت نیز پایدار خواهد ماند (یلن، ۲۰۱۷). اقدامات جنت یلن در فدرال رزرو از اواسط سال ۲۰۱۴ تا پایان سال ۲۰۱۸، علیرغم نیروهای انقباضی متقابل، یعنی ریاضت نسبی مخارج عمومی نسبت به مخارج در رکودهای گذشته، کمک مهمی به اقتصاد آمریکا کرد. در نتیجه این اقدامات، اثرات رکود بزرگ، کم‌رنگ‌تر و بهبود سریع‌تر از آنچه که تصور می‌شد، به وقوع پیوست. البته این فرآیند به راحتی به سرانجام نرسید. نگاه‌های جنسیت‌زده و کارشکنانه اقتصاددانان جمهوری‌خواه به ریاست یک زن بر فدرال رزرو و انتقادات ناآگاهانه و با انگیزه سیاسی، موجب شده بود که آنها همچنان اصرار بورزند که جنت یلن با تمرکز شدید بر کاهش نرخ بیکاری، زمینه را برای افزایش خطرناک تورم فراهم کرده است (اکونومیک پالیسی، ۲۰۱۷).

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که جنت یلن سال‌ها قبل از حضور در جایگاه ریاست بانک

مرکزی آمریکا، با حمایت قاطع خود از اقدامات فدرال رزرو در مراحل اولیه بهبود پس از رکود بزرگ و تعهد مستمر او به دنبال کردن تصمیمات کلان اجرایی نظیر خرید بی‌سابقه دارایی‌های بلندمدت و رد درخواست‌ها برای لغو سریع حمایت از اقتصاد در اوایل سال ۲۰۱۴، علیرغم فشارهای نابخردانه جمهوری‌خواهان، به طی مسیر مهندسی‌شده در فرآیند بهبود اتمسفر اقتصادی ایالات متحده، کمک شایانی کرده است (واشنگتن پست، ۲۰۱۷).

یلن همه را شگفت‌زده کرد، کاهش بی‌سابقه نرخ بیکاری و بازگشت به اشتغال کامل

به اعتبار اقدامات جنت یلن در فدرال رزرو (حتی زمانی که منتقدان با صدای بلند مدعی بودند وقت آن رسیده که فدرال رزرو به جای تلاش بیشتر برای حرکت به سمت اشتغال کامل، اولویت را برای پایین نگه داشتن تورم قرار دهد) خسارت پدیدار ناشی از رکود بزرگ در حوزه اشتغال در بازارهای مالی، به شکل خیره‌کننده و غیرقابل انتظاری، به کم‌ترین حد خود از بحران مالی ۲۰۰۸ رسید. به لطف اقدامات یلن، اقتصاد آمریکا، بار دیگر نرخ بیکاری نزدیک به معیار و استاندارد بلندمدت، عدم پایداری رکود منابع انسانی در بازارهای مالی و بازگشت به اشتغال کامل را تجربه کرد. به همین دلیل در دوره مدیریت یلن، ما شاهد کاهش شدید نرخ بیکاری ایالات متحده تا مرز ۳٫۱ درصد بوده‌ایم (زاستاکتون، ۲۰۱۹).

یکی از مهم‌ترین تصمیمات یلن برای دستیابی به نرخ بیکاری شگفت‌انگیز در این دوره ۴ ساله، گذر کردن روند معکوس‌پذیری سریع محرک‌های پولی بود. زمانی که جنت یلن رئیس فدرال رزرو شد، این نهاد دیگر دارایی‌های بلندمدت جدید تحت برنامه LSAP را خریداری نمی‌کرد. با این حال، جنت یلن به سرمایه‌گذاری مجدد درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری‌های قبلی ادامه داد، تا مانع از سقوط طبیعی دارایی‌های در حال سررسید شدن سهام فدرال رزرو شود. اگر وی این سرمایه‌گذاری‌های مجدد را انجام نمی‌داد، موجودی دارایی‌های نگهداری شده توسط فدرال رزرو به سرعت کاهش می‌یافت و حمایت فدرال رزرو از بهبود اقتصادی به سرعت لغو می‌شد و بر نرخ بیکاری طبیعی و بالقوه به شدت افزوده می‌شد. اما با وجود فشارها و هجمه‌های بی‌رحمانه جمهوری‌خواهان، جنت یلن به اجرای تصمیمات صریح خود در این حوزه پرداخت. جمهوری‌خواهان استدلال می‌کردند که فدرال رزرو می‌بایست بلادرنگ

نرخ اشتغال
زنان به مردان
در سال های
ابتدایی
حضور یلن در
فدرال رزرو، به
متناسب ترین
سطح استاندارد
بلندمدت خود
بازگشت

موقعیت های شغلی به دوره قبل از بحران ۲۰۰۸ (فاصله سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸)، به این مهم دست یافته بود، نرخ اشتغال پاره وقت در بازه زمانی ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ کاهش یافته و نیروی کار بالقوه در ایالات متحده (زنان و مردان) به سمت جایگاه های شغلی تمام وقت دارای حقوق و مزایای بالاتر، سوق داده شدند (زاستاکتون، ۲۰۱۹).

انتقادات سرسختانه به یک رئیس زن، جمهوری خواهان حضور او را برناتفاقد

یکی از مهم ترین چالش های دوران ریاست جنت یلن بر فدرال رزرو، انتقادات و مخالفت های سرسختانه و بی مهابای صاحب نظران مالی و اقتصادی، به ویژه مقامات اقتصادی کابینه دونالد ترامپ، سناتورها و نمایندگان طرفدار سیاست های حزب جمهوری خواه، به رویکردهای مدیریتی وی بر فدرال رزرو بوده است. مایکل اندرسون، مشاور اقتصادی باراک اوباما و جو بایدن معتقد است که بسیاری از چالش های جنت یلن در مقام ریاست بانک مرکزی آمریکا، به دلیل دیدگاه های جنسیت زده جمهوری خواهان و به ویژه اطرافیان ترامپ به سبب قرار گرفتن یک زن در بالاترین مقام پولی ایالات متحده، به وقوع پیوسته است (نیویورک تایمز، ۲۰۲۰).

البته علاوه بر وجود چنین چالش های ناشی از تفکرات مسموم و ناخوشایند، جنت یلن با برخی انتقادات فنی و محتوایی نسبت به تصمیم سازی ها، اقدامات و عملکردهای خود در مقام ریاست فدرال رزرو نیز روبرو بوده است:

- استیون منوچین، رئیس کمپین مالی ریاست جمهوری دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ و هفتاد و هفتمین وزیر خزانه داری ایالات متحده که از مخالفان و منتقدان سرسخت جنت یلن به شمار می رفت، معتقد بود که اقدامات و سیاست های به کار گرفته شده توسط یلن در جایگاه رئیس فدرال رزرو، بیشتر از آنکه معطوف به مسئله ثبات قیمت و کنترل تورم باشد، معطوف به کاهش و کنترل نرخ بیکاری بوده و چنین امری، فقط موجب بهبود اوضاع صنایع و به نفع ثروتمندان آمریکایی بوده و نتوانسته رفاه جامعه متوسط رو به پایین این کشور را متحول کند. این اظهار نظر در حالی صورت گرفته است که میانگین نرخ تورم در پایان دوره مدیریت یلن، به ۱،۴ درصد رسید که در ۱۷ سال گذشته، بی سابقه بوده است (بروکینگز، ۲۰۲۱).

- ویلبر راس، سرمایه گذار و وزیر بازرگانی ایالات متحده در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ که به "پادشاه نجات بخش

و قاطعانه، حمایت های مالی خود از بازارها را قطع کند تا پروژه مهار تورم دچار خدشه نشود. اما از نظر یلن، این دیدگاه، کاملاً اشتباه بود. او اعتقاد داشت که کاهش شدید و سلب قطعی حمایت های فدرال رزرو برای کنترل متغیرهای پولی و قیمتی در کوتاه مدت، بهبود اساسی، بنیادین و غیرتورمی بازار کار را قربانی خواهد کرد (یلن، ۲۰۱۷).

نکته مهم این است که کاهش سریع نرخ بیکاری رسمی از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸، ناشی از افزایش مشارکت نیروی کار به دلیل افزایش پویایی بازارها و خروج از رکود نسبی، افزایش میزان موقعیت های شغلی متناسب خلق شده و در نتیجه آن، بهبود مولفه های اشتغال کامل بوده است. یعنی کارگران بالقوه ای که احتمالاً فعالانه در جستجوی کار در یک اقتصاد سالم تر بوده اند، در بازه زمانی ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸، به دلیل بهبود قابل توجه متغیرهای بازار کار، امکان قرار گرفتن در جایگاه های کاری و شغلی متناسب به دست آورده اند (اکنونیک پالیسی، ۲۰۱۷).

از سوی دیگر، با توجه به افزایش قابل توجه در نرخ بازنشستگی که به همت تیم تصمیم سازی و عملیاتی جنت یلن و با ارائه دستورالعمل های سازمانی متناسبی که با حمایت کنگره و مجلس سنای آمریکا در جهت افزایش نرخ رفاه در سنین پایانی نزدیک به بازنشستگی افراد صورت پذیرفت، مشاغل بیشتری (بیش از ۱۷،۵ درصد) برای کارگران جوان تر نسبت به موارد دیگر بازگشایی شد (واشنگتن پست، ۲۰۱۷).

موضوع مهم دیگر در حوزه اشتغال در دوره ریاست جنت یلن بر فدرال رزرو این بود که برای اولین بار پس از گذشت چندین دهه از بحران بیکاری فزاینده در دهه ۱۹۷۰، شاهد افزایش قابل توجه در نرخ مشارکت کاری و شغلی زنان در جامعه آمریکا بودیم، به طوری که نمودار نشان می دهد نرخ اشتغال زنان به مردان، در سال های ابتدایی حضور یلن در فدرال رزرو، به متناسب ترین سطح استاندارد بلندمدت خود بازگشت و وقوع چنین فرایندی، این امکان را فراهم کرد که تا پایان سال ۲۰۱۸، این نرخ به سطح اشتغال کامل زنان در میانگین بلندمدت، نزدیک شود (اکنونیک پالیسی، ۲۰۱۷).

همچنین به سبب برنامه ریزی های مدون و تصمیم سازی های بهینه جنت یلن در زمینه بهبود مولفه های اشتغال و افزایش فراینده و خلق موقعیت های شغلی ایده آل که با اتکا به سرعت بخشی به رشد تولید ناخالص داخلی و متعاقب آن، افزایش سرعت بازگشت درآمد های



ریاست
جنت یلن بر
بانک مرکزی
آمریکا در تاریخ
۳ فوریه ۲۰۱۴
آغاز و در تاریخ
۳ فوریه ۲۰۱۸
دقیقاً پس از
مدت ۴ سال
به پایان رسید

ورشکستگی‌ها" معروف است، بیان می‌دارد سیاست غلط افزایش شدید نرخ بهره در دوره مدیریت جنت یلن در فدرال رزرو و دور کردن اقتصاد آمریکا از نرخ‌های فدرال فوق‌العاده پایین (که تا سال‌ها موجب ثبات قیمت‌ها و مهار تورم در اقتصاد آمریکا شده بود) و همچنین کاهش ارائه تسهیلات کمی، منجر به رکود سرمایه و کاهش شدید سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در اقتصاد ایالات متحده در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ شد (نیویورک تایمز، ۲۰۲۰).

• بن کارسون، وزیر مسکن و توسعه شهری ایالات متحده در دولت دونالد ترامپ، رکود و شرایط نامساعد صنعت ساختمان و وضعیت نامطلوب توسعه مسکن، به ویژه مسکن برای اقشار ضعیف جامعه آمریکایی را حاصل اقدامات و سیاست‌های نادرست جنت یلن در بازه چهارساله ریاست بر بانک مرکزی آمریکا در حوزه مسکن می‌داند (بروکینگز، ۲۰۲۱).

فعالیت‌های جنت یلن در دوران پسافدرال رزرو

جنت یلن سخنرانی خداحافظی خود برای کارکنان فدرال رزرو را در فوریه ۲۰۱۸ انجام داد و در مراسمی باشکوه، بدرقه شد. یلن پس از خروج از جایگاه ریاست فدرال رزرو، تا به امروز، در یک سمت مهم آکادمیک و پژوهشی و یک منصب برجسته مالی دولتی در ایالات متحده، خدمت کرده و می‌کند.

* در ۵ فوریه ۲۰۱۸، موسسه بروکینگز اعلام کرد که جنت یلن به عنوان یک شخصیت برجسته دانشگاهی و متخصص سیاست‌های بازار کار و اشتغال، به برنامه ویژه مطالعات اقتصادی و اتاق فکر تخصصی این نهاد تحقیقاتی، ملحق شده است (بروکینگز، ۲۰۲۱).

* در ۳۰ نوامبر ۲۰۲۰، جنت یلن از سوی رئیس‌جمهور آمریکا، جو بایدن، به عنوان نامزد واجد شرایط برای قرارگرفتن در پست وزارت خزانه‌داری ایالات متحده معرفی شد و جایگاه آکادمیک خود در بروکینگز را ترک کرد. در ۲۴ ژانویه ۲۰۲۱ کمیته اقتصادی مجلس سنای آمریکا با ۲۶ رای موافق و بدون هیچ رای مخالفی، صلاحیت یلن را برای این پست تأیید کرد. همچنین در ۲۵ ژانویه ۲۰۲۱ نیز او در صحن اصلی مجلس سنا توانست با گرفتن ۸۴ رای موافق، در برابر ۱۴ رای مخالف، به عنوان وزیر خزانه‌داری آمریکا انتخاب و از ۲۶ ژانویه ۲۰۲۱، کار خود را آغاز نماید. جو بایدن در ابلاغیه حکم وزارت خزانه‌داری برای جنت یلن، او را به عنوان یکی

از مهم‌ترین متفکران اقتصادی عصر حاضر که رسالت خود را بر اشتغال و شان کار گذارده است، ستود (موزه ملی تاریخ زنان آمریکا، ۲۰۲۳).

بدین ترتیب، جنت یلن اولین وزیر زن خزانه‌داری و اولین فردی در تاریخ آمریکا شد که سه نهاد اقتصادی قدرتمند در دولت فدرال ایالات متحده، یعنی وزارت خزانه‌داری، فدرال رزرو و شورای مشاوران اقتصادی کاخ سفید را رهبری کرده است.

منابع:

1. Yellen, Janet L, "Financial Stability a Decade after the Onset of the Crisis", working paper in Fostering a Dynamic Global Recovery, a symposium sponsored by the Federal Reserve Bank of Kansas City, 2017.
2. Zastockton, David J., "Five Challenges for Janet Yellen at the Federal Reserve", Working Paper in Peterson Institute for International Economics, 2019.
3. <https://www.bis.org/review/r171024d.htm>
4. <https://www.britannica.com/biography/Janet-Yellen>
5. <https://www.federalreservehistory.org/people/janet-l-yellen>
6. <https://www.forbes.com/profile/janet-yellen/>
7. <https://www.womenshistory.org/education-resources/biographies/janet-yellen>
8. <https://www.brookings.edu/articles/the-challenges-yellen-bequeaths-powell/>
9. <https://www.nytimes.com/2020/11/24/business/dealbook/janet-yellen-treasury.html>
10. <https://www.washingtonpost.com/news/wonk/wp/2017/12/13/janet-l-yellen-americas-first-female-fed-chair-finishes-to-standing-ovation/>
11. <https://www.epi.org/publication/impressive-incomplete-and-under-threat-janet-yellens-legacy-at-the-federal-reserve/>

دکتر آمنه نادعلی زاده، سخنگوی اجرای قانون چک بانک مرکزی
در گفتگو با تازه‌های اقتصاد:

سرویس استعلام «چک‌های در راه» فعال می‌شود



- قابلیت استعلام "چک‌های در راه" بزودی به سرویس استعلامی چک افزوده و اطلاعات چک‌هایی که فرد صادر کرده و هنوز تسویه نشده نیز به ذینفع ارائه می‌شود
- از ابتدای مهرماه، چک‌های قدیمی فقط در شعب بانک صادرکننده قابل نقد شدن است و قابلیت تبادل به صورت بین بانکی را نخواهند داشت
- در حال حاضر ۱۰ بانک خدمات چک دیجیتال را ارائه می‌دهند

۳۹



اقتصاد تازه‌ها

● شماره ۱۲ - مهر ۱۴۰۲ ●

در تیرماه سال جاری، ۹۰ درصد چک‌هایی که در سامانه چکاوک وصول شدند را چک‌های جدید تشکیل داده‌اند، یعنی اقبال مردم از چک‌های جدید بسیار زیاد بوده است

چند سالی است که قانون جدید چک تصویب و از سوی نظام بانکی کشور عملیاتی شده است. چاپک‌سازی، ایجاد امکانات جدید در دریافت و پرداخت چک، مجازی شدن پروسه کارسازی چک و از همه مهم‌تر، بازگرداندن اعتبار به چک و اعمال مقررات سختگیرانه در صدور چک‌های بلامحل، از مهم‌ترین تحولاتی بوده که در این زمینه ایجاد شده است. یکی از مهم‌ترین مسائل در استفاده از چک‌های بانکی در گذشته، امکان جعل چک و امضاء و یا صدور چک‌های بلامحل بوده که پروسه پیگیری قضایی طولانی و بعضاً ناکارآمدی نیز داشته است. در مجموعه قوانین جدید برای مقابله با سوءاستفاده برخی از دسته چک و تخریب کارکرد چک در اقتصاد ایران، قانونگذار، پیش‌بینی‌های مناسبی را انجام داده است. برای اطلاع از آخرین اقدامات صورت گرفته، روند طی شده برای اجرای کامل قوانین چک، همچنین ایجاد امکانات جدید برای چک و... با دکترا ناهید علی‌زاده، سخنگوی اجرای قانون چک بانک مرکزی گفتگویی انجام شده که در زیر می‌آید:

قانون جدید چک در سال ۹۷ تصویب شد و تاکنون مواد آن گام به گام توسط بانک مرکزی اجرایی شده است، به صورت اجمالی توضیح دهید که چه اقداماتی تاکنون انجام شده و بانک مرکزی چه برنامه‌های دیگری دارد؟

قانون اصلاح قانون صدور چک، سال ۹۷ در مجلس تصویب و برای اجرای بندهای مختلف آن مدت زمان‌های متنوعی ارائه شد. یکی از مهم‌ترین بندهای این قانون به ثبت الکترونیکی چک اشاره دارد، یعنی صادرکننده ملزم شده، همزمان با صدور چک، اقلام اطلاعاتی هویت‌گیرنده چک، تاریخ چک و مبلغ چک را متناظر در یک سامانه ثبت سیستمی کند و هدف این کار این بود که یکسری اقدامات پیشگیرانه در خصوص صادرکننده اجرا شود. قبل از این قانون، وقتی فرد دسته چکی را دریافت می‌کرد می‌توانست تا برگ آخر آن را مصرف کند، ولی با اجرای این قانون الزام شده که در هر بار صدور چک، اعتبارسنجی فرد اتفاق بیافتد و اگر چک برگشتی دارد، دیگر اجازه صدور چک جدید را پیدا نکند. بنابراین نگاه این قانون به یکسری

اقدامات پیشگیرانه بوده و اقدامات پیشینی را جایگزین تنبیهات پسینی کرده است. از سال ۹۹ با توجه به مدت زمانی که مشخص شده بود این اتفاق افتاد و روند اجرایی در دستور کار بانک مرکزی قرار گرفت و البته مصادف با شیوع کرونا شد که خود همین مسئله باعث شد یکسری مشکلات در روند اجرا ایجاد شود. افراد به شعب بانکی مراجعه نمی‌کردند، مراودات مردم با یکدیگر کمتر شده بود و فرصت فرهنگ‌سازی را به نوعی از بانک مرکزی گرفته بود. بنابراین بانک مرکزی تصمیم گرفت سه ماه فاز آزمایشی را اجرا کند و بعد از فاز آزمایشی وارد فاز عملیاتی شود. بنابراین از دی ماه سال ۹۹ اپلیکیشن‌های پرداخت را ملزم کرد که در مورد دسته چک‌هایی که دست اشخاص بودند، خدمات ثبت چک را به مردم ارائه کنند و مردم می‌توانستند از دی ماه سال ۹۹ همان چک‌های قدیمی را بدون اینکه اثری در بازار داشته باشد، ثبت سیستمی کنند یا انتقال دهند تا بانحوه کار با سامانه صیاد آشنا شوند.

از ابتدای سال ۱۴۰۰ بانک مرکزی دسته چک‌های جدیدی را ارائه بازار کرد که بنفش رنگ بود و روی آن یک عبارت تأکیدی داشت، مبنی بر اینکه این چک برای کارسازی حتماً باید ثبت سیستمی شود. یعنی از ابتدای سال ۱۴۰۰، حالت اختیاری وجود نداشت و اگر چک‌های بنفش رنگ ثبت سیستمی نمی‌شدند، بانک امکان پرداخت مبلغ این چک‌ها را نداشت. بنابراین به موجب قانون، چک بدون ثبت دیگر فقط یک سند بدهی محسوب می‌شد، اما به نوعی از حالت چک خارج بود و بانک مکلف بود مبلغ چک را پرداخت نکند. براین اساس به تدریج آموزش‌های لازم ارائه و کار فرهنگ‌سازی انجام و به افراد آموزش داده شد که در زمان ثبت چک باید چه اقداماتی انجام دهند. این اقدامات فقط محدود به صادرکننده نبود و ذینفع چک نیز باید یکسری وظایف را انجام می‌داد و زمانی که چکی را از صادرکننده دریافت می‌کرد باید به سیستم صیاد مراجعه و اطلاعات چک را روی برگه و سیستم مقایسه می‌کرد و اگر همخوانی داشت مراتب تأیید را در سامانه صیاد اعلام می‌کرد. در ادامه اگر می‌خواست چک را نقد کند، به بانک مراجعه می‌کرد و برای انتقال به شخص سوم نیز باید حتماً اطلاعات هویتی شخص سوم را به سامانه صیاد وارد می‌کرد.

بنابراین این اتفاقات سیستمی از سال ۱۴۰۰ شروع شد تا به امروز که می‌بینیم مردم بسیار راحت‌تر با این سامانه‌ها ارتباط برقرار کرده‌اند و البته بانک مرکزی به مرور زمان امکانات مختلفی را برای ثبت و صدور چک‌های صیادی فراهم کرد. در

آمار چک‌های
برگشتی از ۱۸
درصد در سال
۹۶ به زیر ۷
درصد در حال
حاضر رسیده
است

صادرکننده چک را مورد استعلام قرار داد. این سوابق شامل چک‌های برگشتی صادرکننده و همچنین اینکه چه مقدار از چک‌های برگشتی رفع سوءاثر شده‌اند، است. یعنی یک رفتار مناسبی از صادرکننده چک به ذینفع نمایش داده می‌شود، بنابراین ذینفع راغب می‌شود که از این چک‌ها استفاده کند. ضمن اینکه اگر فرد چک برگشتی داشته باشد، امکان صدور چک جدید ندارد و این موارد همه کمک می‌کند که یک انضباط مالی ایجاد شود و اقبال به چک‌های صیادی افزایش یابد.

اجرای قانون جدید و ورود چک‌های صیادی، چه تاثیری بر اعتباربخشی به چک و کاهش چک‌های برگشتی داشته است؟

واقعیت این است که قبل از تصویب قانون که سال ۹۷ اتفاق افتاد، بانک مرکزی در سال ۹۳ یکسری زیربناهایی برای اجرای این قانون ایجاد کرده بود. اولین اقدامی که بانک مرکزی انجام داد، راه‌اندازی سامانه‌ای تحت عنوان سامانه چکاوک بود که تسویه و پایایی چک‌ها در این سامانه اتفاق می‌افتاد. در سال ۹۶ بانک مرکزی سامانه دیگری را تحت عنوان سامانه صیاد رونمایی کرد که صدور یکپارچه الکترونیک دسته چک بود و این سامانه موظف بود به صورت الکترونیکی دسته چک صادر کند و به افرادی دسته چک داده می‌شد که حائز شرایطی بودند، مثلاً افرادی که چک برگشتی داشتند یا مشمول ماده ۷ قانون صدور چک می‌شدند یا بدهی داشتند، نمی‌توانستند دسته چک بگیرند.

سال ۹۶ آمار چک برگشتی ۱۸ درصد بود، پس از گذشت مدت کوتاهی از رونمایی سامانه صیاد در سال ۹۶، آمار چک برگشتی به ۱۴ درصد کاهش یافت. در سال ۱۴۰۰ که این قانون اجرایی شد، بر اقداماتی که قبلاً بانک مرکزی انجام داده بود

ابتدا سوپرآپ‌ها مانند اپلیکیشن‌های پرداخت آپ، تاپ و ۷۲۴ بودند که این خدمات را ارائه می‌دادند، در ادامه درگاه‌های نوین بانکی مانند اینترنت بانک‌ها و همراه بانک‌ها اضافه شدند و خودپردازهای بانکی و همچنین کیوسک‌ها موظف شدند که خدمات مرتبط با چک صیادی را ارائه کنند و در نهایت بانک مرکزی سامانه پیامکی با سرشماره ۰۷۰۱۷۰۴۰۴۰۷ را رونمایی کرد که همه عملیات می‌توانست از طریق پیامک اتفاق بیافتد.

البته پیامک یک تفاوت اساسی با سایر درگاه‌ها داشت، چک‌هایی که کمتر از ۱۵ میلیون تومان باشند را می‌توان از طریق پیامک ثبت و صدور کرد و برای مبالغ بالاتر از ۱۵ میلیون تومان باید حتماً به سایر درگاه‌ها مراجعه شود و این هدف‌گذاری به خاطر پوشش ریسک‌های امنیتی بود که سقف مبلغ ۱۵ میلیون تومان در پیامک در نظر گرفته شد.

در ماه‌های ابتدایی اجرای طرح به نظر می‌رسید که فرآیند انجام کار پیچیدگی‌هایی دارد و مردم و فعالان اقتصادی آن‌طور که باید از چک‌های جدید استقبال نمی‌کنند. در حال حاضر وضعیت به چه صورت است؟

در تیرماه سال جاری، ۹۰ درصد چک‌هایی که در سامانه چکاوک وصول شدند را چک‌های جدید تشکیل داده‌اند، یعنی اقبال مردم بسیار زیاد بوده است. در ماه‌های ابتدای اجرای طرح به این شکل نبود، اما از شهریور سال ۱۴۰۰ یک شیب به شدت صعودی را شاهد بودیم و مشاهده می‌شد که روز به روز تعداد این چک‌ها افزایش پیدا می‌کند و مردم ترجیح می‌دهند در مراودات خود از این چک‌ها استفاده کنند.

یک مزیت دیگری که چک‌های صیادی دارد، این است که می‌توان به راحتی سوابق اعتباری



سال ۹۶ در
هر روز ۱۰ نفر
به خاطر
چک زندانی
می شدند
اما در دوماه
ابتدایی سال
۱۴۰۲ هر سه
روز یک نفر به
آمار زندانیان
چک اضافه
شده و این آمار
نشان دهنده
کاهش ۹۶
درصدی
زندانیان چک
است

انجام دهد، یعنی در زمان صدور چک باید هویت گیرنده، تاریخ چک و مبلغ چک را مشخص کند. استفاده از چک الکترونیک مستلزم استفاده از امضای الکترونیک است. یعنی صادرکننده چک لزوماً باید امضای الکترونیک داشته باشد که تمهیدات آن در حال حاضر فراهم است. ذینفع برای دریافت چک نیاز به امضای الکترونیک ندارد و می تواند شماره ای که به نام وی ثبت شده را به بانک ارائه کند، تاپس از استعمال به نفع ذینفع نقد شود، یا اگر تمایل داشت می تواند چک را به شخص سوم منتقل کند. بنابراین فرآیند اجرایی چک الکترونیک تفاوت زیادی با فرآیند اجرایی چک کاغذی ندارد، چرا که در چک کاغذی باید اقلام اطلاعاتی روی برگ چک و در سامانه صیاد وارد شود و در رابطه با چک الکترونیک تنها کاغذ حذف شده و اقلام اطلاعاتی باید در سامانه وارد شود. البته برای صدور چک الکترونیک باید حتماً امضای الکترونیک داشته باشید.

رونامی این محصول در آبان ۱۴۰۱ اتفاق افتاد و سه بانک صادرات، پارسیان و تجارت این محصول را ارائه کردند. به تدریج به تعداد بانک ها افزوده شده و در حال حاضر ۱۰ بانک خدمات چک دیجیتال را ارائه می دهند و ۲۴ هزار مشتری نیز تحت پوشش این خدمات قرار گرفته اند و بالغ بر ۸۳ هزار فقره چک الکترونیک صادر شده که ۸۸ درصد این چک ها نقد شده است. به مرور زمان هم تعداد بانک های ارائه دهنده محصول چک الکترونیک در حال افزایش است و هم شناخت مردم نسبت به چک الکترونیک بیشتر خواهد شد و قطعاً مطالبه برای استفاده از این چک ها ایجاد خواهد شد.

صحه گذاشت و آنها را تکمیل کرد و در نهایت باعث شد که اعتباری به چک بخشیده شود. امروز که آمار چک های برگشتی را مشاهده می کنیم، به حدود ۷ درصد رسیده و بین ۶.۹ درصد تا ۷.۱ درصد در نوسان است. یعنی آمار از ۱۸ درصد در سال ۹۶ به زیر ۷ درصد رسیده است. همچنین سال ۹۶ در هر روز ۱۰ نفر به خاطر چک زندانی می شدند، اما در دوماه ابتدایی سال ۱۴۰۲ هر سه روز یک نفر به آمار زندانیان چک اضافه شده و این آمار نشان دهنده کاهش ۹۶ درصدی زندانیان چک است.

چک الکترونیک خدمت جدیدی است که شبکه بانکی به مشتریان ارائه می کند، چک های الکترونیک چه تفاوتی با چک های کاغذی دارند و چگونه باید آنها را دریافت کرد؟

در ماده یک قانون اصلاح قانون صدور چک، به موضوع چک الکترونیک اشاره و این اجازه داده شده که چک به صورت داده پیام صادر شود. یعنی فیزیک چک وجود ندارد و دسته چک کاملاً الکترونیکی و در قالب داده پیام تولید می شود. بنابراین در قدم اول که فرد درخواست دسته چک می دهد، یکسری شماره یا ارقام به وی تخصیص داده می شود که این دسته چک دیجیتالی را می تواند در اینترنت بانک خود مشاهده کند. فرد می تواند یکی از شماره ها را انتخاب کند و آن را به عنوان چک مصرف کند. همچنین مشابه همان کاری که برای چک کاغذی انجام می داد را باید

تعداد چک
موردی محدود
است و فرد در
هر سال می تواند
پنج فقره چک
موردی دریافت
کند و در هر بار
تقاضای دو فقره
چک موردی
رامی توان
درخواست کرد

مثل پرداخت شهریه مدرسه یا موارد اینچنینی نیاز به ارائه چک دارند. تعداد چک موردی محدود است و فرد در هر سال می تواند پنج فقره چک موردی دریافت کند و در هر بار تقاضا دو فقره چک موردی رامی توان درخواست کرد.

برای دریافت چک موردی می توان به بانک مراجعه کرد و بانک هادر حال حاضر این سرویس را ارائه می کنند، اما شرط تحویل چک این است که دسته چک نداشته باشید، یعنی فرد باید دارای حساب جاری و فاقد دسته چک باشد.

مهم ترین توصیه شما به دریافت کنندگان چک چیست؟

همیشه تاکید می کنم که این قانون برای حمایت از ذینفعان وضع شده و ذینفع برای اینکه بتواند حقوق خود را دریافت کند بهتر است که در زمانی که چک را دریافت می کند به سامانه صیاد مراجعه کند و از ثبت شدن چک به نفع خود مطمئن شود و در غیر این صورت از دریافت چک خودداری کند.

سرویس استعلام سوابق اعتباری صادرکننده چک در حال حاضر فعال است و پس از ثبت چک در اختیار ذینفع قرار می گیرد، بنابراین قبل از اینکه ذینفع چک را تایید یا رد کند می تواند سوابق اعتباری صادرکننده و چک های برگشتی او را ببیند و سپس تصمیم بگیرد که چک را بپذیرد یا خیر. بنابراین توصیه می کنم حتماً ذینفع به سامانه مراجعه و از این سرویس استعلامی استفاده کند.

این سرویس استعلامی به زودی تکمیل و یک قلم اطلاعاتی دیگر تحت عنوان «چک های در راه» به آن افزوده می شود، یعنی اطلاعات چک هایی که فرد صادر کرده و هنوز تسویه نشده نیز به ذینفع ارائه می شود. این یکی از خدماتی است که در قانون به آن اشاره شده و به زودی به مشتریان ارائه خواهد شد.

دارندگان چک های قدیمی تا چه زمانی قادر به استفاده از دسته چک های خود خواهند بود و آیا الزامی برای تعویض چک هادارند؟

شبکه بانکی در سال ۱۴۰۰ دسته چک های جدیدی را به مردم ارائه کرد که مبتنی بر ماده ۶ قانون جدید چک و بنفش رنگ بود و روی آن عبارات تاکیدی بود که حتماً باید در سیستم صیاد ثبت الکترونیکی شود. بنابراین تعدادی چک برای قبل از سال ۱۴۰۰ داریم که قدیمی محسوب می شوند و برای تبادل نیاز به ثبت صدور وجود ندارد. برای جمع آوری این چک ها مهلت نسبتاً طولانی را در نظر گرفتیم تا مردم با چک های جدید آشنا شوند و خودشان با توجه به عواید مثبتی که این چک ها ایجاد می کنند، مطالبه گر باشند که از چک های جدید استفاده کنند و بنابراین الان زمان مناسبی است که چک های قدیمی جمع آوری شود.

از ابتدای مهرماه چک های قدیمی فقط در بانک خود پاس دهی خواهد شد، یعنی دارنده چک قدیمی باید به بانک صادرکننده چک مراجعه و چک را نقد کند و امکان تبادل بین بانکی وجود نخواهد داشت. بنابراین از ابتدای مهرماه چک های قدیمی فقط در شعب بانک صادرکننده قابل نقد شدن است و قابلیت تبادل به صورت بین بانکی را نخواهند داشت.

چک موردی یکی دیگر از خدماتی است که بانک ها ارائه می کنند، درباره این سرویس توضیح می دهید؟

چک موردی یکی از محصولاتی است که در همین قانون به آن اشاره شده و برای افرادی است که تمایل ندارند دسته چک داشته باشند، اما برای برخی پرداخت ها مانند پرداخت های دوره ای



قبل از دریافت چک، سوابق اعتباری صادرکننده را استعلام کنید

سرویس استعلام سوابق اعتباری صادرکننده چک در حال حاضر فعال است و پس از ثبت چک در اختیار ذینفع قرار می گیرد، بنابراین قبل از اینکه ذینفع، چک را تایید یا رد کند می تواند سوابق اعتباری صادرکننده و چک های برگشتی او را ببیند و سپس تصمیم بگیرد که چک را بپذیرد یا خیر. بنابراین توصیه می کنم حتماً ذینفع به سامانه مراجعه و از این سرویس استعلامی استفاده کند.

علی نفاستیان، دبیر کمیسیون حقوقی قانون بانک هادر گفتگو با تازه‌های اقتصاد:

هشدارهای حقوقی به گیرندگان چک



- زیرساخت‌های لازم برای اجرای دقیق قانون چک فراهم شده و همه امور مربوط به چک از طریق سامانه بانک مرکزی انجام می‌شود
- حجم چک‌های بلامحل تا حدود زیادی کاهش یافته و مردم عملاً چک‌هایی را دریافت می‌کنند که ضریب نقدشوندگی آنها نسبت به چک‌های عادی بالاتر است
- مردم تا زمانی که به صادرکننده چک و حسن عمل وی اعتماد نداشته باشند، از پذیرش چک افراد ناشناخته خودداری کنند

۴۴



اقتصاد

● شماره ۱۲ - مهر ۱۴۰۲ ●

قانون اصلاح قانون صدور چک، از جمله قوانینی است که در یکی دو سال اخیر با محوریت و نظارت بانک مرکزی و همراهی شبکه بانکی، گام به گام به مرحله اجرا رسیده است. این قانون مهم که از آن به عنوان قانون جدید چک نیز یاد می‌شود، ابعاد مختلفی را در بر می‌گیرد که نتایج مثبتی برای صاحبان دسته چک و گیرندگان چک‌های جدید یا همان چک‌های صیادی به همراه داشته است. با آغاز اجرای قانون جدید چک، بانک مرکزی تلاش کرده است ضمن پذیرش و تبادل چک‌های قدیمی (دسته چک‌های صادرشده قبل از سال ۱۴۰۰) به سمتی حرکت کند تا در نهایت فضای دادوستدهای تجاری و مالی مردم و صاحبان کسب و کار، بر بستر چک‌های صیادی شکل بگیرد. رویکردی که در آغاز راه نتایج مثبتی نیز به همراه داشته است. به گونه‌ای که از سال ۱۳۹۶ تا فروردین ماه ۱۴۰۲، تعداد زندانیان چک‌های برگشتی ۹۶ درصد کاهش یافته و این روند گاهشی تداوم داشته است. همچنین ضریب نفوذ چک‌های جدید در مبادلات چک از ۶۱ درصد در سال ۱۴۰۰ به بیش از ۸۹ درصد در تیرماه ۱۴۰۲ افزایش داشته است که این موضوع نمایانگر درصد بالای استفاده از چک‌های جدید در بین کاربران است. در این زمینه، هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد با علی نفاذیان، دبیر کمیسیون حقوقی قانون بانک‌ها گفتگویی انجام داده است که در ادامه می‌خوانید.

مزایای قانون جدید چک برای فعالان اقتصادی چه بوده و چقدر در بازگشت اعتبار به چک نقش داشته است؟

قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب سال ۱۳۹۷، قانونی به شدت سامانه محور است.

اجرای دقیق این قانون نیازمند هماهنگی کامل بین شبکه بانکی کشور و بانک مرکزی برای فراهم‌سازی زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مورد نیاز بوده است. در این زمینه با تلاش مستمر همکاران فناوری بانک مرکزی و شبکه بانکی کشور، در حال حاضر تقریباً زیرساخت‌های لازم، البته با صرف هزینه‌های کلان برای اجرای دقیق قانون فراهم شده و همه امور مربوط به اعتبارسنجی و صدور و نقد کردن یا برگشت چک بلامحل، از طریق سامانه بانک مرکزی که مرتبط با سامانه‌های شبکه بانکی کشور است، انجام می‌شود. بدین ترتیب فعالان اقتصادی با اتکاء بر اعتبارسنجی که سیستم بانکی و نیز بانک مرکزی از متقاضی صدور دسته چک به عمل می‌آورند، این اطمینان خاطر را دارند که صادرکننده چک در آن حد از اعتبار بانکی و اجتماعی برخوردار است که بتواند دسته چک دریافت و چک صادر کند. افزون بر آن، بر اساس مقررات جدید پس از پذیرش سیستمی چک توسط فردی که چک به نام او صادر شده است، مالکیت چک از صادرکننده چک خود به خود به او منتقل خواهد شد. نقل و انتقال بعدی چک نیز تابع همین قاعده است. این مطلب بدین معناست که گردش چک صادر شده بین افراد مختلف از نظر سیستمی کاملاً مشخص است، بنابراین در صورت اجرای دقیق مقررات قانون صدور چک، بدون شک اعتبار چک به عنوان یک سند معتبر بانکی در جامعه اقتصادی کشور نهادینه خواهد شد و دل‌نگرانی فعالان اقتصادی از نقد نشدن چک و ناشناس بودن نقل و انتقال و ظهرونی چک‌های صیادی کاهش خواهد یافت.

محدودیت‌هایی که برای صادرکنندگان چک‌های برگشتی ایجاد شده را چقدر در کاهش چک‌های بلامحل تأثیرگذار می‌دانید و پیشنهاد

در صورت اجرای دقیق مقررات قانون صدور چک، بدون شک اعتبار چک به عنوان یک سند معتبر بانکی در جامعه اقتصادی کشور نهادینه خواهد شد



زمان مراجعه به دادگاه دارندگان چک بلامحل

اگر دارندگان چک بلامحل قصد تعقیب کیفری صادرکننده چک بلامحل را داشته باشند حتماً مهلت‌های تعیین شده در قانون صدور چک را رعایت کنند وگرنه چک بلامحل قابلیت تعقیب کیفری صادرکننده را از دست خواهد داد.

در زمان دریافت چک هم صادرکننده و هم دریافت کننده باید چک را حتماً در سامانه بانک مرکزی ثبت کنند

شما برای کاهش بیشترین آمار چیست؟

به طور طبیعی محرومیت کسی که پس از طی فرایند اعتبارسنجی موفق به دریافت دسته چک از بانک می شود در کاهش صدور چک های بلامحل کارا و موثر است. در این زمینه باید به این نکته اساسی توجه شود که بر اساس قانون جدید چک، علاوه بر مجازات های قانونی ناشی از جرم صدور چک بلامحل مشمول محرومیت های بانکی نیز خواهد شد. زیرا قانون در این مورد صراحت دارد که: «... بعد از ثبت غیرقابل پرداخت بودن یا کسری مبلغ چک در سامانه یکپارچه بانک مرکزی، این سامانه مراتب را به صورت برخط به تمام بانک ها و موسسات اعتباری اطلاع می دهد. پس از گذشت ۲۴ ساعت، تمامی بانک ها و موسسات اعتباری خسب مورد مکلفاند تا هنگام رفع سوء اثر از چک، اقدامات زیر را نسبت به صاحب حساب اعمال نمایند:

- الف- عدم افتتاح هرگونه حساب و صدور کارت بانکی جدید
 - ب- مسدود کردن وجوه تمامی حساب ها و کارت های بانکی و هر مبلغ متعلق به صادرکننده که تحت هر عنوان نزد بانک یا موسسه اعتباری دارد، به میزان کسری مبلغ چک به ترتیب اعلامی از سوی بانک مرکزی
 - ج- عدم پرداخت هرگونه تسهیلات بانکی یا صدور ضمانت نامه های ارزی یا ریالی
 - د- عدم گشایش اعتبار اسنادی ارزی یا ریالی
- همچنین چنانچه اعمال محرومیت های مذکور در بندهای (الف)، (ج) و (د) در خصوص بنگاه های اقتصادی با توجه به شرایط، اوضاع و احوال اقتصادی موجب اخلال در امنیت اقتصادی استان مربوط شود، به تشخیص شورای تامین استان موارد مذکور به مدت یک سال به حالت

تعلیق در می آید. آیین نامه اجرایی این تبصره با در نظر گرفتن معیارهایی مانند میزان تولید و صادرات بنگاه و تعداد افراد شاغل در آن، ظرف مدت سه ماه از لازم الاجرا شدن این قانون به پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی به تصویب هیات وزیران می رسد. با توجه به این مقررات، به نظر می رسد محرومیت های بانکی برای صادرکنندگان چک بلامحل، قطعاً دارای جنبه بازدارندگی خواهد بود و از حجم چک های بلامحل می کاهد.

رفته رفته شاهد استقبال مردم از چک های جدید و کاربرد بیشتر چک در معاملات هستیم. این اتفاق چه مزایایی برای مردم و بانک ها دارد؟

مزیت اجرایی شدن مقررات قانون جدید چک برای مردم آن است که تا حدود زیادی از حجم چک های بلامحل کاسته می شود و مردم عملاً چک هایی را دریافت خواهند کرد که ضریب نقدشوندگی آنها نسبت به چک های عادی بالاتر است. به علاوه، چرخه نقل و انتقال چک نیز در سیستم کاملاً مشخص و خالی از ابهام است. افزون بر این، دارنده چک بلامحل می تواند با در اختیار داشتن گواهی عدم پرداخت، البته مشروط به داشتن کد رهگیری سیستمی بانک مرکزی، به اجرای دادگاه مراجعه و اموال صادرکننده را توقیف نماید و مبلغ چک را وصول کند.

طبق قانون برنامه پنج ساله هفتم بانک مرکزی باید تا سه سال آینده چک های کاغذی را حذف و چک های دیجیتال را جایگزین کند؟ این اقدام چه اثرات مثبتی خواهد داشت؟

برش



جلوگیری از پولشویی و فرار مالیاتی با چک الکترونیک

حذف لاشه کاغذی چک و محوریت صدور چک الکترونیکی قطعاً خیلی از مشکلات حقوقی مردم را حل خواهد کرد. مثلاً دیگر بین مردم و مراجع قضایی مشکلی به نام تعیین تاریخ دقیق زمان صدور چک و مغایرت آن با تاریخ درج شده در لاشه کاغذی چک وجود نخواهد داشت. همچنین هم صادرکننده و هم دریافت کنندگان چک، هویتی کاملاً شناخته شده در سیستم دارند. این ویژگی سامانه ای چک از جرایم پولشویی یا فرار مالیاتی پیشگیری خواهد کرد.



اگر چک نقد
نشد و منتهی
به صدور گواهی
عدم پرداخت
شد دارنده
چک باید دقت
کند که از بانک
مربوطه کد
رهگیری
بانک مرکزی
را مطالبه و در
گواهی عدم
صدور قید کند
وگرنه گواهی
عدم صدور
بدون کد
رهگیری ارزش
نخواهد داشت



ارزش نخواهد داشت. ضمناً توصیه می‌کنم، اگر دارندگان چک بلامحل قصد تعقیب کیفری صادرکننده چک بلامحل را داشته باشند حتماً مهلت‌های تعیین شده در قانون صدور چک را رعایت کنند، وگرنه چک بلامحل قابلیت تعقیب کیفری صادرکننده را از دست خواهد داد. زیرا ماده یک قانون صدور چک در این مورد گفته است: «... جرایم مذکور در این قانون بدون شکایت دارنده چک قابل تعقیب نیست و در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ صدور چک برای وصول آن به بانک مراجعه ننماید یا ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت ننماید، دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت.»

منظور از دارنده چک در این ماده، شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است. برای تشخیص اینکه چه کسی اولین بار برای وصول چک به بانک مراجعه کرده است، بانک‌ها مکلف‌اند به محض مراجعه دارنده چک، هویت کامل او را در پشت چک با ذکر تاریخ قید نمایند. کسی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل شده، حق شکایت کیفری نخواهد داشت، مگر آنکه انتقال قهری باشد. همچنین خاتمه یا رفع محرومیت‌های بانکی ناشی از صدور چک بلامحل نیز مستلزم رفع سوءاثر از چک بلامحل است، وگرنه محرومیت‌ها ادامه خواهد داشت. آخرین توصیه حقوقی در مورد چک نیز آن است که مردم تا زمانی که به صادرکننده چک و حسن عمل وی اعتماد نداشته باشند، از پذیرش چک افراد ناشناخته خودداری کنند.

قانون برنامه هفتم توسعه هنوز به تصویب نهایی نرسیده است، اما اساس مقررات جدید چک، سامانه محور بودن آن است. حذف لاشه کاغذی چک و محوریت صدور چک الکترونیکی، قطعاً خیلی از مشکلات حقوقی مردم را حل خواهد کرد. مثلاً دیگر بین مردم و مراجع قضایی مشکلی به نام تعیین تاریخ دقیق زمان صدور چک و مغایرت آن با تاریخ درج شده در لاشه کاغذی چک وجود نخواهد داشت. همچنین هم صادرکننده و هم دریافت‌کنندگان چک، هویتی کاملاً شناخته شده در سیستم دارند. این ویژگی سامانه‌ای چک از جرایم پولشویی یا فرار مالیاتی نیز پیشگیری خواهد کرد.

از بعد حقوقی، چه توصیه‌هایی برای صادرکنندگان و ذینفعان چک در زمان مبادله دارید؟

توصیه حقوقی به مردم آن است که در زمان دریافت چک، هم صادرکننده و هم دریافت‌کننده باید چک را حتماً در سامانه بانک مرکزی ثبت کنند. بنا به نظر رسمی حقوقی بانک مرکزی، چک اگر در سامانه به ثبت نرسیده باشد، چک محسوب نخواهد شد و مشمول امتیازات و مزایای قانون جدید چک نخواهد بود. در واقع چک ثبت نشده، مانند یک سند عادی است. پس دقت در این مورد بسیار ضروری است. علاوه بر آن، اگر چک نقد نشد و منتهی به صدور گواهی عدم پرداخت شد، دارنده چک باید دقت کند که از بانک مربوطه کد رهگیری بانک مرکزی را مطالبه و در گواهی عدم صدور قید کند، وگرنه گواهی عدم صدور بدون کد رهگیری



مخاطرات چک‌های کاغذی رفع شد

- چک‌های الکترونیکی مشابه چک‌های سنتی هستند و احتمال می‌رود روزی به صورت کامل جایگزین آن شود
- چک دیجیتال یا الکترونیکی، ماهیتی مشابه چک کاغذی دارد و تمامی مقررات چک کاغذی در مورد آن صدق می‌کند

و نرم افزارهای مورد نیاز، از جمله این چالش‌ها است. در ایران نیز بانک مرکزی با راه‌اندازی سامانه چکاد در نیمه دوم سال ۱۴۰۱، بستر مناسب برای استفاده از چک الکترونیک و رفع مخاطرات احتمالی چک‌های کاغذی را ایجاد کرد.

به عبارت دیگر، چک الکترونیک نوعی از چک است که تمام عملکرد آن و تمام مراحل صدور چک، دریافت و تایید اطلاعات آن و انتقال چک به شخص دیگر، به صورت آنلاین و سیستمی بر بستر اینترنت اجرا خواهد شد. به همین سبب می‌توان گفت، چک الکترونیکی با چک دیجیتال مانند خدمات ارائه شده توسط درگاه پرداخت بانک‌ها که نیاز مراجعه به شعبات بانک‌ها را به حداقل رسانده است، از دستاوردهای ارزشمند بانکداری نوین به شمار می‌رود. در فرایند انتقال پول توسط این نوع از چک‌ها، پول را از حساب جاری پرداخت‌کننده، برداشت می‌کنند و از طریق پردازشگر و مستقیماً بدون دخالت کارمندان بانک، به حساب جاری دریافت‌کننده منتقل می‌شود. چک دیجیتال درست مانند چک‌های کاغذی عمل می‌کند و تمامی اطلاعاتی که طبق قانون جدید چک در ایران باید روی چک‌های کاغذی پیاده شود، به صورت الکترونیکی در سامانه چک الکترونیکی ثبت و به صورت خودکار بر روی چک دیجیتال درج می‌شود.

چک دیجیتال از زیر مجموعه‌های انتقال وجه الکترونیکی (EFT) به شمار می‌رود که مانند دیگر

چک‌های کاغذی سنتی یکی از مرسوم‌ترین روش‌های پرداخت و انتقال پول است که دهه‌ها توانسته وظیفه خود را به خوبی انجام دهد. اما پیشرفت تکنولوژی این ابزار قدیمی و مفید را نیز دچار تحول کرده و ابزاری جدید با نام چک الکترونیکی (eCheck) را به وجود آورده است. از همین مقدمه کوتاه مشخص است که چک‌های الکترونیکی مشابه چک‌های سنتی هستند و احتمال می‌رود روزی به صورت کامل جایگزین آن شود.

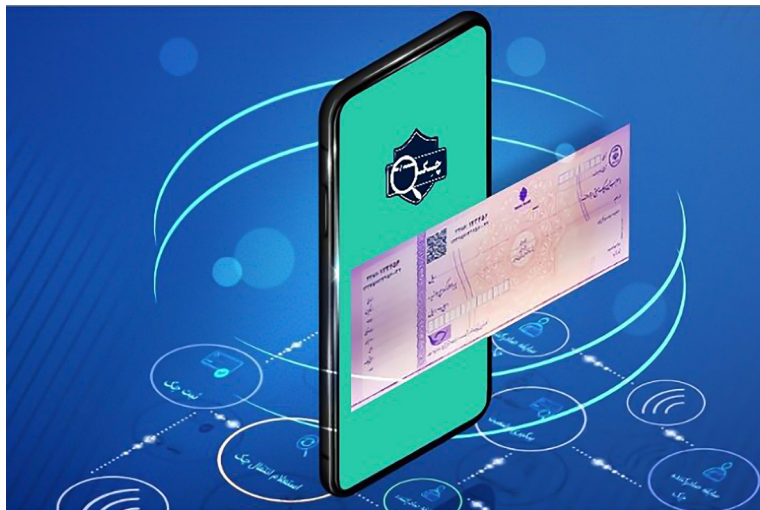
چک دیجیتال یا الکترونیکی، ماهیتی مشابه چک کاغذی دارد و تمامی مقررات چک کاغذی در مورد آن صدق می‌کند. در چک دیجیتال، کاغذ از موجودیت چک حذف و با استفاده از امضای دیجیتال، چک معتبر می‌شود. در این خصوص سامانه‌های مختلفی با هدف ایجاد بستر امن بین بانکی برای ارائه چک دیجیتال و برطرف کردن مشکلات چک فیزیکی سنتی ایجاد شده و بانک‌ها با بهره‌گیری از سرویس‌های ارائه شده توسط این سامانه‌ها می‌توانند سرویس‌های چک الکترونیکی را به مشتریان خود عرضه کنند. تقاضای مشتریان برای خدمات که محدود به زمان و مکان نباشد، همچنین الزامات زمانی عرضه محصول به بازار، چالش‌های پیچیده‌ای برای بانکداری اینترنتی ایجاد کرده، برای مثال توجه به زیرساخت‌های لازم برای ارائه چنین خدماتی بر بستر اینترنت

۴۸



● شماره ۱۲ - مهر ۱۴۰۲ ●

سامانه‌های
مختلفی با هدف
ایجاد بستر امن
بین بانکی
برای ارائه
چک دیجیتال
و برطرف کردن
مشکلات چک
فیزیکی سنتی
ایجاد شده است



سنتی اشاره کرد. همچنین اطلاع‌رسانی از وضعیت نقل و انتقالات چک، حذف مراحل زمان‌گیر مثل جابه‌جایی، دسته‌بندی و حسابداری چک‌ها، نیز از دیگر نقاط قوت چک‌های الکترونیکی است. قطعا به این لیست می‌توان موارد مختلف دیگر را نیز اضافه کرد. از طرف دیگر، وجود چک‌های الکترونیک باعث رونق گرفتن تراکنش و سهولت دسترسی به خدمات بانکی شده و همین موضوع می‌تواند سبب رشد اقتصادی شود. اما این ابزار جدید با تمام چالش‌ها و مزایایی که از آن یاد شد، نیاز است از کاربرد پرداخت مکرر آن نیز صحبت شود. اگر فردی نیاز داشته باشد که در فواصل زمانی مختلف و ثابت مبلغی را پرداخت کند، می‌تواند از امکان این ابزار برای پرداخت‌های منظم خود بهره‌برد. به عنوان مثال، برای پرداخت اقساط خریدها یا اجاره ماهانه منزل، علاوه بر پرداخت‌های دوره‌ای، جهت تسویه هزینه سفارش‌های اینترنتی هم چک‌های الکترونیکی کاربرد دارند.

به طور خلاصه، چک‌های الکترونیک می‌توانند در آینده جای چک‌های سنتی کاغذی را بگیرند و با مزیت‌های بیشتر نسبت به چک‌های فیزیکی سنتی، به تسهیل روابط پولی و مالی کمک کنند. برای این منظور نیاز به بسترها، ساختارها و قوانین برای چارچوب‌دهی به این ابزار است که بانک مرکزی در این میان بازیگر اصلی است و با اقداماتی مانند راه‌اندازی سامانه چک‌د، می‌تواند مسیر را هموارتر کند.

خدمات بانکداری الکترونیک، عملیات بانکی را تسریع می‌کند. برای استفاده از خدمات چک الکترونیکی باید شماره مسیریابی بانک، شماره حساب جاری به همراه نام صاحب حساب در دسترس باشد. برای تایید پرداخت الکترونیکی چک، مشتری با تایید شرایط و ضوابط وب‌سایت و امضای الکترونیکی قرارداد، تراکنش را تایید می‌کند. زمانی که پرداخت الکترونیکی چک انجام می‌شود، بلافاصله رسید صادر خواهد شد.

هنگامی که صحبت از چک الکترونیکی می‌شود شاید اولین دغدغه بسیاری از افراد امنیت این نوع چک‌ها باشد. به نحوی، هر کاری که به صورت آنلاین انجام می‌شود همیشه نگرانی‌های امنیتی به همراه دارد، زیرا که مجرمان و هکرها همیشه در کمین فعالیت‌های الکترونیکی نشسته‌اند. اما به طور کلی چک‌های دیجیتال از امنیت بیشتری نسبت به چک‌های کاغذی برخوردار هستند. امنیت در این مدل از چک، بیشتر از چک‌های سنتی و کاغذی است، چرا که با چک الکترونیک نگرانی نسبت به امضای جعلی روی چک تقریباً از بین خواهد رفت. بنابراین، امنیت یکی از ویژگی‌ها و نقاط قوت چک‌های الکترونیکی است. اگر بخواهیم از مزایای چک‌های الکترونیکی بگوییم، باید به موارد متعدد همچون سرعت و دقت بالا، کارمزد پایین‌تر، کاهش جرایم مالی مربوطه و عدم وجود محدودیت در تعداد برگ چک مانند چک‌های



دکتر یعقوب زراعت کیش، استاد اقتصاد و عضو هیات علمی
دانشگاه علوم و تحقیقات در گفتگو با تازه های اقتصاد:

سیاست های جدید بانک مرکزی تورم را کاهش داد

- بانک مرکزی قطعاً مسیر درستی را در کاهش نقدینگی از طریق کاهش پایه پولی در پیش گرفته است
- در صورتی که بانوسانات شدید ارزی در چند ماه آینده روبرو نشویم کاهش رشد نقدینگی می تواند تورم را به شدت کاهش دهد
- یکی از آثار کاهش نقدینگی در بلندمدت این است که منابع فوق به جای سپرده به سمت سرمایه گذاری های مولد هدایت می شود

۵۰



اقتصاد

• شماره ۱۲ - مهر ۱۴۰۲ •

بانک مرکزی از دی ماه سال گذشته اقدامات جدی را در خصوص کنترل نقدینگی در دستور کار قرار داده و در اولین گام در بهمن ماه سال گذشته نرخ سود بانکی را افزایش داد. کنترل مقداری ترانزنامه بانک‌ها دیگر اقدامی بود که بانک مرکزی با جدیت دنبال کرد و بانک‌ها را در سمت بدهی و دارایی کنترل کرد.

براین اساس، بازخوردها به صورت ماهانه به بانک‌ها ارائه شد و بانک مرکزی متناسب با عملکرد بانک‌ها، هم در قالب اخطارهای کتبی به مدیران عامل و هم در قالب تمهیدات و افزایش در سپرده قانونی، با بانک‌های خاطی برخورد کرد.

با اجرای این اقدامات، بانک مرکزی در سال گذشته توانست رشد نقدینگی را به ۳۱.۱ درصد کاهش دهد که فاصله چندانی با هدف‌گذاری ۳۰ درصدی این بانک نداشت. امسال نیز در مرداد ماه، رشد نقدینگی به ۲۶.۹ درصد رسیده که به نظر می‌رسد حصول رشد ۲۵ درصدی که برای سال جاری هدف‌گذاری شده، کار چندان دشواری نباشد.

در مجموع بانک مرکزی تلاش می‌کند رشد نقدینگی را به عنوان یکی از موتورهای محرک تورم کنترل کند تا در کنار ثبات بخشی به نرخ ارز که طی ماه‌های گذشته به خوبی انجام شده است، بتواند تورم را مدیریت کند. هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد در این رابطه با دکتر یعقوب زراعت کیش، استاد اقتصاد و عضو هیات علمی و دانشیار دانشگاه علوم و تحقیقات به گفتگو پرداخته که در ادامه می‌خوانید.

اقدامات اخیر بانک مرکزی در مهار خلق پول بی‌ضابطه بانک‌ها، چه تأثیری در مهار رشد نقدینگی و تورم خواهد داشت؟

کنترل ضریب فزاینده پولی در اقتصاد منجر به کاهش خلق پول و پایه پولی خواهد شد. بر اساس سیاست بانک مرکزی، تقاضای احتیاطی پول بانک‌ها کم می‌شود و سپرده قانونی‌شان نزد بانک مرکزی افزایش می‌یابد، افزایش حجم ذخایر نزد بانک مرکزی نیز در بلندمدت باعث خواهد شد، قدرت وام‌دهی بانک‌ها کاهش یابد و در نهایت تورم و انتظارات تورمی پایین آید. این مسئله‌ای است که بانک مرکزی به عنوان یک سیاست بلندمدت دنبال می‌کند.

اما اثر حرکت مورد اشاره بر نقدینگی و تورم چه خواهد بود؟ بانک مرکزی در صدد است تا با سیاست‌های میان‌مدتی که در بحث کنترل و مدیریت پایه پولی ایفا می‌کند، اثر آن را بر نقدینگی در بلندمدت کنترل کند تا نهایتاً به کاهش تورم در کشور بیانجامد. به این معنا، بانک مرکزی از طریق مدیریت خلق پول و پایه پولی، تأثیر آن را بر نقدینگی کم خواهد کرد، نتیجه آن هم در بلندمدت واقع خواهد شد و نهایتاً سبب کاهش روند تورم در کشور می‌شود. اما این مسئله نباید نقطه به نقطه مورد مقایسه قرار گیرد و چنین گفته شود که این دوره نسبت به دوره بعد کاهش نقدینگی داشته‌ایم، بلکه باید روند را در نظر گرفت. بسیاری از متغیرهای اقتصادی دارای روند بسیار مناسبی در دهه ۸۰ بودند، اما دچار نوسانات مثبت و منفی در دهه ۹۰ شدند و بر اساس آن بخشی از پارامترهای اقتصادی در برنامه ششم را دچار اشکال و نوسان کردند و به همین دلیل شاید به ۱۰ درصد از آنچه که مدنظر بود هم دست پیدا نکردند. پیگیری روند، یک اصل در اقتصاد کلان است که باید به آن توجه شود.

بانک مرکزی از طریق مدیریت خلق پول و پایه پولی، تأثیر آن را بر نقدینگی کم خواهد کرد که در بلندمدت سبب کاهش روند تورم در کشور می‌شود



هدایت سرمایه‌ها به فعالیت‌های مولد

در صورتی که بتوانیم سرمایه‌ها را به وسیله سیاست‌های اعمال شده، از سپرده خارج و به سمت فعالیت‌های مولد هدایت کنیم، باعث افزایش تولید، اشتغال و رونق اقتصادی در کشور خواهد شد و اهداف برنامه ششم مانند افزایش بهره‌وری که تحقق پیدا نکرد، در برنامه هفتم محقق می‌شود.

بسیاری از متغیرهای اقتصادی دارای روند بسیار مناسبی در دهه ۸۰ بودند، اما دچار نوساناتی در دهه ۹۰ شدند و بخشی از پارامترهای اقتصادی در برنامه ششم را دچار اشکال و نوسان کردند

بانک مرکزی با کنترل پایه پولی در صدد تاثیر بر نقدینگی در بلندمدت است تا از این طریق تورم مدیریت شود. بانک مرکزی کار بسیار مهمی را آغاز کرده است. طی ماه‌های اخیر خصوصاً ابتدای سال ۱۴۰۲، نگرانی‌هایی از افزایش پایه پولی در اقتصاد کشور متبلور شد که باید مورد توجه قرار می‌گرفت، به خصوص آنکه نسبت به سال ۱۴۰۰ دارای افزایش ۳۷۲ هزار میلیارد تومانی پایه پولی بوده‌ایم که این پایه پولی می‌تواند ناشی از متغیرهایی باشد که در اقتصاد اتفاق افتاده است.

دو سمت تراز بانک مرکزی منبسط شده که هم ناشی از افزایش سپرده قانونی تجاری و تخصصی در بانک مرکزی و هم بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی بوده است، افزایش پایه پولی در ابتدای سال ۱۴۰۲ طبق همان شیبهی که توضیح داده شد، به وجود آمد و البته در چند ماه اخیر نسبت به ابتدای ۱۴۰۲ این روند کاهش یافته شده است.

برخی به کاهش نامتوازن پایه پولی و نقدینگی ایراد وارد می‌کنند، در صورتی که همان‌طور که شما توضیح دادید، بانک مرکزی هم معتقد است که هماهنگی کاهش و افزایش پایه پولی در درازمدت خواهد بود. در این زمینه چه دیدگاهی دارید؟

بانک مرکزی از طریق کاهش پایه پولی، افزایش سپرده قانونی و تاثیرگذاری مستقیم بر قدرت وام‌دهی بانک‌ها در حال دنبال کردن یک سیاست انقباضی است. وقتی قدرت وام‌دهی بانک‌ها پایین آید، سبب کاهش نقدینگی در بلندمدت خواهد شد و در نهایت از میزان تورم در اقتصاد می‌کاهد. اما نکته بسیار حائز اهمیت، این است که سیاست بانک مرکزی باید همسو و همراستا با سیاست‌های دولت در حیطه اقتصادی و مالیاتی باشد. به این معنا در

صورتی که سیاست بانک مرکزی با سیاست‌های وزارت اقتصاد و مالیاتی کشور همجنس نباشد، می‌تواند باعث تشدید رکود در کشور و در نهایت افزایش تورم شود.

چنانچه قرار است بانک مرکزی سیاست انقباضی را در پیش بگیرد که قرار است از طریق کاهش پایه پولی باشد، انتظار می‌رود در نهایت از میزان تورم کاسته می‌شود. با این حال، بانک مرکزی در نظر داشته باشد که سیاست انقباضی وزارت اقتصاد از طرف دیگر سبب نشود تا رکود شدیدی در بخش تولید به وجود آورد که این مسئله عامل تورم‌زاد در بلندمدت است و می‌تواند سیاست‌های بانک مرکزی را خنثی کند.

بنابراین در صورتی که قرار است همزمان با سیاست‌های دولت از طریق وزارت اقتصاد و سیاست‌های مالیاتی کاری انجام شود، بهتر آن است به جای افزایش مالیات مودیان مالیاتی، بر افزایش پایه‌های مالیاتی تمرکز داشته باشیم. به این معنا؛ یارانه‌های مالیاتی به بخش تولید داده شود تا درآمد بخش تولید افزایش پیدا کند و سبب سرمایه‌گذاری دوباره و ورود پول جدید به بخش تولید شود، سیاست انقباضی بانک مرکزی هم با این روش مسبب رکود در اقتصاد را فراهم نخواهد آورد.

به نظر شما مسیری که بانک مرکزی برای کنترل نقدینگی در پیش گرفته، درست است؟

بانک مرکزی قطعاً مسیر درستی را در کاهش نقدینگی از طریق کاهش پایه پولی که یکی از منابع نقدینگی است، در پیش گرفته است، زیرا هم شخصاً معتقدم و هم تمام دوستانی که در عرصه اقتصادی فعالیت و مباحث اقتصادی را دنبال می‌کنند، اذعان دارند که چنانچه قرار باشد تا یک سیاست درست اقتصادی برای کشور اجرایی شود، یا از یک برنامه توسعه متوازن در قالب برنامه هفتم توسعه برخوردار باشیم، راهی





۵۳



اقتصاد

• شماره ۱۲ - مهر ۱۴۰۲ •

می‌تواند تورم را به شدت کاهش دهد. اما نکته مهم این است که همیشه تورم متاثر از نقدینگی به تنهایی نیست، نقدینگی یک عامل و پارامتر بسیار مهم در کاهش تورم است و بسیار هم تعیین‌کننده به حساب می‌آید، ولی در بلندمدت چنین نیست. بسیاری از عوامل اقتصادی دیگر در حیطه اقتصاد کلان وجود دارند که بر تورم از جمله انتظارات تورمی تاثیرگذار هستند.

انتظارات تورمی همیشه یک عامل بسیار مهم و تاثیرگذار بر میزان تورم بوده است و باعث افزایش تقاضا می‌شود و این کار خود سبب افزایش تورم خواهد شد. درصدی از تورم همیشه ممکن است ناشی از افزایش نرخ ارز و فشار افزایش هزینه‌های تولید باشد، اما باید دیگر موارد را هم در نظر داشت. به عنوان مثال، قیمت آردی که به نانواپی‌ها داده شد، بدون تغییر باقی ماند، ولی در عمل قیمت نان در بسیاری از

جز کنترل و مدیریت نقدینگی در اقتصاد کشور وجود ندارد. البته در چند ماهه اخیر این اتفاق روی داده و حداقل رشد نقدینگی کم شده، اما تا زمانی که این روند با سرعت بیشتری پیش نرود، هر سیاست اقتصادی دیگری ناموفق خواهد بود. بنابراین به نظر می‌رسد که بانک مرکزی سیاست درستی را در پیش گرفته و آن هم کاهش خلق پول و نقدینگی در بلندمدت است.

طبق پیش‌بینی بانک مرکزی، با روند کاهش رشد نقدینگی و مهار خلق پول بانک‌ها، نرخ تورم در ماه‌های آینده کاهش پیدا خواهد کرد. نظر شما در این خصوص چیست؟

شکی در روی دادن این اتفاق وجود ندارد و در صورتی که با نوسانات شدید ارزی در چند ماه آینده روبرو نشویم، کاهش رشد نقدینگی

در صورتی که
سیاست بانک
مرکزی با
سیاست‌های
وزارت اقتصاد و
مالیاتی کشور
هم‌جنس
نباشد، می‌تواند
باعث تشدید
رکود و در نهایت
افزایش تورم
شود

۵۴



اقتصاد

• شماره ۱۲ - مهر ۱۴۰۲ •

نانوایی افزایش پیدا کرد زیرا بخشی از آن به رشد قیمت سایر هزینه‌ها مانند نیروی انسانی، آب، برق و... ارتباط دارد.

بنابراین همیشه افزایش تورم و میزان گرانی ناشی از نقدینگی به تنهایی نیست، اما باید توجه داشت که نقدینگی یک عامل بسیار مهم به حساب می‌آید که به صورت شتابان می‌تواند تورم را افزایش دهد. سیاست بانک مرکزی چنانچه بر کاهش پایه پولی باشد، باید گفت که تعریف درستی را مورد توجه قرار داده، اما نکته پُر اهمیت این است که نقدینگی تولید نباید فراموش شود.

چه الزامات و اولویت‌هایی را در تحقق مهار نرخ تورم موثر می‌دانید و پیشنهاد شما به بانک مرکزی چیست؟

اگر قرار است بانک مرکزی سیاست‌های پولی خود را دنبال کند، باید با سیاست‌های وزارت اقتصاد هم‌راستا باشد و در صورتی که قرار بر آن باشد تا با افزایش سپرده قانونی، قدرت تسهیلات دهی بانک‌ها کاهش یابد، نیاز است تا به بخش تولید توجه ویژه‌ای صورت گیرد و سیاست‌های تسهیلاتی برای بخش تولید در دستور کار قرار گیرد تا دچار آسیب نشود. همان‌طور که مطرح شد همیشه تورم ناشی از نقدینگی به تنهایی نیست، بلکه کاهش عرضه و تقاضا هم می‌تواند تورم در کشور به بار آورد و باعث ضربه به تولید شود و از طرف دیگر هم کاهش تقاضا می‌تواند یک عامل موثر بر میزان تولید باشد، بنابراین به دلیل آنکه سیاست‌ها در اقتصاد تک‌بعدی نیستند و فرایندی کاملاً پیچیده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به حساب می‌آیند، سیاست‌گذار اقتصادی وقتی می‌خواهد سیاستی را اعمال کند، فقط به آن دوره اقتصادی نباید توجه کند، تمام ابعاد را به صورت پیچیده و با هم در شبکه‌ای کامل در نظر داشته باشد، پس از آن سیاست اقتصادی را اعمال کند.

نتیجه و جمع بحث این است که برای اینکه تولید از سیاست انقباضی بانک مرکزی ضربه نبیند و در نهایت باعث افزایش تورم ناشی از کاهش عرضه تولید نشود، باید سیاست آن با سیاست‌های مالی همساز باشد.

با توجه به این توضیحات شما، چقدر نیاز است تا سایر بخش‌های دولت به ویژه دستگاه‌هایی که برای طرح‌ها

منابع پیش‌بینی می‌کنند، مانند بخش مسکن، با سیاست کنترل ترازنامه و جلوگیری از خلق پول بانک‌ها همراه باشند؟

چنانچه قرار بر رونق سایر بخش‌ها است، باید سیاست‌های متوازی که وزارت اقتصاد با بانک مرکزی دارد، مورد توجه قرار گیرد. بانک مرکزی مجبور است برای کنترل نقدینگی در اقتصاد و کاهش تورمی که از این منظر به اقتصاد وارد می‌شود، سیاست انقباضی را اعمال کند، از طرف دیگر بخش مسکن نیاز به تزریق پول برای رونق دارد تا وعده دولت را عملیاتی کند. بُعد دیگر هم بخش تولید صنعتی و سایر بخش‌ها است که نیاز به نقدینگی و تأمین هزینه‌های جاری آنها انکارناپذیر است. این دو مقوله باید در کنار آن سیاست انقباضی دیده شود. به این معنا، سیاست وزارت اقتصاد باید در بخش مسکن و تولید صنعت و صنایع پایین‌دستی انبساطی باشد که هم‌زمان با سیاست‌های بانک مرکزی بتواند هم باعث کاهش و کنترل تورم در بلندمدت شود و هم ضربه‌ای به روند تولید در اقتصاد کشور وارد نشود.

مهم‌ترین تأثیر این سیاست‌ها غیر از کاهش تورم، چه موارد دیگری در اقتصاد کشور می‌تواند باشد؟

در صورتی که بتوانیم سرمایه‌ها را به وسیله سیاست‌های اعمال شده، از سپرده خارج و به سمت فعالیت‌های مولد هدایت کنیم، باعث افزایش تولید، اشتغال و رونق اقتصادی در کشور خواهیم شد و اهداف برنامه ششم مانند افزایش بهره‌وری را که تحقق پیدا نکرد در برنامه هفتم محقق‌سازیم.

یکی از آثار کاهش نقدینگی در بلندمدت این است که منابع فوق به جای سپرده به سمت سرمایه‌گذاری‌های مولد هدایت شود، اگر جذب سرمایه و سرمایه‌گذار در بخش تولید با رشد بالا اتفاق بیافتد، شاید عدم سرمایه‌گذاری در دهه نود را جبران نکند، اما بخشی از کار را در دست خواهد گرفت. بسیار نیازمند به این سرمایه‌گذاری و هدایت نقدینگی به سمت بخش تولید هستیم، البته این منابع نقدینگی به تنهایی نمی‌تواند این میزان سرمایه‌گذاری را تأمین کند، در کنار آن باید سرمایه‌گذاری خارجی، عمومی و دولتی به درستی هدایت شوند تا عقب‌افتادگی‌های چند سال گذشته جبران شود.



بررسی روند ۴۸ ساله بدهی دولت به بانک مرکزی

ترمز استقراض دولت از بانک مرکزی کشیده شد

- با اجرای قانون حساب واحد خزانه در دولت سیزدهم، خالص مطالبات بانک مرکزی از دولت به شدت کاهش یافته است
- در صورت تداوم سلطه مالی و استقراض دولت از بانک مرکزی مقام پولی قدرت کنترل تورم را از دست می داد
- رشد بدهی دولت به بانک مرکزی از ۱۷۲ درصد در سال ۹۷ به ۳۸ درصد در سال ۱۴۰۱ کاهش یافته است

بررسی آمارها در طول سال‌های اخیر بیانگر افت شدید رشد بدهی‌های دولت به بانک مرکزی و نشانه کاهش تامین مالی دولت توسط بانک مرکزی در دو سال اخیر است

در اقتصاد ایران همواره بخشی از نیاز و تعهدات مالی دولت توسط بانک مرکزی تامین شده است. با افزایش بدهی‌های دولت به بانک مرکزی، سیاست پولی به صورت درون‌زا و هم جهت با سیاست مالی اعمال می‌شود، در نتیجه کارکرد سیاست‌های پولی مختل شده و از اهداف تعریف شده برای آن منحرف می‌شود که این وضعیت می‌تواند پیامدهای نامطلوبی در فضای اقتصاد کلان به دنبال داشته باشد. یافته‌های تجربی نشان می‌دهد، افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی به صورت معناداری، سطح عمومی قیمت‌ها را افزایش و GDP را کاهش می‌دهد.

بررسی روند خالص مطالبات بانک مرکزی از دولت در بخش عوامل موثر بر عرضه نقدینگی نشان می‌دهد که این جزء نقدینگی روندی نزولی را در طول سال‌های اخیر طی کرده است. البته با اجرای قانون حساب واحد خزانه در دولت سیزدهم این ردیف با شدت بیشتری کاهش یافته است. همچنین بررسی میزان رشد بدهی دولت به بانک مرکزی نیز در طول سال‌های اخیر بیانگر افت شدید درصد رشد بدهی‌های دولت به بانک مرکزی و نشانه کاهش تامین مالی دولت توسط بانک مرکزی در دو سال اخیر است.

عدم استقراض دولت از بانک مرکزی، لازمه مهار تورم

تمام دولت‌ها با اصل تامین مالی عمومی مناسب روبرو هستند که طی آن ارزش حقیقی فعلی خالص بدهی‌های آنان باید با ارزش فعلی مازادهای اولیه بودجه آنان در آینده برابر باشد. اگر این قید بدون تغییر در سیاست‌های پولی و یا سطح قیمت‌ها برقرار باشد، سیاست مالی فعلی پایدار است. در واقع اگر دولت کسری بودجه خود را برای مقابله با انباشت بدهی‌هایش تعدیل کند، بانک مرکزی مجبور به کاستن از بار بدهی‌های دولت نمی‌شود. در این شرایط اقتصاد به اصطلاح تحت سلطه پولی خواهد بود.

در مقابل، سلطه سیاست مالی مطرح است که در این نظریه، مسیر سیاست مالی مشخص بوده و هیچ وابستگی به سیاست‌های پولی جاری و آینده ندارد، اما از آنجا که درآمد ناشی

از حق الضرب جزئی از منابع درآمدی دولت محسوب می‌شود و مقام پولی نیز مسئول ضرب پول است، مقام پولی بالاچاره با مقام مالی به صورت هماهنگ عمل می‌کند.

در این نظریه، هرگونه سیاست پولی سخت‌گیرانه در زمان جاری منجر به سیاست سهل‌گیرانه در آینده می‌شود. چرا که سیاست پولی سخت‌گیرانه می‌تواند تعهدات بهره‌ای دولت را خیلی سریع افزایش دهد و دولت برای ایفای این تعهدات به استقراض از بانک مرکزی روی بیاورد که در نتیجه مقام پولی در آینده با انتشار پول توان پرداخت تعهدات دولت را تضمین می‌کند. تورم ناشی از این سیاست بیشتر از حالتی است که سیاست پولی سهل‌گیرانه در ابتدا اتخاذ می‌شود.

البته اگر مسیر سیاست مالی مبتنی بر کسری بودجه مداوم تشدید شود، سیاست پولی به صورت طولانی مدت نمی‌تواند با سیاست مالی هماهنگ عمل کند. برخی مطالعات نشان می‌دهند زمانی که سیاست پولی پیرو سیاست مالی باشد، یا به عبارت دیگر دولت دستور دهنده و بانک مرکزی پیرو باشد، بانک مرکزی قادر به کنترل تورم نخواهد بود. همچنین بانک مرکزی حتی با داشتن استقلال قانونی به فشارهای ناشی از سیاست مالی ناچارا پاسخ می‌دهد.

بر مبنای نظریه سلطه مالی، نظریه دیگری نیز مطرح می‌شود. نظریه مالی تورم نیز بیان می‌کند در حالت سلطه مالی، مقام پولی قدرت کنترل تورم را از دست می‌دهد و با ایجاد تورم هزینه‌های آتی دولت افزایش پیدا می‌کند و سیکل دوباره تکرار می‌شود.

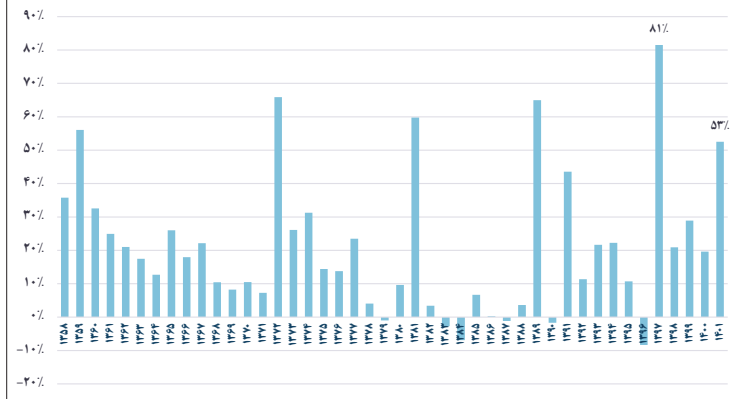
مروری بر روند بدهی دولت به بانک مرکزی در ایران

بدهی دولت به بانک مرکزی در دوره زمانی ۱۳۵۲ تا ۱۴۰۰، پنج روند متفاوت و دو جهش ناگهانی را تجربه کرده است. بدهی دولت به بانک مرکزی طی دوره زمانی ۱۳۵۲-۱۳۷۱ با وجود تحولات اقتصادی و سیاسی متنوع همچون اولین شوک نفتی، پیروزی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و ... با روندی پیش‌بینی‌پذیر افزایش یافته است. طی دوره زمانی ۱۳۸۰-۱۳۷۲ روند بدهی‌های مذکور تغییر کرده است.

با یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۷۲، در مورد اعتبارات اسنادی که پیش از یکسان‌سازی نرخ ارز گشایش یافته یا منابع ارزی آن از خطوط

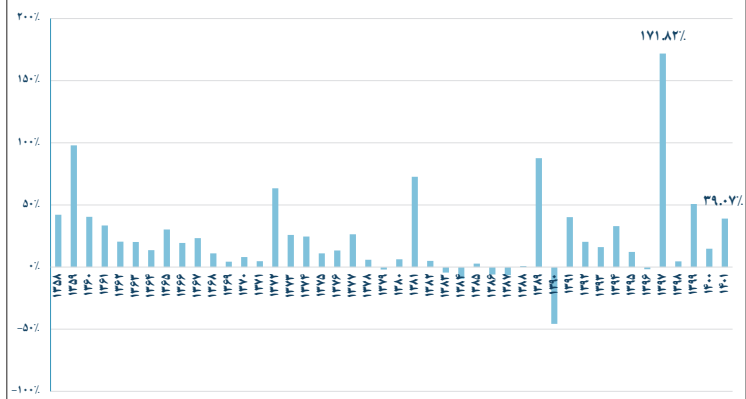


درصد تغییرات بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی



درصد تغییرات بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی

درصد تغییرات بدهی دولت به بانک مرکزی



درصد تغییرات بدهی دولت به بانک مرکزی

دولت به بانک مرکزی محسوب می‌شود. دولت طی دوره زمانی ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۷ به طور مداوم از بانک مرکزی برای پوشش کسری بودجه استقراض کرده است. این تسهیلات بدون سود و گارمزد بود و تماماً سررسیده شده و در نهایت، قراردادهای مربوط به اعطای تسهیلات تمدید شد.

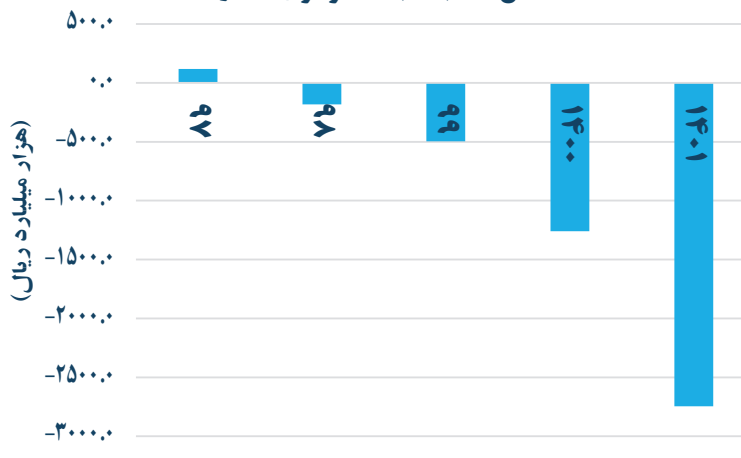
این تسهیلات همواره به عنوان بخشی از بدهی‌های دولت در ترازنامه بانک مرکزی منعکس می‌شود و از سال ۷۹ به بعد، مطابق قانون برنامه سوم توسعه استقراض دولت از بانک مرکزی ممنوع اعلام شد. از دیگر دلایل رشد بدهی دولت به بانک مرکزی در دهه ۱۳۷۰ استقراض دولت از بانک مرکزی جهت بازپرداخت بدهی‌های خارجی (به

فاینانس و ریفاینانس تامین شده بود، اما بازپرداخت ارزی آنها پس از زمان یکسان‌سازی نرخ ارز محقق می‌شد، مسئله مابه‌التفاوت نرخ ارز مطرح شد. دولت در بند «ج» قانون بودجه سال ۱۳۷۵، پرداخت این مابه‌التفاوت برای برخی از اعتبارات اسنادی مربوط به بخش دولتی و غیردولتی را متعهد شد.

در سال‌های بعد نیز این تعهد در قانون بودجه لحاظ شد. براساس آیین‌نامه اجرایی بند «ج» تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۷۵ تامین مالی اعتبارات اسنادی که از پرداخت مابه‌التفاوت نرخ ارز معاف شده بودند، از محل حساب ذخیره تعهدات ارزی صورت می‌گرفت. حساب مذکور از همان ابتدا با کسری مواجه شد و کسری حساب ذخیره تعهدات ارزی، بدهی



خالص مطالبات بانک مرکزی از دولت



خالص مطالبات بانک مرکزی از دولت

از ثبات نسبی برخوردار بود و تفاوت چندانی بین نرخ ارز رسمی و غیررسمی وجود نداشت. این امر مانع از شکل گیری تعهدات جدید ارزی برای دولت شد.

در آذرماه سال ۱۳۸۹، دولت برای اجرای سیاست هدفمندی یارانه ها، ۷۵ هزار میلیارد ریال از بانک مرکزی استقراض کرد. البته برخلاف سال ۱۳۸۹، در سال ۱۳۹۰ حجم بدهی های دولت به بانک مرکزی ۴۵ درصد کاهش یافت و روند رفتاری جدیدی به خود گرفت که این روند رفتاری تا سال ۱۳۹۵ ادامه داشت. البته این روند در سال ۹۷ تغییر می کند و طی این سال، بدهی دولت به بانک مرکزی رشد بی سابقه ۱۷۲ درصدی را تجربه می کند. با این حال، در صدر رشد بدهی دولت به بانک مرکزی از ۱۷۲ درصد در سال ۹۷ به ۳۸ درصد در سال ۱۴۰۱ کاهش یافته و افت شدیدی را تجربه کرده است.

ویژه سال ۱۳۷۲) و اجرای سیاست های تعدیل اقتصادی است.

در سال ۱۳۸۱، سیاست یکسان سازی نرخ ارز با رویکرد دستیابی به یک نظام ارزی انعطاف پذیر اجرا شد و انواع نرخ های حمایتی، رقابتی و ... لغو شد.

پس از یکسان سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ بانک مرکزی از محل تجدید ارزیابی ترازنامه خود حدود ۳۶ هزار میلیارد ریال درآمد شناسایی کرد.

این درآمد صرف کاهش بدهی دولت بابت حساب حق الامتياز خرید ارز شد و باقیمانده حساب (حدود ۱۲ هزار میلیارد ریال) به عنوان بدهی دولت بابت یکسان سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ در ترازنامه بانک مرکزی ثبت شد. طی سال های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹، به دلیل افزایش قابل توجه درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز و افزایش مداوم صادرات غیرنفتی، بازار ارز

بـرـش



ناهماهنگی سیاست ها به تورم می انجامد

برخی مطالعات نشان می دهند زمانی که سیاست پولی پیرو سیاست مالی باشد، یا به عبارت دیگر دولت دستور دهنده و بانک مرکزی پیرو باشد، بانک مرکزی قادر به کنترل تورم نخواهد بود.

۵۸



اقتصاد

شماره ۱۲ - مهر ۱۴۰۲

افزایش بی خطر پایه پولی

منتظر کاهش نرخ تورم باشیم

مرتضی عبدالحسینی /

پژوهشگر اقتصادی

- رشد پایه پولی برای تامین نیاز اولیه بانک ها صورت گرفته و نه نیاز مازاد آنها که بتواند پایه پولی و نقدینگی را تحریک کند
- جهش دوبرابری سپرده های بانک ها نزد بانک مرکزی منجر به تحت فشار بودن سیستم بانکی و مراجعه آنها به بانک مرکزی شده و همین موضوع سبب شده که پایه پولی ۴۵ درصد رشد کند
- بانگاهی به افت تورم در اقتصاد ایران در ماه های اخیر می توان نتیجه گرفت که رشد نقدینگی اصلی ترین دلیل افت و یا رشد تورم بوده و پایه پولی محلی از اعراب ندارد



مجموع رشد
نقدینگی در پنج
ماهه منتهی
به مرداد ۱۴۰۲
در حدود ۸۰٫۱
درصد بوده که
نشان می‌دهد
کاهش تغییرات
سالانه نقدینگی
به ۲۵ درصد
در سال جاری
سهل الوصول
خواهد بود

با توجه به تحلیل‌های سطحی برخی از رسانه‌ها از افزایش رشد پایه پولی به ۴۵ درصد و وعده رشد نقدینگی و تورم، در این نوشتار به دلایل کنترل رشد نقدینگی توسط بانک مرکزی و افزایش بی‌خطر پایه پولی پرداخته‌ایم. اتفاقاً در این زمینه تجربه مشترکی با اقتصاد آمریکا وجود دارد که بررسی آن خالی از لطف نیست.

دو تحلیل از دو عدد!

انتشار آمار جدید متغیرهای پولی کشور در روزهای گذشته از سوی بانک مرکزی با واکنش‌های متفاوت و بعضاً غیرکارشناسی رو به رو بوده که در این گفتار قصد بررسی آنها را داریم. عده‌ای از کارشناسان با محوریت قرار دادن متغیر «نقدینگی»، کاهش رشد سالانه آن به ۲۶ درصد در پایان مرداد ماه ۱۴۰۲ را به عنوان دستاورد مهم و عامل تعدیل تورم در ماه‌های آینده تلقی کردند. این دسته از کارشناسان تنها نکته مخاطره‌آمیز در کاهش نقدینگی را احتمال وقوع رکود در بازارها اعلام کرده بودند که بانک مرکزی با انتشار آمار تسهیلات بانکی، از تلاش‌ها برای هدایت اعتبارات به بخش‌های مولد و رفع نیاز این بخش‌ها با تزریق تسهیلات خبر داده است.

در مقابل امداد روزهای اخیر احتمالاً با تئیهایی مانند رکورد چاپ پول شکسته شد، نقدینگی به پایه پولی خواهد رسید و ... مواجه شده‌اید که با محوریت قرار دادن «پایه پولی»، افزایش رشد سالانه آن به ۴۵ درصد در پایان فروردین ۱۴۰۲ را به عنوان عامل تهدید تورم و یک عملکرد بسیار ضعیف برای بانک مرکزی تلقی کردند. اگر بر اساس آمارهای بانک مرکزی قضاوت کنیم، بالطبع هیچ کدام از کارشناسان بی‌راه نگفته‌اند و هر دو دسته یکی از اعداد موجود در ترازنامه بانک مرکزی را محور قرار داده‌اند و تحلیل خود را

در سطح همان اعداد نگه داشته‌اند.

تهدید پایه پولی در مقابل تحدید نقدینگی

این در حالی است که در خوانش ترازنامه بانک مرکزی و بررسی وضعیت فعلی و آینده پولی کشور مهم‌تراز بالا و پایین شدن اعداد، تحلیل و دلایل این اتفاقات است. نگاهی به ترازنامه بانک مرکزی نشان می‌دهد که در یک سال منتهی به فروردین ۱۴۰۲، متغیر نقدینگی در حدود ۳۳ درصد رشد داشته و در مقابل پایه پولی نیز با افزایش ۴۵ درصدی رو به رو بوده است. این در حالی است که رشد سالانه نقدینگی در مهر ماه ۱۴۰۰ حدود ۴۳ درصد بوده و اعداد جدید بانک مرکزی حکایت از کنترل و کاهش مناسب روند نقدینگی کشور دارد. علاوه بر آنکه انتشار گزیده‌ای از آمارهای مرداد ۱۴۰۲ نیز نشان می‌دهد که رشد سالانه نقدینگی در پایان این ماه به ۲۶ درصد کاهش پیدا کرده که پایین‌ترین رشد این متغیر از مرداد ۱۳۹۸ تاکنون است، همچنین مجموع رشد نقدینگی در پنج ماهه منتهی به مرداد ۱۴۰۲ در حدود ۸۰٫۱ درصد بوده که نشان می‌دهد کاهش تغییرات سالانه نقدینگی به ۲۵ درصد در سال جاری سهل الوصول خواهد بود. توجه داشته باشید که رشد نقدینگی در پنج ماهه ابتدایی سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ به ترتیب ۱۲۰٫۸ و ۱۲ درصد بوده است.

در مقابل تحدید رشد نقدینگی، رشد بی‌سابقه پایه پولی از نظر برخی از کارشناسان تهدید جدی به نظر می‌رسد که نه تنها نقدینگی را به دنبال خود خواهد کشاند، بلکه به افزایش مجدد تورم نیز منتج می‌شود. براساس آمارهای بانک مرکزی، پایه پولی در مهر ۱۴۰۰ در حدود ۳۰ درصد رشد داشته که رقم جدید در فروردین ۱۴۰۲ حکایت از جهش این متغیر به رقم ۴۵ درصد دارد. اما تحلیل درست این تناقض چیست و آیا این تناقض ترسناک است؟

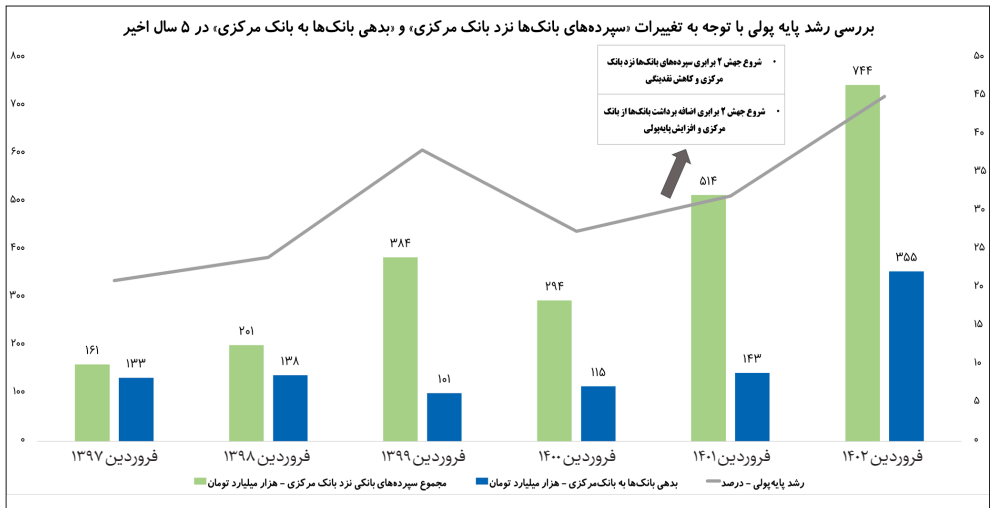
بـرش



تجربه آمریکا در پی‌ارتباطی رشد پایه پولی به نقدینگی

از ابتدای سال ۲۰۲۰ تا پایان ژوئن ۲۰۲۳ پایه پولی در آمریکا بیش از دو برابر افزایش داشته و از رقم ۳۴۴۲ میلیارد دلار به حدود ۵۶۰۰ میلیارد دلار رسیده است. این در حالی است که نقدینگی تنها ۱۰۳ برابر در همین مدت رشد پیدا کرده و از رقم ۱۵۳۰۰ میلیارد دلار به ۲۱۰۰۰ میلیارد دلار رسیده است. با این وجود، اما تورم آمریکا از ۸ درصد در اکتبر ۲۰۲۲ به ۳ درصد در ژوئن ۲۰۲۳ رسیده است.





▲
بررسی رشد پایه پولی با توجه به تغییرات سپرده‌های بانک‌ها نزد بانک مرکزی و بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در ۵ سال اخیر

تعیین شده بانک مرکزی شود، این بانک باید ۱۰ درصد از سپرده جدید (۵ تومان) را به بانک مرکزی پرداخت کند که در مجموع سپرده این بانک نزد بانک مرکزی را به ۱۰۵ تومان خواهد رساند. اگر وام جدید پرداخت شده سبب تجاوز ترازنامه بانک از حدود تعیین شده از سوی بانک مرکزی شود، نرخ سپرده قانونی به جای ۱۰ درصد به ۱۱ درصد خواهد رسید. در این صورت به جای ۵ تومان، بانک مورد نظر باید ۶ تومان سپرده به بانک مرکزی در قالب «سپرده قانونی» پرداخت کند. مشاهده می‌کنید که بانک یک تومان جریمه شده و این در حالی است که منابع و دارایی بانک همان اعداد قبلی است. اینجاست که بانک باید با اضافه برداشت همان یک تومان محل پایه پولی این عدد را با بانک مرکزی تسویه کند.

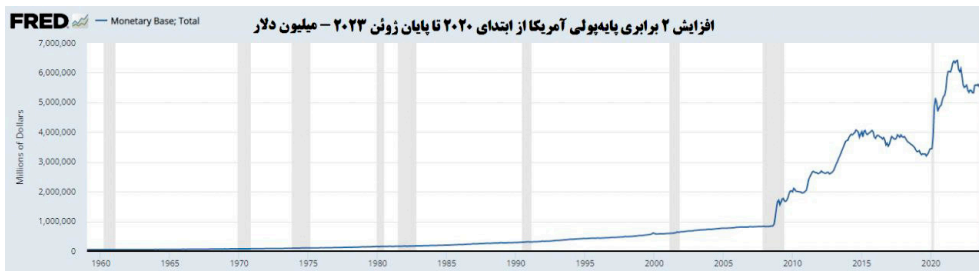
با انجام این سیاست، قدرت وام‌دهی بانک‌ها کنترل و تعدیل شده و این اتفاق به معنی کاهش نقدینگی است. حال با اجرای این سیاست که یک اقدام «انقباضی» از سوی بانک مرکزی محسوب می‌شود، فشار روی سیستم بانکی بیشتر شده و بانک‌ها مجبور شده‌اند از بانک مرکزی برای رفع نیاز خود منابعی دریافت کنند. بر اساس ترازنامه بانک مرکزی، میزان سپرده‌های بانکی نزد بانک مرکزی از ۳۸۴ هزار میلیارد تومان در فروردین ۱۴۰۰ به ۷۴۴ هزار میلیارد تومان در فروردین ۱۴۰۲ رسیده که حکایت از جهش دو برابری این رقم دارد.

رشد ۲ برابری سپرده‌های بانک‌ها نزد بانک مرکزی

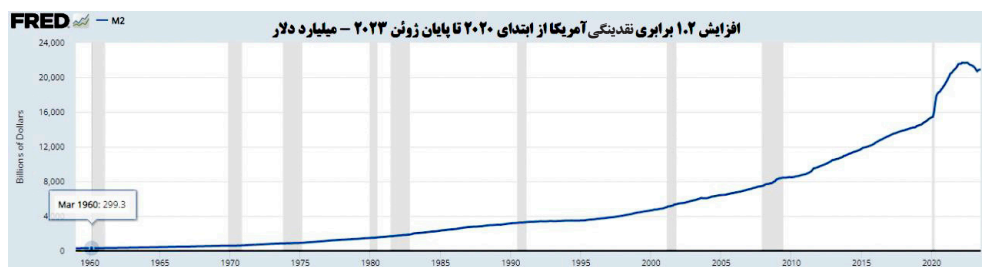
جواب سوال دوم که قطعاً «خیر» است، اما دلیل آنکه در واقع پاسخی به سوال اول نیز است، در علت کاهش نقدینگی و افزایش پایه پولی نهفته است. بانک مرکزی برای اجرای سیاست «کنترل مقداری ترازنامه بانک‌ها» اقدام به افزایش «نرخ ذخیره قانونی بانک‌ها» در صورت تخطی آنها از حدود مقداری تعیین شده، کرده است. در واقع در این سیاست، بانک مرکزی رشد ترازنامه بانک‌ها را بین ۱۰۳ تا ۲۰۵ درصد بر اساس نوع بانک (تجاری و ...) محدود کرده و هر بانکی که از این رقم تجاوز کند باید جریمه‌ای در قالب «افزایش نرخ سپرده قانونی» به بانک مرکزی بپردازد. این جریمه افزایش نرخ سپرده قانونی از ۱۰ به ۱۱ درصد است.

به زبان ساده‌تر، بانکی را فرض کنید که در مجموع ۱۰۰۰ تومان دارایی و بدهی دارد (میزان دارایی و بدهی در طرف راست و چپ ترازنامه برابر است). میزان سپرده قانونی این بانک نیز نزد بانک مرکزی با نسبت ۱۰ درصد، در حدود ۱۰۰ تومان است. حال اگر این بانک ۵۰۰ تومان تسهیلات جدید در اختیار یک فرد قرار دهد و آن فرد همان وام را به عنوان سپرده در بانک نگهداری کند، میزان دارایی و بدهی بانک به ۱۰۵۰ تومان افزایش پیدا کرده و با یکی از این دو اتفاق زیر رو به رو خواهد بود:

اگر وام جدید پرداخت شده سبب افزایش ترازنامه (دارایی و بدهی) بانک در حدود مقداری



افزایش ۲ برابری پایه پولی آمریکا از ابتدای ۲۰۲۰ تا پایان ژوئن ۲۰۲۳ - میلیون دلار



افزایش ۱/۲ برابری نقدینگی آمریکا از ابتدای ۲۰۲۰ تا پایان ژوئن ۲۰۲۳ - میلیارد دلار

تجربه آمریکا، جهش پایه پولی همراه با کنترل نقدینگی و تورم

برای اثبات این موضوع به روند رشد دو متغیر پایه پولی و نقدینگی در آمریکا نگاه کنید. از ابتدای سال ۲۰۲۰ تا پایان ژوئن ۲۰۲۳ پایه پولی در آمریکا بیش از دو برابر افزایش داشته و از رقم ۳۴۴۲ میلیارد دلار به حدود ۵۶۰۰ میلیارد دلار رسیده است. این در حالی است که نقدینگی تنها ۱.۲ برابر در همین مدت رشد پیدا کرده و از رقم ۱۵۳۰۰ میلیارد دلار به ۲۱۰۰۰ میلیارد دلار رسیده است. با این وجود، اما تورم آمریکا از ۸ درصد در اکتبر ۲۰۲۲ به ۳ درصد در ژوئن ۲۰۲۳ رسیده است. دقت کنید تورم ۸ درصدی برای آمریکا یک تورم بسیار سنگین و بی سابقه در ۴۰ سال اخیر این کشور بوده است. بنابراین با نگاهی به افت تورم در اقتصاد ایران در ماه های اخیر نیز می توان همین نتیجه را گرفت که رشد نقدینگی، اصلی ترین دلیل افت و یا رشد تورم بوده و پایه پولی محلی از اعراب ندارد. در واقع آنچه که اهمیت دارد مجموع «نقدینگی» است که در یک اقتصاد جریان دارد و اینکه چه مقدار از این رقم «پایه پولی» است، صرفا در پیش بینی روند آینده موثر بوده و در خلق تورم بی تاثیر خواهد بود.

علت رشد پایه پولی، رشد دو برابری اضافه برداشت بانک ها

دقت کنید که استقراض بانک ها از بانک مرکزی و رشد پایه پولی به دلیل کمبود منابع در سیستم بانکی بوده است. این مهم نشان می دهد که افزایش پایه پولی نمی تواند به افزایش نقدینگی منجر شود، چرا که رشد پایه پولی برای تامین نیاز اولیه بانک ها صورت گرفته و نه نیاز مازاد آنها که بتواند پایه پولی و نقدینگی را تحریک کند. جهش دو برابری سپرده های بانک ها نزد بانک مرکزی در نهایت منجر به تحت فشار بودن سیستم بانکی و مراجعه آنها به بانک مرکزی جهت استقراض از بانک مرکزی (استقراض در عملیات بازار باز اتفاق افتاده) شده و همین موضوع سبب شده که پایه پولی ۴۵ درصد رشد کند و بیش از نیمی از این رشد به دلیل استقراض بانک ها باشد. بر اساس داده های جدید، ۳۵۵ هزار میلیارد تومان از پایه پولی ۸۵۵ هزار میلیارد تومانی، به استقراض بانک ها از بانک مرکزی برمی گردد. البته تحت فشار بودن سیستم بانکی دلایل مضاعفی مانند ناترازی تاریخی این سیستم که ناشی از فعالیت های مخرب است و همچنین تسهیلات تکلیفی دولت، دارد.

۶۲



اقتصاد

• شماره ۱۲ - مهر ۱۴۰۲ •

دوگانه کاهش رشد نقدینگی و افزایش پایه پولی

زهرا طهماسبی /

پژوهشگر اقتصادی

● آثار سیاست کنترل نقدینگی بانک مرکزی در کاهش تورم مشخص خواهد شد

● برای بانک‌هایی که از حدود رشد ترازنامه‌ای خود تجاوز کنند، افزایش سپرده قانونی مقرر شده است

● در علم اقتصاد ماهیت تورم‌زایی برای «نقدینگی» و نه پایه پولی، بیان می‌شود

قیمت‌ها و تورم، از جمله مسائل به روز در اقتصاد ایران به شمار می‌رود. بررسی عوامل موثر بر تغییرات نقدینگی، نشان می‌دهد عوامل متعددی همچون رفتار (۱) بانک مرکزی، (۲) سیستم بانکی و (۳) بخش دولتی در این مهم دخیل هستند، که در این میان، طی سالیان اخیر نظام بانکی به عنوان عامل اصلی در رشد پایه پولی و رشد نقدینگی شناخته می‌شود.

سیاست کنترل ترازنامه‌ای بانک مرکزی

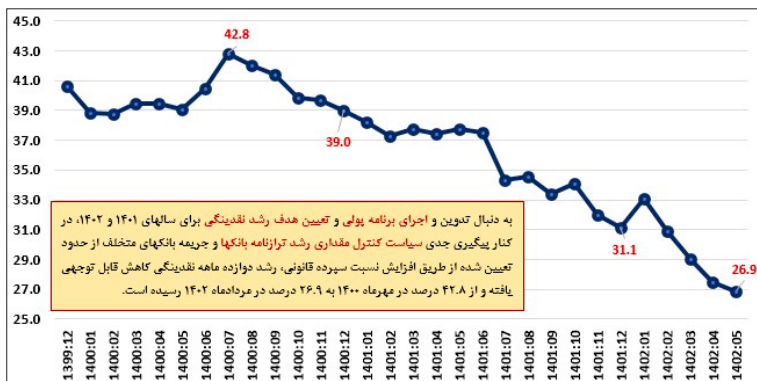
با بررسی جدیدترین آمارهای اقتصادی و برطبق نمودار (۱) مشخص می‌شود، با اجرای سیاست کنترل ترازنامه‌ای بانک‌ها، نرخ رشد نقدینگی ۴۰۰۶ درصد در انتهای سال ۱۳۹۹، به ۳۹ درصد در سال ۱۴۰۰ و ۳۰ درصد در سال ۱۴۰۱ کاهش یافته است، در واقع عمده اثر بخشی سیاست مذکور و پیگیری مصرا نه آن، با روی کار آمدن دولت سیزدهم و از مرداد ۱۴۰۰ رخ داده است. این در حالی است که سیاست "کنترل رشد مقداری ترازنامه" توسط

مطابق با آخرین آمارهای بانک مرکزی و در نمودار (۱)، نرخ رشد نقدینگی در دوازده ماهه منتهی به مرداد ۱۴۰۲، به رقم ۲۶،۹ درصد کاهش یافت. این در حالی است که این رقم در مرداد ماه ۱۴۰۱ معادل ۳۸ درصد و در مدت مشابه سال قبل از آن در سال ۱۴۰۰ که دولت سیزدهم شروع به کار کرد، معادل ۴۲،۶ درصد بود. این مهم که به واسطه سیاست‌های اعمالی بانک مرکزی رخ داده است، نتایج نهایی خود را در مهار تورم نشان خواهد داد.

نقدینگی و تورم

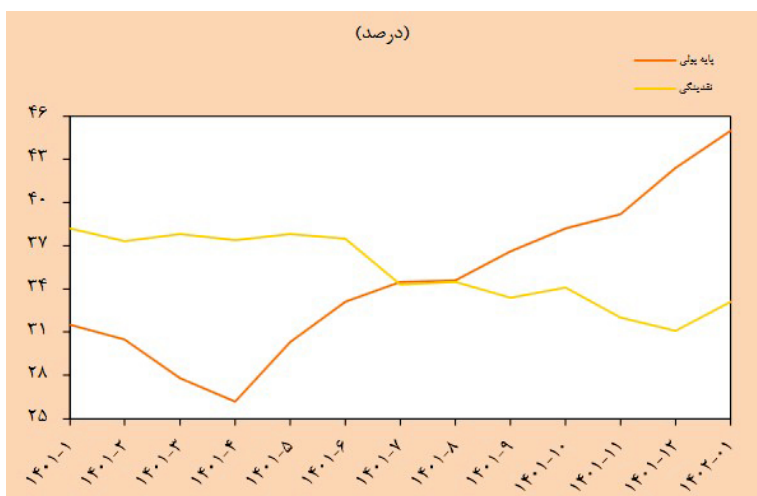
امروزه ارتباط میان تورم و نقدینگی یکی از مقوله‌های بارز در علم اقتصاد است که اقتصاددانان زیادی بر آن متفق القول هستند، به طوری که خلق بی‌ضابطه نقدینگی یکی از مجاری اصلی بروز تورم و به باور برخی صاحب‌نظران، موتور اصلی خلق آن در بلندمدت است. در این راستا، کنترل نقدینگی به جهت اصلاح سطح





نمودار ۱

روند تحولات نرخ رشد
دوازده ماهه نقدینگی
(درصد)



نمودار ۲

نرخ رشد نقدینگی و پایه
پولی

اینطور وانمود کنند که رشد پایه پولی منجر به تورم می شود، حال آنکه در علم اقتصاد ماهیت تورم زایی برای "نقدینگی" و نه پایه پولی بیان می شود. به بیانی دیگر، افزایش پایه پولی اگر توام با کاهش رشد نقدینگی باشد، مسئله چشمگیری نیست و براساس ادبیات موجود در علم اقتصاد نمی توان آن را تورم زادانست.

طبق جدیدترین آمارهای بانک مرکزی، مشخص می شود پول پر قدرت و یا پایه پولی در ماه های اخیر روندی افزایشی را در پیش داشته است، به گونه ای که پایه پولی در فروردین ماه ۱۴۰۲ با رشدی معادل ۳۰۱ درصدی نسبت به پایان سال ۱۴۰۱ به رقم ۸۸۷۰۰۷ هزار میلیارد ریال رسیده است. این در حالی است که تغییرات پایه پولی در سال ۱۴۰۱ عمدتاً متأثر از افزایش سپرده های قانونی بانک ها بوده و از ۴۲۰۷ درصد رشد پایه پولی، بالغ

بانک مرکزی در اسفند ماه ۱۳۹۹ جهت جلوگیری از خلق نقدینگی و فعالیت های سوداگرانه بانک ها اعلام شد. از این سال برای کنترل رشد ترازنامه بانک ها، کنترل سمت راست ترازنامه که شامل دارایی های بانکی می شود، هدف گذاری شد. با اعمال این سیاست، سقف رشد ترازنامه برای بانک های تجاری و تخصصی مشخص شد و برای بانک هایی که از حدود رشد ترازنامه ای خود تجاوز کنند، افزایش سپرده قانونی مقرر شد. مضاف بر آن و از نیمه دوم سال ۱۴۰۱، افزایش نرخ سپرده قانونی نیز عملیاتی شد.

رشد نقدینگی تورمزا است یا رشد پایه پولی؟

دستاوردهای دولت در مهار رشد نقدینگی در حالی است که برخی کارشناسان در رویکردی قابل تأمل و بعضاً غیرکارشناسی، سعی دارند

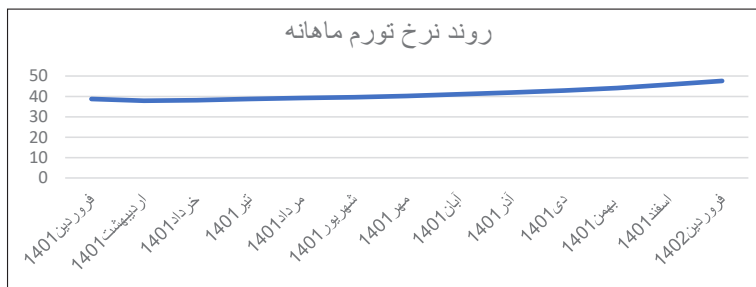
۶۴



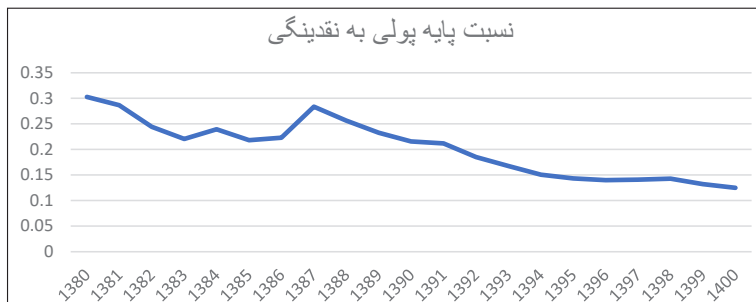
اقتصاد

شماره ۱۲ - مهر ۱۴۰۲

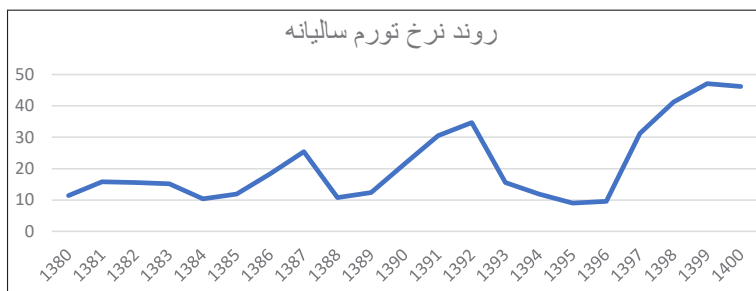
نمودار ۳
روند ماهانه نرخ تورم



نمودار ۴
روند نسبت پایه پولی به نقدینگی



نمودار ۵
روند نرخ تورم سالیانه



متاثر از تغییرات در پایه پولی نیست، این در حالی است که با توجه به نمودارهای فوق الذکر، در دو دهه منتهی به سال ۱۴۰۰، با وجود کاهش در نسبت پایه پولی به نقدینگی، تورم متاثر از این روند کاهشی نشده و روند افزایشی خود را در پیش داشته است. بنابراین اثرگذارترین مولفه بر کنترل تورم در اقتصاد ایران و در بلندمدت، "نقدینگی" و نه پایه پولی است، اثر آن نیز به گونه ای است که مطابق با نمودار (۲) و (۳) در بازه زمانی کوتاه مدت با کاهش در رشد نقدینگی، این مهم محقق نمی شود. اما در میان مدت و بلندمدت با توجه به تاثیر مستقیم نقدینگی بر رشد، انتظار کاهش در نرخ تورم وجود خواهد داشت. ذکر این نکته نیز ضروری است که مضاف بر نقدینگی، عوامل متعدد دیگری نیز در کنار آن در مهار تورم دخیل هستند و لازم است از نقدینگی در حد دامنه اثر آن، انتظار داشت.

بر ۳۵ درصد از آن افزایش سپرده قانونی بوده است. چرایی این مسئله نیز به این علت است که با افزایش سپرده قانونی بانک ها (با اعمال جرائم بانک های متخلف) در نزد بانک مرکزی و نیز کاهش ضریب فزاینده نقدینگی (با کاهش قدرت خلق پول بانک ها)، هر دو سمت حساب ترازنامه بانک مرکزی منبسط و پایه پولی افزایش یافته است. طبق جدیدترین آمارهای موجود در بانک مرکزی و نمودار (۲) نیز، از تیرماه ۱۴۰۱ تا فروردین ماه ۱۴۰۲ علی رغم روند کاهشی در نقدینگی، پایه پولی افزایش یافته است. با این اوصاف، عده ای افزایش رشد پایه پولی در ماه های اخیر را به معنای تزریق پول پُر قدرت به اقتصاد و به تبع آن افزایش در تورم دانسته اند. با بررسی در آمار تجربی اقتصاد ایران و طبق نمودار (۴) و (۵)، می توان این نکته را اثبات نمود که این گزاره صحیح نیست و تغییرات تورم



۷ مراه سالروز تأسیس بانک صنعت و معدن کرامی باد

بانک صنعت و معدن بانک پیشرفت و توسعه

روابط عمومی و امور مشتریان

سامانه یکپارچه پاسخگویی : ۰۲۱-۸۴۹۸

[bim-prd](#)
www.bim.ir

الزامات اثربخشی تدابیر بانک مرکزی

مهار نقدینگی فراتر از هدف

حمید کمار /

پژوهشگر اقتصادی



۶۷



اقتصاد

• شماره ۱۲ - مهر ۱۴۰۲ •

- رشد نقدینگی در ۵ ماهه نخست امسال به ۸,۲ درصد محدود شده و از هدفگذاری بانک مرکزی جلوتر است
- نسبت پول به نقدینگی در مردادماه ۱۴۰۲ با ۰,۶ واحد درصد کاهش نسبت به پایان سال ۱۴۰۱ به ۲۵,۱ درصد رسید
- فروکش کردن انتظارات تورمی و بازگشت آرامش به بازارها، جامعه و فعالان اقتصادی، به وضوح در ارقام قابل مشاهده است

رشد تجمعی
نقدینگی در
۵ ماه نخست
سال جاری و
مقایسه آن با
هدفگذاری از
پیش تعیین
شده بانک
مرکزی نشان
می دهد
سیاست گذار
پولی در کنترل
رشد نقدینگی
تاکنون توانسته
فراتراز برنامه
پیش برود



نگاهی به رشد تجمعی نقدینگی در ۵ ماه نخست سال جاری و مقایسه آن با هدفگذاری از پیش تعیین شده بانک مرکزی نشان می دهد، سیاست گذار پولی در کنترل رشد نقدینگی تاکنون توانسته فراتراز برنامه پیش برود. از جمله مهم ترین دستگاه هایی که همراهی آن برای موفقیت واثربخش بودن سیاست های بانک مرکزی لازم است، سازمان برنامه و بودجه و مجلس شورای اسلامی است. از قضا این روزها دو موضوع بسیار مهم و اثرگذار بر تورم، در حال بررسی در این دو نهاد است، برنامه هفتم توسعه و لایحه بودجه سال ۱۴۰۳.

شواهد نشان می دهد کمیسیون تلفیق برنامه هفتم توسعه، تغییرات گسترده ای در لایحه برنامه هفتم اعمال کرده و با کم کردن از درآمدها و افزودن به هزینه ها، ناترازی سنگینی با رقم تقریبی ۲۰ هزار همت (معادل ۱۰ برابر بودجه سال ۱۴۰۲ دولت) به آن تحمیل کرده است. در چنین شرایطی، اجرای بهترین سیاست ها از سوی بانک مرکزی هم نمی تواند به کاهش تورم کمک کند. تدابیر سازمان برنامه و بودجه در تدوین لایحه بودجه سال آتی هم نقش پُررنگی در موفقیت یا شکست برنامه های بانک مرکزی در کنترل تورم خواهد داشت. با این حال سه مورد از مهم ترین این تدابیر شامل «محدود کردن رشد سقف بودجه»، «کاهش ناترازی های موثر بر تورم» و «گاستن از سهم اوراق بدهی در تامین مالی دولت» از مهم ترین تدابیری است که می توان برای کاهش تورم در لایحه بودجه اتخاذ کرد.

آخرین گزارش بانک مرکزی نشان می دهد که در پنج ماهه اول سال جاری، نقدینگی معادل ۸/۲ درصد رشد یافته که این رقم به میزان قابل توجهی کمتر از رشد نقدینگی هدفگذاری شده برای پنج ماهه اول سال ۱۴۰۲ است. همچنین، نرخ رشد دوازده ماهه نقدینگی در پایان مردادماه ۱۴۰۲ با ۱۰۹ واحد درصد کاهش نسبت به دوره مشابه سال قبل، (معادل ۳۷۰۸ درصد در مرداد ماه ۱۴۰۱) به ۲۶۰۹ درصد رسید که حاکی از اتمام و تمرکز بانک مرکزی بر اجرای سیاست کنترل مقداری رشد ترانزنامه بانک ها و کنترل رشد خلق پول بانک ها و به تبع آن رشد نقدینگی در سال جاری بوده است. (نمودار ۱)

مهارش نقدینگی، فراتراز هدفگذاری

نگاهی به رشد تجمعی نقدینگی در ۵ ماه نخست سال جاری و مقایسه آن با هدفگذاری از پیش تعیین شده بانک مرکزی نشان می دهد، سیاست گذار پولی در کنترل رشد نقدینگی تاکنون توانسته فراتراز برنامه پیش برود. طبق برنامه بانک مرکزی، قرار بود رشد نقدینگی در ۵ ماه نخست سال جاری به ۸۰۸ درصد محدود شود. این در حالی است که آخرین آمارها نشان می دهد رشد نقدینگی در این مدت به ۸۰۲ درصد محدود شده که از هدفگذاری بانک مرکزی هم جلوتر است. (نمودار ۲)

بانک مرکزی از سال ۱۳۹۹ رویکرد جدیدی را در قبال کنترل نقدینگی تحت عنوان کنترل رشد ترانزنامه بانک ها اتخاذ کرد و در این سال بخش عمده اقدامات در زمینه شناسایی و برطرف کردن اشکالات متمرکز بود. در سال ۱۴۰۰ نیز تمرکز اصلی بر سمت دارایی ترانزنامه بانک ها قرار گرفت، ولی در سال ۱۴۰۱ نظارت بر سمت بدهی ترانزنامه بانک ها نیز آغاز شد.

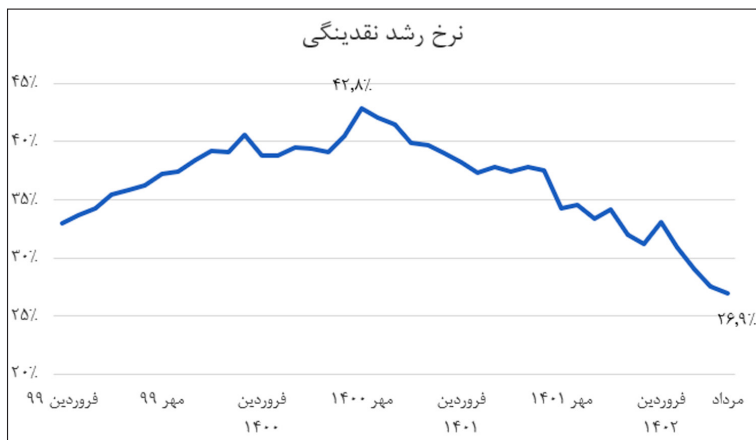
در ابتدای اجرای سیاست محدودیت رشد ترانزنامه، دسته بندی بانک ها برحسب نوع آنها و حوزه عملکردشان انجام می شد و شاخص های نظارتی تأثیری در میزان محدودیت بانک ها در رشد ترانزنامه نداشت. بر این اساس، میزان رشد ترانزنامه برای بانک های تجاری دو درصد و برای بانک های تخصصی ۲۰۵ درصد تعیین شده بود. اما این رویکرد از سال ۱۴۰۱ اصلاح شد و محدودیت رشد ترانزنامه بانک ها براساس معیار نظارتی تعیین شد و هر بانک بر حسب وضعیت شاخص های نظارتی طبقه بندی و نسبت های رشد سقف ترانزنامه، متناسب با این شاخص ها ابلاغ شد.

شاخص های نظارتی نسبت کفایت سرمایه، میزان اضافه برداشت و میزان تبعیت بانک ها از مقررات بانک مرکزی و به طور کلی ترکیبی از شاخص های نظارتی برای تعیین سقف رشد ترانزنامه بانک ها تعیین شد که در این میان، نسبت کفایت سرمایه بانک ها به عنوان یک معیار تعیین کننده برای رتبه بندی بانک ها در نظر گرفته شد.

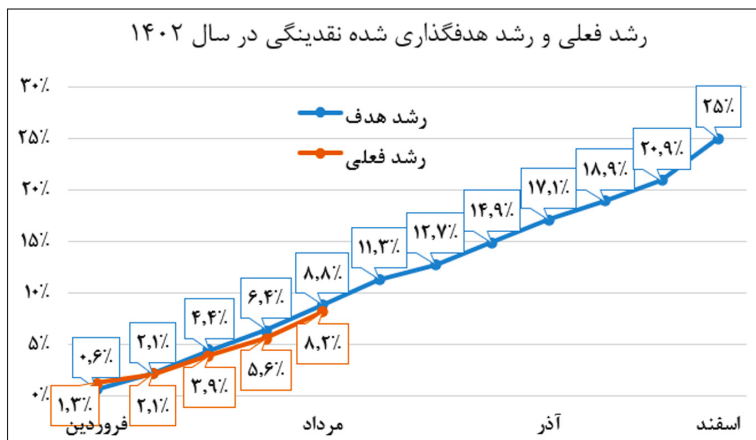
کاهش چشمگیر سرعت رشد پول و بهبود انتظارات تورمی

نکته دیگر در رابطه با آمارهای پولی مرداد ماه، کاهش چشمگیر سرعت رشد پول و در نتیجه، کاهش سهم آن از کل نقدینگی است. براساس گزارش جدید بانک مرکزی، رشد دوازده ماهه پول در مردادماه ۱۴۰۲ به ۴۱۰۳ درصد رسیده که

نمودار ۱
نرخ رشد نقدینگی



نمودار ۲
رشد فعلی و رشد هدفگذاری شده نقدینگی در سال ۱۴۰۲



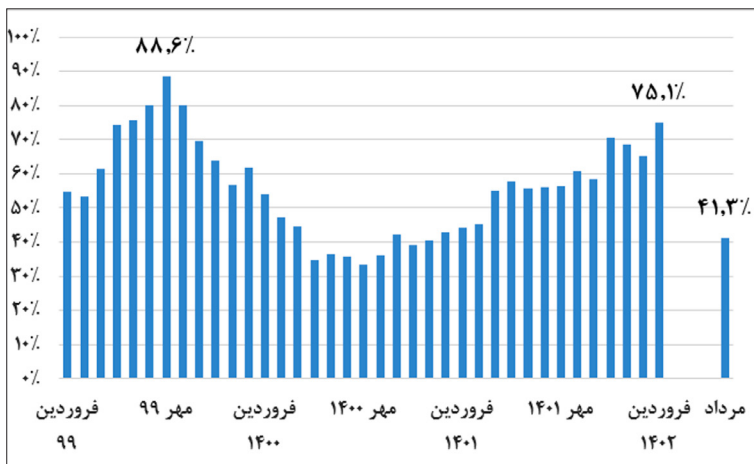
کاهش چشمگیر انتظارات تورمی و تعدیل انتظارات همزمان با اجرای سیاست‌های تثبیت اقتصادی از سوی بانک مرکزی است.

لزوم همراهی تمام ارکان دخیل برای کاهش تورم

هر چند روند کنونی شاخص رشد نقدینگی، مسیری امیدوارکننده است اما بدیهی است که تداوم این روند و نتیجه بخش بودن آن، مشروط به همکاری و تعامل نزدیک دیگر نهادهای دولتی و فرادولتی است. پیش از این هم رئیس کل بانک مرکزی در مصاحبه‌ای مفصل، به اهمیت همکاری دیگر نهادها با بانک مرکزی برای تحقق هدف کنترل تورم اشاره کرده بود. محمدرضا فرزین با تاکید بر اهمیت همراهی دیگر دستگاه‌ها برای اثرگذاری اقدامات بانک

نسبت به رقم ۵۵٫۶ درصدی در مرداد ماه سال گذشته، کاهش ۱۴٫۳ واحد درصدی را نشان می‌دهد. (نمودار ۳)

همچنین نسبت پول به نقدینگی در مردادماه ۱۴۰۲ با ۰٫۶ واحد درصد کاهش نسبت به پایان سال ۱۴۰۱ به ۲۵٫۱ درصد رسیده است. کاهش مذکور بیانگر تعدیل سیالیت نقدینگی، ناشی از اتخاذ مجموعه‌ای از سیاست‌های ارزی و پولی در قالب رویکرد کلان تثبیت اقتصادی و بهبود انتظارات مردم و فعالان اقتصادی است. فروکش کردن انتظارات تورمی و بازگشت آرامش به بازارها و اذهان جامعه و فعالان اقتصادی، به وضوح در شاخص این ارقام قابل مشاهده است. کاهش سرعت رشد پول به ۴۱ درصد در حالی که این شاخص در بهار امسال از مرز ۷۰ درصد هم عبور کرده بود، نشان دهنده



نمودار ۳

سوی بانک مرکزی هم نمی تواند به کاهش تورم کمکی کند.

علاوه بر نقش مهم مصوبات مجلس بر تورم، تدابیر سازمان برنامه و بودجه در تدوین لایحه بودجه سال آتی هم نقش پُررنگی در موفقیت یا شکست برنامه های بانک مرکزی در کنترل تورم خواهد داشت. تدابیر مختلفی به منظور کمک به بانک مرکزی در تدوین بودجه سال ۱۴۰۳ می توان در نظر گرفت. با این حال سه مورد از مهم ترین این تدابیر شامل «محدود کردن رشد سقف بودجه»، «کاهش ناترازی های موثر بر تورم» و «گاستن از سهم اوراق بدهی در تامین مالی دولت» از مهم ترین آنهاست.

محدود کردن رشد سقف بودجه

اولین، ساده ترین و البته حیاتی ترین اقدامی که سازمان برنامه و بودجه در تدوین لایحه بودجه سال آتی باید مد نظر قرار دهد، کاهش چشمگیر رشد سقف بودجه است. دولت سیزدهم البته در تدوین بودجه سال ۱۴۰۱ این کار را به بهترین شکل ممکن انجام داد به طوری که سقف بودجه سال ۱۴۰۱ نسبت به قانون سال ۱۴۰۰ کمتر از ۱۰ درصد رشد یافت، آن هم در شرایطی که کشور گرفتار تورم ۴۵ درصدی بود. همین اقدام باعث شد دولت در سال ۱۴۰۱ دچار کسری بودجه منجر به تورم نشود و در نتیجه تورم از این ناحیه تشدید نشد.

موضوع کنترل رشد سقف بودجه به ویژه در تدوین لایحه بودجه سال آتی که نمایندگان در ایام منتهی به انتخابات مجلس آن را بررسی

مرکزی در فروکش کردن انتظارات تورمی و در نهایت کاهش تورم، گفت: ما باید نقدینگی را کنترل کنیم و این کار را هم می کنیم. کسری بودجه دولت و ناترازی ها هم باید کنترل شود و با مجموعه های دیگر دولت در ارتباط و تعامل هستیم که بتوانیم سیاست ضد چرخه ای را با کمک دیگر عوامل به پیش ببریم و البته بتوانیم موفق شویم. همان طور که گفتیم تثبیت نرخ ارز یکی از همان سیاست های ضد چرخه ای است که بانک مرکزی قصد دارد همسو با کنترل نقدینگی و کاهش ناترازی ها (بودجه، بانک ها و صندوق ها) آن را به پیش ببرد.

در این میان از جمله مهم ترین دستگاه هایی که همراهی آن برای موفقیت و اثربخش بودن سیاست های بانک مرکزی لازم است، سازمان برنامه و بودجه و مجلس شورای اسلامی است. از قضا این روزها دو موضوع بسیار مهم و اثرگذار بر تورم، در حال بررسی در این دو نهاد است، برنامه هفتم توسعه و لایحه بودجه سال ۱۴۰۳. شواهد نشان می دهد کمیسیون تلفیق برنامه هفتم توسعه، تغییرات گسترده ای در لایحه برنامه هفتم اعمال کرده و با کم کردن از درآمدها و افزودن به هزینه ها، ناترازی سنگینی با رقم تقریبی ۲۰ هزار همت (معادل ۱۰ برابر بودجه سال ۱۴۰۲ دولت) به آن تحمیل کرده است. در صورت نهایی تبدیل مصوبات کمیسیون تلفیق به قانون، ناترازی های کنونی در اقتصاد کشور، نه تنها کمتر نخواهد شد، بلکه طی ۵ سال آتی تشدید هم می شود. در چنین شرایطی، اجرای بهترین سیاست ها از

۷۰



اقتصاد

• شماره ۱۲ - مهر ۱۴۰۲ •

می‌کنند، اهمیت به مراتب بیشتری دارد. دولت امسال در حالی لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ را به مجلس تقدیم خواهد کرد که نمایندگان تنها چند هفته پس از آن، انتخابات مجلس را پیش رو دارند. در چنین شرایطی، انگیزه‌های انتخاباتی نمایندگان و اهداف پوپولیستی آنان می‌تواند باعث تحمیل شدن هزینه‌های بسیار به بودجه و در نتیجه رشد شدید سقف بودجه نسبت به لایحه تقدیمی دولت شود. در نتیجه دولت برای جلوگیری از رشد شدید سقف بودجه ۱۴۰۳ باید لایحه مذکور را با کمترین رشد هزینه نسبت به قانون سال جاری، تقدیم مجلس کند تا در صورت اضافه شدن هزینه‌ها، در سال آینده با بحران کسری بودجه و تبعات تورمی آن مواجه نشود.

کاستن از ناترازی‌های تورم‌زا

مسئله بسیار مهم دیگر، رفع حداکثری ناترازی‌های تورم‌ساز در بودجه سال آینده است. چنانکه رئیس سازمان برنامه هم بارها بر ضرورت رفع ناترازی‌ها تأکید کرده، حل این مسئله یا حداقل کاستن از شدت آن، می‌تواند کمک بسیاری به کاهش تورم در کشور باشد. بر همین اساس انتظار می‌رود سازمان برنامه و بودجه در همکاری و هماهنگی با دستگاه‌های دیگر از جمله بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و وزارت رفاه، مهم‌ترین ناترازی‌های تورم‌ساز را شناسایی کرده و با برطرف کردن یا کاستن از آن ناترازی‌ها، نیروی تورمی آنها را تا حد ممکن کاهش دهد. به عنوان مثال یکی از مهم‌ترین ناترازی‌های تورم‌ساز، ناترازی بانک‌هاست. با توجه به بدهکاری دولت به شبکه بانکی، پرداخت همه یا بخشی از طلب بانک‌های ناتراز، می‌تواند به کاهش ناترازی آنها و کاهش اضافه برداشت آنها از ذخایر بانک مرکزی کمک کرده و علاوه بر بازپرداخت بدهی دولت،

کاهش تورم را تسریع کند. مثال‌های دیگر در این رابطه، پرداخت بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی، پیمانکاران و ... است که می‌تواند به رفع ناترازی‌های تورم‌ساز کمک چشمگیری کند.

کاهش سهم اوراق در تامین مالی دولت

اقدام مهم دیگر سازمان برنامه برای تکمیل برنامه‌های ضدتورمی دولت، کاهش حداکثری وابستگی بودجه به انتشار اوراق است. هرچند دولت سیزدهم تاکنون هم توانسته به میزان چشمگیری وابستگی بودجه به انتشار اوراق را کاهش دهد که توفیق بزرگی برای دولت محسوب می‌شود، اما ادامه این روند و حتی کاهش بیشتر سهم اوراق از منابع بودجه، کمک بسیاری به سیاست کاهش رشد نقدینگی بانک مرکزی محسوب می‌شود. با توجه به کاهش نرخ رشد نقدینگی به ۲۹ درصد در پایان خرداد ماه امسال، کنار کشیدن دولت از بهره‌مندی از جریان تسهیلات‌دهی بانک‌ها و جایگزین شدن دولت با بخش تولید و مصرف‌کننده نهایی در بهره‌مندی از جریان تامین مالی بانکی، کمک بسیاری به کاهش اثرات رکودی سیاست ضدتورمی بانک مرکزی می‌کند. در غیر این صورت، انتشار بی‌رویه اوراق بدهی، باعث کشیده شدن بیشتر جریان تسهیلاتی بانک‌ها به بودجه دولت و در نتیجه بی‌بهره ماندن بخش تولید و عموم جامعه از تامین مالی بانکی شده و در چنین شرایطی، فشار سیاست ضدتورمی بانک مرکزی به شکل تصاعدی بر تولید و مردم تحمیل می‌شود. از همین رو، کاهش انتشار اوراق به ویژه اوراقی که بانک‌ها خریدار آن هستند، تدبیر مهمی در کاهش تورم و همچنین کاهش اثرات رکودی سیاست کنترل نقدینگی بانک مرکزی به شمار می‌رود.

رشد دوازده ماهه پول در مردادماه ۱۴۰۲ به ۴۱٫۳ درصد رسیده که نسبت به رقم ۵۵٫۶ درصدی در مردادماه سال گذشته، کاهش ۱۴٫۳ واحد درصدی را نشان می‌دهد

افزایش بار هزینه‌های بودجه ۱۴۰۳

شواهد نشان می‌دهد کمیسیون تلفیق برنامه هفتم توسعه، تغییرات گسترده‌ای در لایحه برنامه هفتم اعمال کرده و با کم کردن از درآمدها و افزودن به هزینه‌ها، ناترازی سنگینی با رقم تقریبی ۲۰ هزار همت (معادل ۱۰ برابر بودجه سال ۱۴۰۲ دولت) به آن تحمیل کرده است. در چنین شرایطی، اجرای بهترین سیاست‌ها از سوی بانک مرکزی هم نمی‌تواند به کاهش تورم کمک کند.

دکتر آلبرت بغزیان، اقتصاددان و استاد اقتصاد دانشگاه در گفتگو با تازه‌های اقتصاد:

اقدامات ارزی بانک مرکزی بازار را آرام کرد



● برخلاف برخی که معتقدند بانک مرکزی نرخ را باید رها کند تا به قیمت واقعی‌اش برسد، معتقدم که در حال حاضر فترنگه داشته نشده است

● بانک مرکزی موفق شد یک ثبات نسبی در بازار ارز را با اتخاذ سیاست دلارزدایی حاکم کند

● اگر بتوانیم سیاست دلارزدایی را کامل اجرایی کنیم تخصیص ارز به مصارف مختلف تسهیل می‌شود

● ثمرات مسئولیت‌پذیری بانک مرکزی در دوره جدید و مدیریت بازار ارز، با ابداعاتی همچون راه‌اندازی مرکز مبادله قابل مشاهده است

۷۲



اقتصاد تازه‌ها

● شماره ۱۲ - مهر ۱۴۰۲ ●

بانک مرکزی در ماه‌های اخیر، سیاست فعال خود در راستای دلارزدایی و متنوع سازی سبد ارزی کشور را در پیش گرفته است. این بانک قصد دارد با ایجاد زمینه انجام مبادلات با ارزهای محلی در زمان مبادلات اقتصادی با کشورهای طرف تجاری، زمینه حذف تدریجی دلار را از اقتصاد ایران فراهم کند. طی دوره‌های گذشته، سیاست‌های منفعلانه بانک مرکزی باعث شده بود تا سلطه دلار بر اقتصاد ایران افزایش یابد و هرگونه اعمال قدرت این ارز آمریکایی، در بازار ارز ایران زلزله‌ای به راه بیندازد. با این حال، بانک مرکزی در دوره جدید برای برداشتن این مانع از پیش پای بخش بازرگانی و تجاری کشور اهتمام دارد و در اولین اقدام رسمی خود نیز، تأمین ارز مراسم اربعین امسال را با دینار عراق و حذف کامل دلار از پروسه نیاز ارزی این مراسم به انجام رساند. همزمان نیز در دنیا هژمونی دلار رو به افول است و بسیاری از کشورها دیگر حاضر نیستند تا سلطه دلار بر اقتصاد خود را تحمل کنند. کشورهای عضو گروه بریکس و شانگهای، نمونه بارز این کشورها هستند که به صورت رسمی تصمیم گرفته‌اند تا نقش ارز آمریکایی را در مبادلات و دادوستدهای خود کمرنگ کنند. بسیاری از کارشناسان با تأیید اقدام اخیر بانک مرکزی در حذف دلار از مراسم اربعین امسال، این موفقیت را گام جدی و عملی در راستای دلارزدایی کامل از اقتصاد ایران و آن را اقدامی شدنی دانستند. به این منظور، هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد با دکتر آلبرت بخزیان، اقتصاددان و استاد اقتصاد دانشگاه گفتگویی انجام داده که با هم می‌خوانیم:

با توجه به اینکه در ماه‌های اخیر موضوع دلارزدایی در اقتصاد ایران بیش از پیش مطرح می‌شود، به نظر شما اساساً در چه شرایطی کشورها اقدام به اجرای سیاست دلارزدایی می‌کنند؟

در ابتدا باید به مفهوم این موضوع بپردازیم. آیا آن چیزی که ما به عنوان دلارزدایی از اظهارات مقامات ارشد کشور می‌شنویم، با آن چیزی که سایر کشورها در پیمان‌های مختلف مانند سازمان همکاری شانگهای و بریکس مطرح

می‌کنند، یکسان است یا خیر؟ موضوعی که بنده برداشت می‌کنم این است که مسئله و دغدغه ما ممکن است با سایر کشورها متفاوت باشد، بنابراین تعریف دلارزدایی در ایران شاید متفاوت باشد. با توجه به تحریم‌ها، انتقال دشوار درآمدهای ارزی به کشور، بسته شدن سوئیفت و ...، نیاز ما این است به این برسیم که چگونه می‌توانیم با دلارزدایی موانع را برطرف کنیم؟ به عبارت دیگر آیا مسیر دیگری وجود دارد که به کمک کشورهای طرف تجارت مان بتوانیم دلار را از معاملات خود حذف کنیم و در شرایط تحریم به ارزیابی که با آنها می‌توانیم نیازهای وارداتی خود را تأمین کنیم، دسترسی داشته باشیم. پیوستن دولت به پیمان‌های مختلفی همچون بریکس که اخیراً اتفاق افتاد، نشانه حرکت در این مسیر درست است. بنابراین اگر بحث دلارزدایی را مطرح می‌کنیم به این معناست که با استفاده از ارزهای معادل که جهانی است و می‌تواند منابع ارزی را به کشور بازگرداند، بتوانیم تحریم‌ها را خنثی و این موضوع را به عنوان اقدامات مربوط به دلارزدایی تعریف کنیم.

آیا اجرای سیاست دلارزدایی منجر به جلوگیری از بروز نوسانات ارزی و کاهش نرخ تورم خواهد شد؟

وقتی می‌گوییم نرخ ارز، یعنی رابطه بین دو پول ملی. به عنوان مثال نرخ ارز به پوند، به یورو، به درهم یا به دلار. در حال حاضر در صرافی‌ها تابلوهایی وجود دارد که در آنجا نرخ دلار آمریکا به صورت آزاد وجود ندارد، ولی بقیه ارزها موجود است. این نمونه ساده‌ای است که اگر بخواهیم نرخ دلار را به دست آوریم، کافی است رابطه پوند با دلار یا درهم با دلار را که بانک مرکزی امارات ثابت نگه داشته در نظر بگیریم و با تقسیم بر یکدیگر، نرخ واقعی آن را محاسبه کنیم. بنابراین در موضوع تعیین نرخ ارز می‌توان گفت در مجموعه نرخ‌ها اثرگذار نیست، اما نخستین تأثیر آن در بحث انتقال درآمدهای ارزی کشور است و ما با کمترین هزینه و کارمزد می‌توانیم منابع ارزی خود را به کشور منتقل کنیم. به عنوان مثال در بحث اخیر وون کره جنوبی مشاهده کردیم که تبدیل ارز وون به یورو و ورود یورو به کشور دیگر، متحمل کارمزدها و هزینه‌هایی شدیم که هزینه آن رقم پایینی نیست و مشاهده شد که یک میلیارد دلار از منابع ارزی کشور متحمل کاهش ارزش شد. به بیان دیگر این مبلغ گم نشده، بلکه در نقل و انتقال و در یک عملیات ریاضی از

اگر بحث دلارزدایی را مطرح می‌کنیم به این معناست که با استفاده از ارزهای معادل که جهانی است و می‌تواند منابع ارزی را به کشور بازگرداند، تحریم‌ها را خنثی کنیم و این موضوع را به عنوان اقدامات مربوط به دلارزدایی تعریف کنیم



اگر ما بگوییم دلارزدایی اتفاق افتاده است شاید کمی زود باشد، اما می توان گفت ثبات نرخ ارز امکان دلایزه شدن اقتصاد را کاهش داد

۷۴



اقتصاد

• شماره ۱۲ - مهر ۱۴۰۲ •

بین رفته است. در وهله اول بنده معتقدم دست دولت در ذخیره سازی ارزی و مصرف منابع ارزی بازتر می شود و به تبعیت از آن، تولید تقویت می شود و نیازهای مصرفی مردم و کالاهای وارداتی با سهولت بیشتری تامین می شود. همچنین با آزادسازی این منابع در مساله تولید که تحریم ها برای آن محدودیت هایی ایجاد کرده است، گشایش هایی ایجاد می کند و در دوره های زمانی بعدی روی کاهش نرخ تورم اثرگذار خواهد بود.

به نظر شما اجرای سیاست دلارزدایی چه نقشی در افزایش قدرت بانک مرکزی در اتخاذ سیاست های پولی فعال و تحقق اهداف نظارتی و کنترل رشد نقدینگی دارد؟

در سوال تان یک نکته ای بود که پرسیدیم و آن "بانک مرکزی" است. یعنی ما باید بپذیریم که بانک مرکزی متولی نرخ ارز، سیاست های ارزی، سیاست های پولی و پاسخگوی نرخ تورم است که شاید تاکنون چنین موضوعی به پُررنگی فعلی مطرح نبوده و اکنون مشاهده می کنیم که اگر اختیارات بانک مرکزی افزایش یابد، به این مسائل نیز می تواند بپردازد و مسئولیت بپذیرد و پاسخگو نیز باشد.

در بحث دلارزدایی مسلماً بانک مرکزی، سیستم بانکی، صرافی ها و عوامل بیرونی کمک کردند که کشور برای انتقال منابع ارزی و تبدیل آنها دست بازتری داشته باشد و برای اینکه به ارزهای دیگر دسترسی پیدا کنند و منابع دیگر را با کمترین هزینه منتقل کنند، تلاش های فراوانی شد.

بنابراین اگر ما بتوانیم به ارزهای اصطلاحاً سخت یا قوی متصل شویم، اتخاذ سیاست های پولی مناسب، سیاست های ارزی و تخصیص ارز به مصارف مختلف تسهیل می شود. البته ارزهای اروپایی را باید کنار بگذاریم، ولی ارزهای کشورهای همچون چین و کره جنوبی که معاملات ما با آنها بیشتر است، می تواند دست بانک مرکزی را باز کند تا تامین نیازهای وارداتی با استفاده از این ارزها انجام شود و انواع نیازهایی که به عنوان مثال در مرکز مبادله ارزی مطرح می شود را بتوان با ارزهای غیردلاری پاسخ داد.

از ابتدای سال جاری تاکنون، ثبات نسبی در بازار ارز را تجربه کردیم و به تبعیت از ثبات قیمت دلار، بازارهای همسو با دلار

نیز آرامش نسبی داشتند. به نظر شما اقدامات بانک مرکزی در اجرای ثبات در بازارهای مختلف، چه تاثیری داشته است.

در بحث نرخ ارز، متولی، پاسخگو و مسئول آن بانک مرکزی است و اساساً بانک های مرکزی با همین مأموریت، تأسیس شده اند. موردی که به نظر من اشتباه جا افتاده، این موضوع است که بانک مرکزی فنر نرخ ارز را نگه داشته است. بانک مرکزی موفق شد که نرخ دلار را که در گذشته به موجب رویدادهایی با افزایش مواجه می شد، ثابت نگه دارد. به عنوان مثال یک مراسم بزرگ همچون حج و اربعین یا سفرهای خارجی، باعث تغییر نرخ ارز می شد. همچنین اتفاقات سیاسی نیز تأثیر منفی بر بازار می گذاشت، برخلاف سیاست گشایش های ارزی که در ایام اخیر اجرایی شد.

این نوسانات در گذشته باعث بلاتکلیفی افراد می شد و بانک مرکزی در گذشته نسبت به این مسئولیت اهتمام نداشت و بازار را رها کرده بود. گاهی برخی این گزاره را مطرح می کردند که بانک مرکزی از هرات، اربیل و ... خط می گیرد و نرخ دلار را تعیین می کند.

اما بیشترین و با نفوذترین نهاد در این بخش واضح است که بانک مرکزی است که منابع ارزی دارد. مسئولیت پذیری بانک مرکزی در این چند ماه اخیر مشاهده شد و مدیریت ارزی را با توجه به مدیریت تقاضای ارز با ابداعاتی که در مرکز مبادله ارزی و ... داشت، انجام داد. به عبارت دیگر وقتی ما از تقاضا برآورد داشته باشیم و با عرضه مناسب نیز نیازها را پاسخ بدهیم، تقاضاهای کاذب در بازار امکان دوام و ادامه را ندارند.

بنده برخلاف برخی که معتقدند بانک مرکزی نرخ را باید رها کند تا به قیمت واقعی اش برسد، معتقدم که در حال حاضر فنر نگه داشته نشده است. سیاستی که بانک مرکزی در ماه های اخیر اتخاذ کرد، در واقع شناسایی تقاضا و عرضه متناسب ارز با تقاضا و مجاب کردن عرضه کننده های ارزی بود که باید ارز خود را در سامانه تسلیم می کردند. همین اقدام باعث شد که به راحتی همچون شلیک یک تیر، در یک رویداد و اتفاق سیاسی و امثالهم، شاهد جهش نرخ ارز نباشیم و اگر اختلالی هم در فرایند ایجاد می شد، نرخ ارز به سرعت به وضعیت تعادلی باز می گشت. این مسئله ای است که باعث ایجاد ثبات در بازار شد و دیگر خبری از تأثیر نرخ

ارز بر روی قیمت کالاها نیست، زیرا پیش از این با افزایش نرخ ارز قیمت سایر کالاها هم بیشتر می‌شد، ولی با کاهش نرخ ارز، مقاومت برای کاهش نرخ سایر کالاها صورت می‌گرفت که در حال حاضر این موضوع تکرار نشده است.

ثبات نرخ ارز باعث شد که تقاضای دلار مدیریت و امکان دلاریزه شدن اقتصاد کاهش یابد. درست است که ما در این فاصله افزایش قیمت‌هایی را نیز داشته‌ایم و احتکار، انحصارات و هزینه تولید در افزایش قیمت موثر است، اما سهم نرخ ارز و نوسان آن در افزایش قیمت حذف شد و ارز از ایفای نقش یک بازار موازی برای بازارهای مسکن، زمین و خودرو خارج شد. اگر ما بگوییم دلارزدایی اتفاق افتاده است، شاید کمی زود باشد، اما می‌توان گفت ثبات نرخ ارز امکان دلاریزه شدن اقتصاد را کاهش داد.

در حال حاضر، زمزمه‌ها و شایعاتی مطرح است که بانک مرکزی فتر ارز را فشرده است و باید رهایش کند که به قیمت واقعی‌اش برسد، در حالی که به نظر من این موارد نیاز است در بحث‌های آکادمیک مطرح و تقویت شود و تعیین نرخ واقعی دلار برای اقتصاد ایران باید در یک جمع خاصی مورد بررسی قرار بگیرد و اجازه ندهیم که چنین ایده‌هایی، امکان پرش نرخ ارز در ماه‌های آتی را تقویت کند.

دلاریزه شدن اقتصاد یعنی اینکه هر محصول و دارایی با نرخ ارز تغییر کند. به عنوان مثال قیمت مسکن را به عنوان نمونه ۱۵۰۰ دلار تعیین می‌کردند، سپس با دلار ۵۰ یا ۶۰ هزار تومانی ضرب می‌شد و یک نرخ را برای مسکن اعلام می‌کردند که این موضوع با سیاست‌های اخیر بانک مرکزی، به نظر بنده تضعیف شده است.

در سال جاری بانک مرکزی بر خلاف رویه سال‌های گذشته به جای تخصیص دلار، به زائران

اربعین دینار عراق تخصیص داد. این اقدام بانک مرکزی را به عنوان نمونه موفق تجربه دلارزدایی چطور ارزیابی می‌کنید؟

آیین‌های مذهبی یک تقویمی دارند و نیاز به پیش‌بینی ندارند و حتماً اتفاق می‌افتد. مراسم اربعین یک اقدام ویژه است که دولت باید برای خروج افراد از کشور و اتوبوسی که قرار است زائر را برساند، تابحت ارزی که لازم دارد برنامه‌ریزی کند. البته در گذشته عراقی‌ها حتی پول ایران را نیز قبول می‌کردند و این باعث می‌شد که دیگر نیازی به تبدیل ارز نباشد که اگر ما تمهیداتی داشتیم که همچنان نیز ریال پذیرفته شود و آنهایی هم که ریال را به دست می‌آوردند، با همان ریال با ایران مبادله کنند، شیوه مطلوبی بود.

مسئله‌ای که در گذشته اتفاق افتاد این بود که بانک مرکزی برای مراسم اربعین دلار اختصاص می‌داد که البته کفاف رفت و آمد را می‌داد، ولی متأسفانه برخی با سوءاستفاده با آن تجارت می‌کردند و مثلاً در نظر می‌گرفتند که یک آیفون ۱۴ را هم بیاورند و این یعنی نتیجه خروج ۲۰۰۰ دلار و این ۲۰۰۰ دلار هم اگر از بازار غیررسمی تهیه می‌شد، که این اقدامات باعث می‌شد تا بازارها ملتهب شوند و علاوه بر آن نیز با افزایش رفت و آمد و برگشت زوار مراسم اربعین، افزایش نرخ دلار هم تجربه می‌شد، ولی امسال شاهد ثبات قیمت ارز هستیم که این نشان می‌دهد بانک مرکزی به موقع ارز را تامین کرده و افراد نیز قصد تجارت در این ایام را نداشتند.

اینکه ما برای مراسم اربعین امسال، دینار تخصیص دادیم مسلماً بهتر از دلار بوده و خود نرخ دینار و دلار هم که در کشور مقابل ثابت مانده است، منجر به این شد که آربیتراژ قیمتی از بین برود و این تصور که من از ایران ارز ارزان

اینکه ما برای مراسم اربعین امسال، دینار تخصیص دادیم مسلماً بهتر از دلار بوده و خود نرخ دینار و دلار هم که در کشور مقابل ثابت مانده است منجر به این شد که آربیتراژ قیمتی از بین برود

حرکت درست بریکس در مسیر دلارزدایی

پیوستن دولت به پیمان‌های مختلفی همچون بریکس و شانگهای که اخیراً اتفاق افتاد، نشانه حرکت در مسیر درست دلارزدایی است. بنابراین اگر بحث دلارزدایی را مطرح می‌کنیم به این معناست که با استفاده از ارزهای معادل که جهانی است و می‌تواند منابع ارزی را به کشور بازگرداند، بتوانیم تحریم‌ها را خنثی و این موضوع را به عنوان اقدامات مربوط به دلارزدایی تعریف کنیم.



که خوشبختانه هم بازار خودرو مدیریت شده و هم بازار مسکن به آن انفجاری رسیده که دیگر توانایی جهش قیمتی در آن نیست و بازار بورس هم یک حالت عادی و طبیعی به خودش گرفته است.

تغییر رویکرد بانک مرکزی در شیوه تخصیص ارز اربعین را به چه میزان در کاهش واسطه‌گری و دلالی موثر می‌دانید؟

اقدامات را می‌توانیم در دو جنبه بررسی کنیم. نخست جنبه مدیریت ارزی است که در قالب تشکیل مرکز مبادله، تالار ارز و شفاف کردن هر آنچه که به عنوان یک تقاضا می‌تواند در بازار باشد، اتفاق افتاد. همچنین در بخش بانکی، بانک مرکزی اختیاراتی را گرفته که بتواند ناترازی بانک‌ها را مدیریت کند و آنها را از بازارهایی مثل بازار املاک و مستغلات یا بازار ارز خارج کند.

تهیه کنم و بروم آنجا گرانتر بفروشم و دوباره بیایم اینجا گرانتر به ریال تبدیل کنم، توجیهی نداشته باشد. به نظر من همین که در بازار ارز ثبات داشته‌ایم نشان دهنده این است که برنامه‌ریزی خوبی در این زمینه انجام شده است.

آیا به نظر شما، این شیوه تغییر رویکرد را می‌توان به سایر سرفصل‌های ارزی نیز تعمیم داد؟

به نظر من بله. یعنی شاید عمده نیازهای ارزی واقعی اشخاص در بحث درمانی، آموزشی، تحصیلی و مسافرتی است. در این سرفصل‌ها کمترین انگیزه برای سوداگری وجود دارد مبنی بر اینکه ارزی که تهیه می‌شود برای سوددهی نگهداری شود. زیرا وقتی نوسان نرخ ارز از بین می‌رود، عملاً فرد هزینه فرصت دارایی دلار را بیشتر حس می‌کند که باید به صفر برساند و این سبب می‌شود که به سمت بازارهای موازی برود

۷۶



اقتصاد

• شماره ۱۲ - مهر ۱۴۰۲ •

تحریم‌ها اثر
خودشان را
گذشته‌اند
با این حال ما
آنها را دور زدیم و
راه خنثی‌سازی
آن را پیدا کردیم
و ثابت کردیم
که می‌توانیم
پیشرفت کنیم

می‌کند و اگر در محدوده خط قرمزهایی از نظر حسابداری قرار می‌گیرند و باید خارج شوند، جزو وظایف نظارتی بانک مرکزی است. بانک مرکزی باید نظارتش را تقویت کند و در عین حال اختیار کامل داشته باشد تا به مسائل ورود کند و اگر برخی بگویند به شما ربطی ندارد و چند مسئول دیگر بگویند بانک مرکزی کاری نداشته باشد، بانک مرکزی صرفاً می‌شود یک ساختمان بلندمرتبه در خیابان میرداماد، در حالی که الان بانک مرکزی اینگونه نیست، یعنی وقتی که از بانک‌ها مطالبه می‌کند که صورت‌های مالی خود را بیاورید تا رسیدگی شود، با اقتدار برخورد می‌کند. به صورت کلی، ناترازی بانک‌ها هم دو نوع ناترازی نقدینگی و ناترازی ترازنامه‌ای است. بعضی از اقلام مانند مطالبات مشکوک الوصول یا سوخت شده و منابعی که در املاک بلوکه شده، موجب ناترازی می‌شود. اینها باعث می‌شود دست بانک برای پاسخگویی به مراجعه‌کنندگان که سپرده‌گذار هستند بسته شود و بانک ناتراز بماند. اما در وضعیت کنونی اینگونه نیست، یعنی بانک مرکزی مطالبه می‌کند و فرصت می‌دهد تا بانک ناترازی‌اش را برطرف کند. این است که ناترازی بانک‌ها با توجه به این شیوه نظارتی فعلی که به نظر من شاید در چند دهه اخیر بی‌سابقه بوده است، به سر منزل مقصود می‌رسد.

توصیه شما برای تداوم و تقویت سیاست دلارزدایی به سیاست‌گذار پولی چیست؟

اگر تعریف دلارزدایی را این بدانیم که ما یک کالایی را به عنوان نفت از سمت دولت و یک کالای غیرنفتی بخش خصوصی از سمت صادرکنندگان را صادر می‌کنیم و طرف مقابل ما ممکن است یک کشوری باشد که پول اصلی‌اش غیر از دلار و یورو باشد، که تسویه غیردلاری، باعث می‌شود که سهم دلار در مبادلات ما کمتر شود، ما باید با طرف‌هایی مبادله کنیم که به راحتی زیر بار تحریم‌ها و تهدید نروند. پیمان‌های منطقه‌ای می‌تواند تا حدودی در قالب بریکس و شانگهای به ایران در دلارزدایی کمک کند. از سویی، تقویت پول ملی ما نیز می‌تواند به فرایند تبدیل ارزهای دیگر کمک کند، لطمه به برنامه‌های دلارزدایی وارد نشود و در نهایت نیز منافع سودجویان را حذف کند و در نتیجه اینکه بتوانیم دلار را از مبادلات خود حذف کنیم.

بنابراین، این دو اقدامی که بانک مرکزی انجام داد باعث شد که ثبات برقرار شود و حالا اتصال آن به بحث دلارزدایی این است که افراد از تصور اینکه دلار بخرند یا بفروشند خارج شوند و همین که ریسک آن را افزایش دهیم، به نوعی موفقیتی است که امیدواریم ادامه پیدا کند.

به بحث نظارت بانک مرکزی بر بانک‌ها اشاره کردید. ارزیابی شما از نحوه اجرای سیاست کنترل رشد مقداری ترازنامه بانک‌ها، توسط بانک مرکزی چگونه است؟

یکی از وظایفی که بانک مرکزی در ادبیات اقتصادی دارد و در عمل مجری آن است، اینکه بانک مرکزی، بانک بانک‌ها و بانک مادر است. بانک‌ها وقتی که مشکل پیدا می‌کنند به بانک مرکزی روی می‌آورند. اینکه سیاست‌های یک بانکی غلط بوده و مشکل ناترازی پیدا



به عنوان جمع‌بندی اگر موضوعی را مدنظر دارید بفرمایید.

معتقدم ما باید به مسائل داخلی کشور، بحث ناترازی بانک‌ها و تعیین تکلیف بدهکاران بزرگ بانکی بپردازیم و به ضربه‌ای که از داخل به اقتصاد ایران وارد می‌شود هم توجه کنیم. تحریم‌ها اثر خودشان را گذاشته‌اند، با این حال ما آنها را دور زدیم و راه خنثی‌سازی آن را پیدا کردیم و ثابت کردیم که می‌توانیم پیشرفت کنیم. همچنین آزادسازی منابع ارزی کشور نیز نشان می‌دهد که دشمنان کم آورده‌اند. به نظر من تلاش برای دلارزدایی از سوی بانک مرکزی و دولت و همچنین کنار گذاشتن سوئیفت، می‌تواند با تقویت مرادبات با کشورهای عضو گروه بریکس، شانگهای و ... اتفاق بیفتد. البته باید ثبات اقتصادی کشور را ابتدا تضمین کنیم و به عنوان یک عضو فعال در پیمان بریکس یا شانگهای حضور داشته باشیم. اینکه ما عضو دائمی این سازمان‌ها شدیم، به این معنا نیست که کار را رها کنیم و باید در آنجا به تدریج سهم خود را در تجارت میان کشورها و به خصوص در تامین کالاهای باکیفیت کشورهای عضو، بیشتر کنیم.

موضوع دلارزدایی را در سطح جهانی چطور ارزیابی می‌کنید و آیا اقدامات کشورهای مختلف در جهت کنار گذاشتن دلار از معاملات خود را گام موثری در پایان هژمونی دلار در جهان می‌دانید؟

بعد از جنگ جهانی دوم با تشکیل صندوق بین‌المللی پول و قرار گرفتن دلار به عنوان ارز ذخیره جهانی، باعث شد تا سلطه دلار افزایش یابد. وقتی که کشورها بعد از جنگ جهانی دوم در مرحله بازسازی بودند، تنها کشوری که توانست در کنفرانس برتون وودز پول خود را به دنیا مسلط کند، آمریکا بود. البته اروپایی‌ها بعدها با معرفی یورو توانستند این ضربه را از ناحیه دلار خنثی کنند. بنابراین هرچه پیمان‌های منطقه‌ای بیشتر شود و بتواند به سمت یکسان‌سازی پول پیش برود، می‌توان انتظار داشت که سلطه دلار در اقتصادهای جهان از بین برود. در بریکس کشورهایی مانند ایران، برزیل، هندوستان، چین، روسیه و اخیراً هم عربستان و ... در یک گروه جمع شده‌اند. اگر این اعضا بتوانند منافع خود را مشترک کنند، می‌توانند با گسترش پیمان‌های پولی، دلار را از مبادلات حذف کنند.

۷۸



• شماره ۱۲ - مهر ۱۴۰۲ •

پیشنهاد تشکیل شورای بانک‌های مرکزی کشورهای عضو بریکس



مسعود دانشمند /

عضو اتاق بازرگانی ایران

● در صورتی که ساختاری در «بریکس+۵» برپا شود که دنیا از موفقیت آن آگاهی یابد، کشورهای دیگر اشتیاق پیوستن به این جمع را پیدا خواهند کرد

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اعضای بریکس که بازار آن می تواند نصف جمعیت جهان را پوشش دهد، توانایی مبادله کالا با کشورهای عضو را داراست، اما انجام مبادلات با توجه به وجود تحریم ها نیازمند ارزش گذاری برای کالاها بوده و این ارزش گذاری کالاها الزاماً نباید با دلار انجام شود، پس چه کار باید کرد؟ قبل و بعد از انقلاب، با کشورهای اروپای شرقی با دلار محاسباتی کار می کردیم و clearing dollar به وجود آمد، البته برای امروز توصیه نمی شود، اما منظور از بیان آن این است که باید شاخصی تعریف شود تا کار از این طریق پیش برود.

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم و پس از آنکه آمریکایی ها به هیچ یک از تعهدات خود پایبند باقی نماندند، سایر کشورها دور هم جمع شدند و HDR را به وجود آوردند که یک ارز فرضی صرفاً برای تبادلات بود، بنابراین اعضای بریکس هم می توانند اقدام مشابهی را انجام دهند. به این شکل که در حوزه «بریکس+۵» یک ارز فرضی به وجود آید که نرخ آن هفتگی اعلام و پول های ملی نسبت به آن سنجیده شوند و سه یا شش ماه یک بار، در انتهای دوره دست به تسویه حساب بزنند. این مسئله می تواند نیاز به دلار را کاهش و ارزش مشترک بریکس را به تدریج توسعه دهد، البته این ارزش ارزی نیست که وارد جیب مردم شود و فقط برای محاسبات تبادلات بازرگانی مناسب است. البته در این خصوص باید در نظر داشت که انجام این کار در برخی مجامع بین المللی مانند آسه آن ممکن نیست، در حوزه پیمان شانگهای هم به دلیل آنکه عمده آن از چین و روسیه تشکیل شده است، دنبال چنین جایگزینی بودن خیلی عاقلانه به نظر نمی رسد، اما در صورتی که ساختاری در «بریکس+۵» برپا شود که دنیا از موفقیت آن آگاهی یابد، کشورهای دیگر اشتیاق پیوستن به این جمع را

پیدا خواهند کرد.

اولین کاری که در «بریکس+۵» برای ارز فرضی باید اتفاق بیافتد، تشکیل شورای بانک های مرکزی کشورهای عضو است. به دنبال آن صندوق تسویه حساب های متفاوت هم باید بنا گذاشته شود و این ارز در آن جای بگیرد. ایران در حال حاضر با چین حدود ۱۷ میلیارد، با روسیه نزدیک دو میلیارد و با هند نزدیک ۴ میلیارد دلار مبادلات دارد، این مبلغ به صندوق خواهد رفت و با ارزش مشترک بریکس، مبادلات پولی انجام می گیرد و در این صورت است که تحریم هایی اثر خواهد شد، زیرا تحریم شامل حال دلار خواهد شد و این ارزش مشترک را در بر نمی گیرد. چنانچه واقعاً به فکر حذف دلار هستیم، نباید شعارگونه حرف زد، واقعیت این است که این کار با توجه به اینکه تمام محصولاتی که صادر می کنیم به دلار قیمت گذاری می شود و حدود ۶۵ درصد تبادلات بازرگانی جهان به همین شکل پیش می رود و اساساً ذخایر کشورها در بانک هایشان هم بیشتر به دلار است، به سادگی امکان پذیر نیست. باین حال، کاهش نیاز کشور به دلار راه حل هایی دارد که باید مورد توجه قرار گیرد.

ابتدا نیاز است تا همانطور که اشاره شد از شعاری کردن بحث دلارزدایی دوری کرد و درباره بنانهان ارز بریکس تصورات غیرواقعی نداشت، مثلاً یک چالش این است که کشوری مانند چین به کدام دلیل باید زیر بار ارزش دیگری غیر از یوان برود؟ به همین دلیل است که ارزش فرضی مسئله حذف دلار را به مرور پیش خواهد برد و تحقق آن به کار کردن مستمر در طول زمان نیاز دارد.

روز اول که اتحادیه اروپا، یورو را پایه گذاری کرد، با این فکر پیش رفت که دلار حذف خواهد شد، ولی یورو در عمل به یک ارز درجه دو تبدیل شد و حتی فشارهایی که وارد آمد مبنی بر اینکه در محدوده اروپا تبادلات با پولی غیر از یورو صورت نگیرد، موفقیت آمیز نبود.

در حوزه «بریکس+۵» می توان یک ارز فرضی به وجود آورد که نرخ آن هفتگی اعلام و پول های ملی نسبت به آن سنجیده شوند و کشورها سه یا شش ماه یک بار در انتهای دوره دست به تسویه حساب بزنند



هشت فصل رشد اقتصادی پیوسته

